

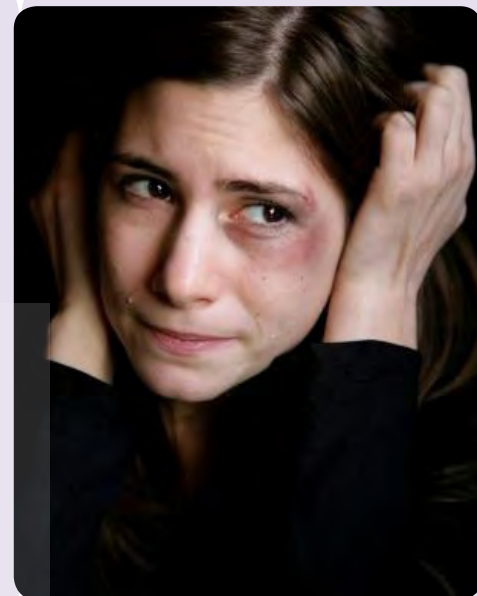
## پرونده ویژه: همسرآزاری

محمد رضا آتشین صدف

### اشاره

پدیده‌ی آزار همسر، مقوله‌ای است که به‌طور طبیعی در هر جامعه‌ای به‌صورت‌های گوناگون وجود دارد و این آسیب اجتماعی، سبب از هم گسیختگی کانون خانواده می‌شود. قربانیان اصلی خشونت در محیط خانواده، در مرحله نخست، زنان و پس از آن کودکان و سالمندان و سرانجام مردان هستند. این معضل در سال‌های اخیر مورد توجه و بررسی کارشناسان قرار گرفته است. در این پرونده پس از مفهوم‌شناسی همسرآزاری، ابتدا گستره و وضعیت آن در جهان و ایران و سپس عوامل و زمینه‌های همسرآزاری مورد بررسی قرار گرفته است. پس از آن، راهکارهای علمی با رویکرد پیشگیری و مقابله، بر پایه منابع دینی و متون روانشناختی و همچنین مدل‌های مداخلاتی در زمینه همسرآزاری در جهان، مورد توجه قرار گرفته است.

ژرف‌نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



### مقدمه

همسرآزاری از آسیب‌های اجتماعی تا حد زیادی پنهان است که معمولاً در محیط بسته خانه شکل گرفته و سبب عدم اطمینان و از هم گسیختگی کانون خانواده می‌شود. قربانیان اصلی خشونت در محیط خانواده، در مرحله نخست، زنان و پس از آن کودکان و سالمندان و سرانجام مردان‌اند. همسرآزاری معضلی است که در قرون اخیر بیش از هر زمان دیگری در جوامع، مورد توجه و بررسی کارشناسان قرار گرفته است.

مقوله همسرآزاری از جمله اخبار داغی است که اگر هر روز در صفحات حوادث روزنامه‌ها دیده نشود، دست‌کم هر چند روز یک بار با مطالبی به صورت گزارش یا مقاله‌های گوناگون

به آن پرداخته می‌شود. پدیده‌ای با عنوان آزار همسر، مقوله‌ای است که به‌طور طبیعی در هر جامعه‌ای به صورت‌های گوناگون وجود دارد.

خشونت فیزیکی و بدنی، مانند صدمه زدن به اشیای منزل و ضرب و شتم همسر، یا خشونت روانی و کلامی مانند تحقیر، بهانه‌جویی نسبت به چهره و شرایط جسمانی زن و ابراز تنفر نسبت به بستگان وی و همچنین خشونت اجتماعی شامل منع اشتغال و تحصیل، ممنوعیت ارتباط با بستگان حتی به صورت تلفنی که بیشتر در استان‌های غربی کشور شایع است. خشونت اقتصادی مانند نپرداختن خرجی و در نهایت صدمات و آزارهای جنسی از طریق تحمیل نسبت به همسر و در معرض فحشا و فساد قرار دادن وی به خاطر اعتیاد و غیره، مهم‌ترین و شایع‌ترین انواع همسرآزاری مردان نسبت به زنان است.

فرهنگ اسلامی و آموزه‌های نورانی آن، در برخورد با پدیده‌هایی همچون خشونت خانگی<sup>۱</sup>، بر پیشگیری و بازدارندگی تأکید می‌ورزند. تأکید اسلام بر پرورش اخلاقی و کرامت شخصیت انسان از جمله عوامل مهم پیشگیری از رفتارهای غیراخلاقی و تعرض به حقوق و شخصیت دیگران است. در کنار این اصل کلی، توجه به تغافل و انجام رفتار کریمانه با هم‌نوعان، به‌ویژه با زیردستان و در هنگام خشم، می‌تواند یکی از ابزارهای مهار خشونت از دیدگاه اسلام شمرده شود

۱. Domestic Violence.

که در عین حال بار ارزشی و معنوی نیز دارد. همسرآزاری به دو گونه زن‌آزاری یا خشونت خانگی علیه زنان و شوهرآزاری تقسیم می‌شود که با توجه به گسترده‌تر و فراوان‌تر بودن گونه اول ما در این پرونده به بررسی آن می‌پردازیم و خواننده علاقه‌مند می‌تواند برای مطالعه در زمینه گونه دوم، خود به آثار مرتبط با آن مراجعه کند.<sup>۲</sup>

### ۱) گستره خشونت علیه زنان در جهان

پژوهش‌های بین‌المللی همواره نشان داده‌اند که خشونت خانگی شیوع بالایی دارد و به‌ویژه زنان، بیشتر از افراد دیگر مورد اهانت، آسیب، تجاوز یا قتل توسط همسر فعلی یا سابق خود قرار می‌گیرند. تحقیقات نشان داده است که در سال ۱۹۹۸ در بیش از ۸۵ درصد موارد همسرآزاری، شخص قربانی زن است و نتایج حدود ۸۰ مطالعه در بیش از ۵۰ کشور جهان بیان‌گر همین واقعیت است. جامع‌ترین مطالعه در این زمینه توسط سازمان جهانی بهداشت (WHO) در سال ۱۹۹۷ آغاز شد. در این مطالعه، مصاحبه‌گران آموزش دیده، از یک نمونه ۲۴۰۰۰ نفری زنان، در ۱۵ ناحیه از ۱۰ کشور، اطلاعاتی گردآوری کردند. یافته‌ها نشان داد که خشونت علیه زنان در تمام کشورهای مورد مطالعه شایع است، اگرچه تفاوت‌های بارزی بین کشورها وجود داشت. فراوانی زنانی که در

۲. برای نمونه ر.ک: قاسمی روشن، «همسرآزاری، رفتارشناسی آزار علیه شوهر»، ص ۴۳-۶۸.

طول عمر خود خشونت فیزیکی یا جنسی یا هر دو را تجربه کرده بودند ۱۵ تا ۷۱ درصد و برای بیشتر نواحی، این رقم بین ۲۹ تا ۶۲ درصد بود. پایین‌ترین میزان خشونت مربوط به ژاپن و بالاترین میزان مربوط به بنگلادش، اتیوپی، پرو و جمهوری خلق تانزانیا بود. پس از این مطالعه، مطالعات مبتنی بر جمعیت در کشورهای مختلف افزایش چشم‌گیری داشت؛ به طوری که تعداد بررسی‌ها از ۸۰ مطالعه به ۳۰۰ مطالعه در سال ۲۰۰۸ افزایش یافت.<sup>۱</sup>

## ۲) وضعیت همسرآزاری در ایران

در ایران نیز مانند بسیاری از کشورها، همسر آزاری یکی از مشکلات بهداشت روان و آسیب‌های اجتماعی است. طرح ملی بررسی خشونت خانگی در زنان در سال ۱۳۹۴، شیوع همسرآزاری جسمانی را در طول زندگی مشترک، ۲۸ درصد گزارش کرده است. در مطالعه‌ای روی زنان مراجعه کننده به یک درمانگاه زنان و زایمان در تهران، فراوانی همسرآزاری جسمانی، ۳۶ درصد گزارش شده است. دیگر پژوهش‌ها این میزان را بیشتر گزارش کرده‌اند. برای نمونه، پژوهش خسروی و همکاران که روی زنان باردار مراجعه کننده به بخش‌های زایمان بیمارستان‌های سنندج انجام شد، نشان داد ۶۰/۵٪ از آنان در دوران بارداری تحت همسرآزاری قرار گرفته‌اند. پژوهش دیگری نیز که روی زنان باردار غرب تهران انجام گرفت،

۱. رک: رسولیان، مریم و دیگران، «همسرآزاری، بررسی نظریه‌ها و مدل‌های مداخلاتی: ارائه مدل مداخلاتی مبتنی بر نظام مراقبت‌های اولیه بهداشتی در ایران»، ص ۲-۳

**فرهنگ اسلامی و آموزه‌های نورانی آن، در برخورد با پدیده‌هایی همچون خشونت خانگی، بر پیشگیری و بازدارندگی تأکید می‌ورزند. تأکید اسلام بر پرورش اخلاقی و کرامت شخصیت انسان از جمله عوامل مهم پیشگیری از رفتارهای غیراخلاقی و تعرض به حقوق و شخصیت دیگران است. در کنار این اصل کلی، توجه به تغافل و انجام رفتار کریمانه با هم‌نوعان، به‌ویژه با زیردستان و در هنگام خشم، می‌تواند یکی از ابزارهای مهار خشونت از دیدگاه اسلام شمرده شود که در عین حال بار ارزشی و معنوی نیز دارد.**

فراوانی کلی همسر آزاری را در همین حدود (۶۰ درصد) گزارش کرد. همچنین پژوهش دیگری روی دانشجویان متأهل دانشگاه نشان داد که ۹۴ درصد دانشجویان تجربه بدرفتاری داشته‌اند که از این تعداد ۸۳ درصد زن و ۱۷ درصد مرد بودند. نیز در پژوهشی دیگر بر روی ۱۱۸۶ زن از تمام مناطق شهر تهران به نتایج مشابهی در مورد شیوع انواع همسرآزاری رسیدند. آنان همچنین دریافتند که همسرآزاری از هر نوع، پیش‌بینی کننده‌ای قوی برای نشان دادن اختلال در سلامت عمومی فرد است.<sup>۲</sup>

۲. رک: رسولیان، مریم و دیگران، پیشین، ص ۳-۱۶

بنا بر اعلام معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، سال ۱۳۹۳ بیش از ۶۰۰ هزار تماس با اورژانس اجتماعی برقرار شده است که از بین این تماس‌ها ۶ درصد (شش درصد) اختصاص به همسرآزاری از نوع جسمی دارد.<sup>۳</sup> گفتنی است که بنا بر اعلام معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، بیشترین تماس‌ها با اورژانس اجتماعی در سال ۹۴ مربوط به کودک‌آزاری و همسرآزاری بوده است.<sup>۴</sup>

## ۳) خشونت خانگی چیست؟

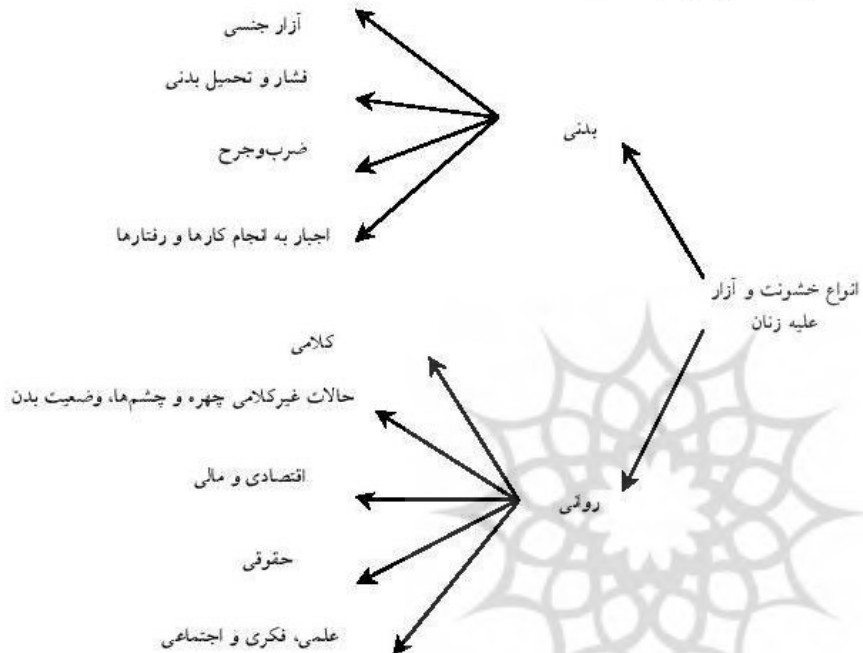
**خشونت<sup>۵</sup>**، «رفتاری تعرض‌آمیز با دیگران به قصد آسیب رساندن جسمانی یا روانی یا تهدید این امور است»<sup>۶</sup>. البته مفهوم خشونت امری نسبی است و متناسب با زمان و مکان تغییر می‌یابد. بدین جهت، رفتاری ممکن است در یک موقعیت زمانی و مکانی خشونت شمرده نشود، ولی در موقعیتی دیگر خشونت به‌شمار آید. فضای خانه و محیط خانواده یکی از بسترهای خشونت است. برخی موارد این خشونت عبارت‌اند از: بدرفتاری با کودک، بدرفتاری با همسر (زن یا شوهر) و بدرفتاری فرزندان با والدین. در این میان خشونت با همسر عبارت است از هرگونه بدرفتاری با وی شامل آسیب‌رسانی روانی مانند تهدید و

۳. رک: فارس، ۲/۰۲/۹۴

۴. رک: سلامت نیوز، ۲/۰۳/۱۳۹۴

۵. Violence

۶. سالاری فر، خشونت خانگی علیه زنان، ص ۹۹



برتری‌ها و امتیازهای حقوقی خود برای ضربه زدن به اوست؛ مثلاً طلاق گرفتن یا ازدواج مجدد گاه برای آسیب زدن به زن صورت می‌گیرد. ایجاد محدودیت در رفت‌وآمد به قصد آزار زن، جلوگیری از پیشرفت علمی، فکری و اجتماعی نیز نوعی خشونت روانی است. خشونت‌ها علیه زن در خانواده ابتدا جنبه روانی دارد و در گفتار بازتاب می‌یابد و بعد به تدریج ابعاد بدنی پیدا می‌کند.<sup>۳</sup>

۳. رک: همان، ص ۱۰۰-۱۰۱.

روانی به‌ظاهر آرام است. آهنگ صدای بلند، حالت بدنی هجوم‌برنده یا مسلط به خود گرفتن و تماس چشمی غضبناک و نفرت‌زا، موارد دیگری از حالات غیرکلامی خشونت‌آمیز است. بدیهی است برخی از این موارد خشونت به معنای مصطلح نیست ولی نوعی آزار به‌شمار می‌آید. خشونت روانی ممکن است جنبه اقتصادی و مالی داشته باشد. ندادن مخارج زندگی و تحت‌فشار قرار دادن زن از این جهت، تصرف اموال شخصی وی و از بین بردن اموال او، آسیب‌های روانی شدیدی بر وی وارد می‌کند. خشونت حقوقی علیه زن، استفاده از

ترساندن، تحقیر و انتقاد شدید و خشونت بدنی مانند سیلی زدن و هل دادن تا استفاده از سلاح<sup>۱</sup> منزوی کردن و محروم کردن نیز گونه‌ای آزار رسانی است که گاه با رفتارهای به‌ظاهر غیرخشن صورت می‌گیرد. در بسیاری موارد خشونت علیه زنان در خانواده یا بیرون، جنبه جنسیتی می‌یابد. به این صورت که مرد بر اساس برتری‌های جنسیتی خود مانند توان بدنی بیشتر یا قدرت اقتصادی بالاتر، با زن به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که موجب آزار، آسیب یا رنج روانی او می‌شود. برخی این موارد را خشونت جنسی علیه زنان می‌خوانند.<sup>۲</sup>

#### ۴) موارد خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان را به‌ویژه در خانواده، از نظر آسیبی که به آنان وارد می‌شود می‌توان به دو نوع کلی «روانی» و «بدنی» تقسیم کرد: خشونت بدنی ممکن است به‌صورت حمله به زن، ضرب‌وجرح او، رفتار جنسی آزارنده، فشار و تحمیل بدنی مانند اجبار کاری صورت گیرد. خشونت روانی، گاه در گفتار و کلام است که نمونه‌های آن عبارت‌اند از: انتقاد ناروا، تحقیر، بددهانی، فحاشی، توهین، تمسخر، گوشه و کنایه و متلک‌پرانی و تهدید به انجام کارهایی که به زن آسیب می‌رساند؛ و گاه در حالات چهره و دیگر علائم غیرکلامی رخ می‌نماید. حالات چهره حاکمی از خشم، بی‌اعتنایی، تنفر، تمسخر و... نوعی خشونت

۱. رک: همان.

۲. رک: همان.

## عوامل خشونت خانگی

دانشمندان علوم اجتماعی، تبیین‌های گوناگونی برای خشونت خانگی ارائه داده‌اند. در این میان، رشته‌های جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و روان‌شناسی، بیشترین حجم پژوهش‌ها را در این موضوع انجام داده‌اند. در این بخش، ما عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان را در سه عامل فردی، ارتباطی و اجتماعی بررسی می‌کنیم.<sup>۱</sup>

### ۱) عوامل فردی

از جمله مهم‌ترین عوامل خشونت خانگی عوامل فردی است که خود جنبه‌های گوناگونی دارد:

### الف) جنبه‌های زیستی

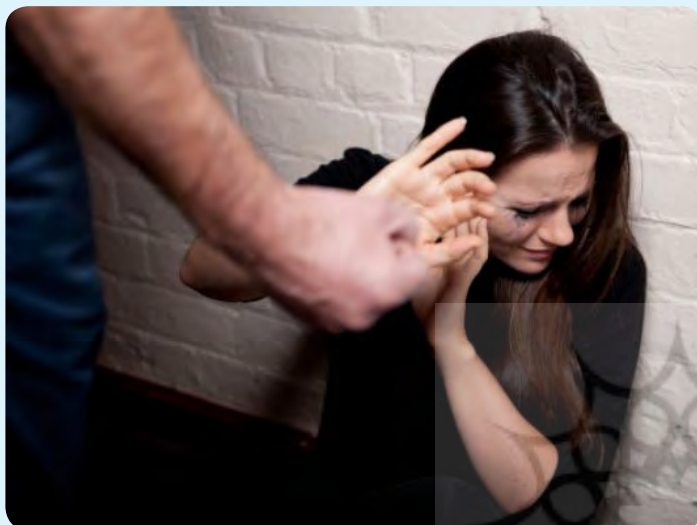
شاید اولین و ابتدایی‌ترین تبیین در علل خشونت، مسائل زیستی انسان و تفاوت زن و مرد از این جهت باشد. در واقع از آنجاکه در مفهوم خشونت، گونه‌ای زور نهفته است، می‌توان گفت که قدرت بدنی بیشتر می‌تواند زمینه‌ای برای ابراز خشونت مردان با زنان باشد. عامل زیستی دیگر، هورمون مردانه یعنی تستوسترون است که روان‌شناسان آن را عامل مؤثری در رفتار پرخاش‌گرانهٔ مردان دانسته‌اند. عدم تعادل هورمونی، هوش پایین و آسیب‌های مغزی نیز از تبیین‌های زیستی بروز خشونت است.

### ب) عوامل روان‌شناختی و شخصیتی

رویکرد روان‌شناختی، منبع خشونت خانگی را در شخصیت یا اختلال‌های روانی می‌جوید. برخی از ویژگی‌های شخصیتی همسرآزاران عبارت‌اند از: ناپختگی، تزلزل، فقدان عزت‌نفس کافی، عدم توانایی در حل مسئله، عدم توانایی در مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد، تکانشی و وابسته بودن.<sup>۲</sup>

۱. بیشتر مباحث عوامل خشونت خانگی برگرفته شده است از: سالاری فر، خشونت خانگی علیه زنان، ص ۱۴۱-۱۹۸.

۲. ر.ک: کاپلان و دیگران، خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری روان‌پزشکی بالینی، ج ۱، ص ۲۵۲-۲۵۳.



### ج) ناکامی

بر اساس این نظریه، پرخاش‌گری یکی از پیامدهای احتمالی ناکامی است. ناکامی در موقعیتی روی می‌دهد که موانع، فرد را از نیل به هدف بازمی‌دارند و او را در انجام رفتاری ناتوان می‌کنند. تأمین نشدن نیازهای عاطفی مرد و ناکامی او در خانواده، عامل مهمی در بروز خشونت با زن است؛ مثلاً ناکامی جنسی بر اثر بی‌اعتنایی زن به نیازهای مرد یا سردمزاجی او، زمینهٔ روانی خشونت علیه زن است.

### د) ضعف اخلاقی

ضعف اخلاقی را مهم‌ترین عامل در بروز خشونت خانگی از دیدگاه اسلام ذکر کرده‌اند.<sup>۳</sup> مفهوم دنیادوستی را اگر به شاخص‌های جزئی‌تری مانند تکبر، خودخواهی، تعصب، حرص، حسد و بخل تحلیل کنیم، می‌توان تبیین خشونت شوهران را در آن‌ها یافت. تأکید بر تقوا به منزلهٔ معیار یک شوهر مناسب نیز به جنبه‌های اخلاقی مرد اشاره دارد؛ زیرا فرد باتقوا مهار عواطف و رفتارهای خویش را در دست دارد و همین موجب پیشگیری از بسیاری رفتارهای نامطلوب از جمله خشونت با زن است.

۳. ر.ک: بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۶۵.



سن و تفاوت سنی زن و شوهر از عوامل فردی مؤثر در بروز خشونت خانگی است. به نظر می‌رسد متغیر سن از جهات زیر بر خشونت خانگی تأثیرگذار است: در مرتبه نخست، سن پایین‌تر مرد و زن معمولاً با عدم رشد یافتگی و ناپختگی همراه است. دوم اینکه مرد در سن جوانی مهار رفتاری کمتری دارد. سوم اینکه هر چه فاصله سنی بیشتر باشد، امکان توافق و سازگاری زن و شوهر کمتر است؛ زیرا درک متقابل دشوارتر است. چهارم اینکه در دوره اول ازدواج که زن و شوهر هنوز شناخت کافی از هم ندارند، سازگاری آنان کم‌تر است و از جهاتی، احتمال بروز خشونت بیشتر می‌شود. ثابت شده است در ایران سال اول ازدواج یکی از پرخشونت‌ترین دوره‌های زندگی زنان است.

### ز) هوش و تحصیلات

هوش پایین، افراد را درگیر رفتارهای ضداجتماعی و مجرمانه می‌کند. بی‌تردید تحصیلات بیشتر، در افزایش مهارت‌های عواطف به‌ویژه خشم و ارتقای مهارت‌های اجتماعی از جمله راه‌های کسب توافق و سازگاری در خانواده تأثیر مثبت دارد. در بحث تحصیلات باید به سطح تحصیلات زن و مرد، هر دو، توجه کرد. البته گاه افزایش تحصیلات زن، زمینه‌ای برای تأکید بیشتر او بر حقوق خویش است که گاه این امر به خشونت بیشتر شوهر علیه او می‌انجامد.<sup>۲</sup> خانواده‌های تحصیل کرده، با آگاهی یافتن از راه‌های کنار آمدن با تعارض‌ها در روابط نزدیک، خشونت در خانواده را کم‌تر کرده و از شیوه‌های معقول برای حل مسئله کمک می‌گیرند. به همین جهت آموزش زوج‌ها می‌تواند کمبود سطح تحصیلات را در آن‌ها جبران کند.

### ۲) عوامل ارتباطی و تعاملی

بخشی از علل و زمینه‌های بروز خشونت با زنان در خانواده به نحوه روابط ویژه آنان در خانواده به منزله زن و شوهر باز می‌گردد. از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و با دیگران رابطه دارد و پدیده خشونت نیز امری دوسویه است، بهتر است در تحلیل خشونت، به جای توجه به هر کدام از زن و شوهر به تنهایی، به نحوه ارتباط آنان با یکدیگر توجه کرد.

۳. ر.ک: فریناز، بررسی عوامل مؤثر بر زن آزاری در همسران ۱۰۰ زن مراجعه‌کننده به مرکز پزشکی قانونی تبریز، پایان نامه دکتری.

**گفتنی است بنا بر اعلام معاون آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، اعتیاد، عامل ۷۰ درصد همسرآزاری‌ها در ایران است. و این آمار زمانی معنادارتر می‌شود که بدانیم بنا بر اعلام معاون اجتماعی نیروی انتظامی، در سال ۹۳ حدود ۱۲ هزار زن به مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی کلانتری‌ها در سراسر کشور مراجعه کردند که علت اصلی مراجعه آن‌ها موضوع اعتیاد همسر و فرزندانشان بوده است.**

### ه) مصرف الکل و مواد مخدر

رابطه میان مصرف الکل و دیگر مواد مخدر با خشونت خانگی کاملاً اثبات شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مردان همسرآزار، ۶۰ تا ۷۰ درصد به مصرف الکل و ۱۲ تا ۲۰ درصد به مصرف دیگر مواد مخدر حین حمله به همسر دچار بودند. بی‌تردید مصرف الکل قدرت مهار رفتار را تضعیف می‌کند و همین امر، زمینه بروز خشونت مرد با همسر را فراهم می‌سازد. افراد معتاد، به سبب ویژگی‌های شخصیتی‌ای که پیدا می‌کنند، مرتکب رفتارهایی می‌شوند که روابط آنان را با دیگران مشکل می‌سازد. غیراجتماعی بودن که عامل رفتاری خاص معتادان است، تحمل فرد معتاد را برای اطرافیان مشکل یا ناممکن می‌کند. فرد معتاد که پس از ستیزه‌های درونی، به خودپرانگیزی روی آورده، خشونت درونی شخصیت را به افراد دیگر جهت می‌دهد.

گفتنی است بنا بر اعلام معاون آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، اعتیاد، عامل ۷۰ درصد همسرآزاری‌ها در ایران است.<sup>۱</sup> و این آمار زمانی معنادارتر می‌شود که بدانیم بنا بر اعلام معاون اجتماعی نیروی انتظامی، در سال ۹۳ حدود ۱۲ هزار زن به مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی کلانتری‌ها در سراسر کشور مراجعه کردند که علت اصلی مراجعه آن‌ها موضوع اعتیاد همسر و فرزندانشان بوده است.<sup>۲</sup>

### و) سن

۱. ر.ک: سلامت نیوز، ۱۳/۱۲/۱۳۹۳

۲. ر.ک: سلامت نیوز، ۱۴/۰۲/۱۳۹۴

## الف) جنسیت

از عوامل مهم و مؤثر در روابط زن و مرد تفاوت‌های جنسیتی آنان است. برخی پژوهش‌گران ریشه‌های خشونت علیه زنان را در روحیات جنس مرد و نقش‌های مردانه می‌جویند. در مرتبه اول خشن بودن جنس مرد به منزله الگوی مطلوبی در بسیاری از جوامع پذیرفته شده است؛ درحالی‌که درباره زن چنین الگویی اساساً پذیرفته نیست و خشونت از او انتظار نمی‌رود. در یک بررسی، روشن شد که از هر چهار زن و شوهر یکی عقیده دارد که شوهر می‌تواند دلیل موجهی برای زدن زن داشته باشد و نسبت کم‌تری معتقدند عکس آن نیز درست است.<sup>۱</sup>

## ب) یادگیری

بسیاری از نظریه‌پردازان روان‌شناسی خانواده، نقش آموزش الگوهای خانوادگی از خانواده اصلی را تأیید کرده‌اند. کودکان، نقش‌های همسری والدین را با مشاهده می‌آموزند؛ از جمله می‌آموزند که بدرفتاری و خشونت، امری بهنجار است. در مواردی حتی والدین به‌طور مستقیم (کلامی) به کودکان تلقین می‌کنند که اعمال خشونت بر افرادی که دوست دارید، ضروری است! بر این اساس، پیامد خشونت در خانه، پرورش فرزندان با مشکلات رفتاری بسیار، از جمله کودک و همسر آزاری است.

## ج) نوع ازدواج

ازدواج اجباری در برخی موارد از علل خشونت خانگی است. تعدد زوجات نیز ممکن است در مواردی به خشونت شوهر با همسر اول بیانجامد.

## د) دخالت اطرافیان

وضعیت فرهنگی اجتماعی برخی کشورها، از جمله ایران به‌گونه‌ای است که بین خانواده اصلی و خانواده‌های تابع، وابستگی زیادی وجود دارد؛ مقصود از خانواده‌های تابع، خانواده‌هایی است که پس از ازدواج فرزندان به‌وجود می‌آیند و باعث گسترش دامنه خانواده اصلی می‌شوند.

این امر هر چند در حمایت خانواده اصلی از خانواده‌های تابع مؤثر است، دخالت‌های نابجای آن‌ها نیز گاه به مشکلات خانوادگی می‌انجامد.

## ه) مشکلات ارتباطی

برخی از عوامل ارتباطی مؤثر در بروز خشونت خانگی عبارتند از: تعارض‌هایی که گاه بین زن و شوهر در موضوعات گوناگون زندگی رخ می‌دهد، حسادت، بدبینی هر کدام از زن و شوهر نسبت به دیگری، میل به زیر سلطه در آوردن یکدیگر.

## ۳) عوامل اجتماعی

بی‌تردید، عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر خشونت‌های خانگی مؤثر است. نگاه یک فرهنگ به خانواده، زن و خشونت، بر افرادی که در آن جامعه زندگی می‌کنند تأثیرگذار است. ساختار اجتماعی یک جامعه، قوانین حاکم بر آن، وضعیت اقتصادی و عقاید و باورهای عمومی مردم، از اموری‌اند که در سطح کلان می‌تواند به تبیین خشونت خانگی کمک کند. برخی از زمینه‌ها و عوامل بروز خشونت از این منظر به قرار زیرند:

## الف) عوامل اقتصادی

یکی از عوامل بسیار مؤثر بر خشونت خانگی مردان، اموری مانند نوع شغل، بیکاری، وضعیت اقتصادی خانواده و اشتغال زن است. بیکاری و مشکلات اقتصادی همراه آن، عامل مهمی در بروز تنش‌های خانوادگی و خشونت‌های برخاسته از آن است. موقعیت شغلی و طبقه اجتماعی نیز بر خشونت مردان تأثیر دارد. طبقه اجتماعی شوهران هرچه پایین‌تر باشد، احتمال بروز خشونت خانگی آنان بیشتر است. تمکن و استقلال اقتصادی یکی از زمینه‌های سایر نقش‌ها، توانمندی‌ها و فعالیت‌های زنان است. بی‌قدرتی و بی‌پناهی زن موجب آسیب‌پذیری و قرارگرفتن وی در معرض خشونت مرد شده و از زمینه‌های فعال شدن چرخه خشونت علیه زن به‌شمار می‌رود.

## ب) عوامل فرهنگی

یکی از تصورات عام فرهنگی درباره خانواده، خصوصی بودن فضای

آن است، که در بسیاری جوامع رواج دارد. تقدس خانواده و نگهداری اطلاعات مربوط به آن در چهاردیواری خانه، اساس نظریهٔ پنهان‌کاری را تشکیل می‌دهد، که از علل استمرار خشونت علیه زنان است. عامل فرهنگی دیگر، پذیرش و مشروعیت اعمال خشونت به زن در خانواده در بسیاری جوامع است. قرن‌ها، زدن زنان و کودکان از عناصر ضروری و مطلوب نظام خانوادهٔ مردسالار به‌شمار می‌آمد. در مجموع، بافت فرهنگی و اجتماعی در بسیاری از جوامع، پیش‌داوری‌ها، عقاید و الگوهایی را رواج می‌دهد که انقیاد محض زن و در نهایت خشونت علیه زنان را توجیه می‌کند؛ اما در جوامع توسعه‌یافته یا در حال توسعه، برای تنبیه و ضرب و شتم زن به دست شوهر، در اوضاع و احوال خاصی، مجوزهای فرهنگی وجود دارد که در میراث فرهنگی تمدن‌های مختلف گذشته، یافت می‌شوند.

### ج) عوامل حقوقی

از نگاه حقوقی و جرم‌شناختی، عوامل و زمینه‌هایی در کارند که به پدیدآمدن یا دست‌کم استمرار خشونت دامن می‌زنند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، پذیرش قانونی خشونت خانگی و خصوصی انگاشتن نزاع‌های خانوادگی است و همچنین ابهام در تعریف حقوقی خشونت خانگی سبب پذیرش آن می‌شود.<sup>۱</sup> زمینهٔ قانونی دیگری که خشونت خانگی نسبت به زنان را استمرار می‌بخشد، نارسایی قوانین در اثبات جرم نسبت به زنان در محدودهٔ پنهان‌خانه است. به عبارتی، حتی در موقعیت‌هایی که هیچ ابهام قانونی دربارهٔ مصداق خشونت خانگی نسبت به زنان در کار نیست، آنان در دفاع از حق خود با مشکلات حقوقی پرشماری روبه‌رو هستند؛ مثلاً خشونت بدنی تا اثری مانند زخم شدن یا سیاه شدن نداشته باشد قابل اثبات نیست؛ زیرا شهودی بر آن وجود ندارد. خشونت لفظی مانند فریاد زدن، ناسزاگویی یا تهمت، اثر ظاهری قابل مشاهده‌ای ندارد. معمولاً این امور در دادگاه‌ها فقط با شهادت شهود یا اقرار مرد ثابت می‌شوند.

مشکل دیگر این است که حتی در صورت اثبات خشونت، ممکن است چند ماه طول بکشد تا منازعهٔ خانوادگی به دادگاه ارجاع داده شود. در بسیاری از موارد، زن با رضایت به زندگی خانوادگی بازمی‌گردد یا باید با اثبات عسر و حرج، تقاضای طلاق دهد که در این صورت نیز گاه باید از حقوق مالی خود بگذرد تا از خشونت‌های شوهر نجات یابد؛ یعنی هم باید متحمل آزارهای جسمانی شود و هم زیان‌های اقتصادی. علاوه بر مشکلات فوق، فقدان یک نظام آماری مناسب جهت ثبت اطلاعات و موارد قربانیان خشونت خانگی همسر علیه زن در قوه قضائیه از طریق پرسشنامه استاندارد، مانع از شناخت دقیق این پدیده و عوامل زمینه‌ساز آن شده است.<sup>۲</sup>

۲. ر.ک: احمدی و دیگران، «دیدگاه زنان و مردان تهرانی و صاحب‌نظران درباره خشونت خانگی علیه زنان در ایران: یک پژوهش کیفی»، ص ۶۷-۸۱.

۱. ر.ک: مرتوس، آموزش حقوق انسانی زنان و دختران، ص ۳۳۱.





درمان‌های کوتاه‌مدت نیز توجه داشت. اکنون راهکارهای مربوط به هر کدام از پیشگیری و درمان را جداگانه مطرح می‌کنیم.<sup>۱</sup>

### ۱) راهکارهای پیش‌گیرانه

در برنامه پیشگیری، مخاطب اصلی خانواده‌ها و افراد جامعه هستند. راهبرد این

۱. مباحث این بخش به‌طور عمده برگرفته شده است از کتاب: سالاری فر، خشونت خانگی علیه زنان، ص ۱۹۹-۲۱۲.

نسبت به همسر، عوامل گوناگون و پیچیده‌ای مؤثرند، بنابراین لازم است که برای پیشگیری از این‌گونه خشونت‌ها یا درمان آن‌ها از راه‌حل‌های اساسی و بلندمدتی استفاده کرد که همه جنبه‌های این آسیب اجتماعی را دربرگیرد. مسئله مهم دیگر در این فرآیند، استفاده از متخصصان و منابع بخش‌های دولتی و غیردولتی است. البته ناگفته نماند که در کنار شیوه‌های بلندمدت، باید به مسکن‌ها و

### راهکارها

برای پیشگیری از خشونت و مقابله با آن و نیز درمان این معضل، راهکارهای گوناگونی وجود دارد که در این جستار در دو بخش راهکارهای علمی و راهکارهای اسلامی به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### راهکارهای علمی

روشن است که در بروز پدیده خشونت

در این فرآیند، لازم است آگاهی عمومی در زمینه چگونگی، علل و آثار خشونت خانگی افزایش یابد تا وجدان عمومی جامعه نسبت به این موضوع حساس شود؛ همچنین باید راه‌های مقابله با خشونت نیز به شهروندان آموزش داده شود.

### ب) آموزش‌های مهارتی

آموزش همسران در زمینه‌های مهارت حل مسئله، شیوه‌های مذاکره، روش صحیح همسراری، روش مناسب نقد با حفظ احترام به یکدیگر و توجه به نیازهای هر دو طرف، از مهم‌ترین اقدامات پیش‌گیرانه است. در مجموع، اگر سطح فرهنگ زناشویی از آغاز یا اوایل ازدواج ارتقا یابد، مشکلات بعدی کم‌تر خواهد بود. موضوع خشونت‌های خانوادگی به منزله بخشی از مسائل در آموزش زندگی خانوادگی و روش‌های حل مسالمت‌آمیز اختلافات، باید کانون توجه قرار گیرد و این کار از تعارض پیشگیری می‌کند.

### ج) تقویت همدلی

خانواده‌ها می‌توانند با پرورش همدلی در کودکان خود، به پیشگیری از خشونت کمک کنند؛ به عبارت دیگر پرورش همدلی می‌تواند حالتی مخالف خشونت را در کودکی و بزرگسالی پدید آورد. همدلی، فرآیندی است که شخص، احساس دیگران را در موقعیت‌های گوناگون درک می‌کند و سپس قادر می‌شود به شیوه‌ای دلسوزانه به آن پاسخ دهد. همدلی نیازمند آن است که عواطف و احساسات خود



انسانی و اجتماعی آنان است. خشونت، گونه‌ای محروم‌سازی زن از حقوق انسانی اوست و باید به او تفهیم شود که عامل خشونت، مرتکب عملی خلاف شده است؛ این نکته از این جهت اهمیت دارد که در موارد بسیاری، قربانیان خود را مقصر و گناهکار می‌دانند نه طرف مقابل را. یکی از شیوه‌های ارتقای آگاهی افراد جامعه در این زمینه، توزیع بروشورها و نوشته‌های کوتاه درباره خشونت در مکان‌های عمومی مانند رستوران‌ها، بیمارستان‌ها، پارک‌ها و از این قبیل است. استفاده از روزنامه‌ها، تابلوهای بزرگ در خیابان‌ها، زبرنویس‌ها در برنامه‌های تلویزیونی و ساختن فیلم سینمایی؛ مستند و کلیپ در این زمینه از دیگر شیوه‌های تحقق این راهکار است.

برنامه‌ها این است که منابع، درک و مهارت مردم را افزایش دهند تا فعالیت‌ها، توان جمعی را برای ایجاد تغییرات اجتماعی درباره کاهش خشونت خانگی به کار گیرند. در این زمینه راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

### الف) افزایش آگاهی عمومی

اگر مردم ندانند خشونت خانگی در جامعه آن‌ها وجود دارد؛ اگر پیامدهای آن را نشناسند و ندانند در چه موقعیت‌هایی کمک لازم است، خود را درگیر این فعالیت نخواهند کرد؛ از این رو نمی‌توان نامقبول بودن خشونت را به آنان تفهیم کرد و چه بسا خشونت را امری طبیعی و حتی ضروری بدانند. در این مسیر، نخستین گام، آموزش به افراد در زمینه حقوق

را بشناسیم و بفهمیم که چگونه احساسات، برداشت فرد را از تجربه‌هایش نشان می‌دهند. در پرورش مهارت و تجربه‌های همدلانه، آغوش محبت‌آمیز خانواده نقش مهمی دارد. افرادی که در کودکی در کانون عشق و محبت بوده‌اند، در بزرگسالی به دیگران عشق می‌ورزند و برای آنان دلسوزی می‌کنند.

#### د) تغییر اوضاع جامعه

تغییر و اصلاح اوضاعی که به خشونت می‌انجامد یکی از راه‌های مهم پیشگیری از خشونت است. اوضاع اقتصادی نامناسب مانند بیکاری، فقر و درآمد کم، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، مشکلات روانی و فشارهای زیاد در زندگی شهری و مسائل فرهنگی مانند پایین بودن سطح تحصیلات، از زمینه‌های تأثیرگذار در خشونت خانگی است. اصلاح این وضعیت مستلزم تلاش نهادهای دولتی، خصوصی و همه مردم است. بدین منظور، توجه به نیاز مهم جامعه به ثبات، سلامت، رفاه و عدالت ضروری است. مسائل اقتصادی و اعتیاد از مهم‌ترین عوامل خشونت خانگی در ایران‌اند. تغییر این اوضاع به پیشگیری از خشونت خانگی کمک می‌کند. بی‌تردید بدون فراهم شدن زمینه مناسب اقتصادی، مانند اشتغال و درآمد کافی در خانواده، رفع خشونت دشوار است. ایجاد اشتغال، بیمه بیکاری و رفع زمینه‌های فقر از مسئولیت‌های مهم حکومت‌هاست. افزون بر این، اعطای کمک‌های ویژه به خانواده‌ها در موقعیت‌های دشوار اقتصادی، امری اساسی است؛ زیرا کاهش

دست‌مزدها و اعمال سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها، خانواده‌های پرشماری را دچار بحران اقتصادی می‌سازد. همه نهادهای دولتی و سازمان‌های غیردولتی باید راه‌های نویی را برای تأمین کمک‌های مؤثرتر به خانواده‌ها در پیش گیرند تا فقر شدید، بیکاری مزمن، تأمین هزینه، جهیزیه و هرگونه اعتیاد، به خشونت بیشتر در خانواده نیانجامد.

#### ه) ارائه خدمات اجتماعی

باید در همه محله‌های شهرها، به‌ویژه

**مطالعات نشان می‌دهد که آمار قابل توجهی از فعالیت‌های پلیسی به انجام وظایفی مربوط می‌شود که به کنترل پدیده مجرمانه ارتباطی ندارد؛ به‌عنوان نمونه، میانجی‌گری و واکنش به درخواست‌های فوری از جمله این مواردند. پاسخ‌گویی به برخی از درخواست‌های کمک در موارد خشونت خانگی نیز در این گروه از واکنش‌های پلیس قرار می‌گیرد. از آن‌جا که در جوامع امروزی، پلیس به یکی از ارکان کاهش خطر تبدیل شده است، می‌توان از پلیس انتظار داشت که با عملکرد صحیح خود، خطر وقوع خشونت خانگی نسبت به زنان را نیز تا حدودی کاهش دهد.**

مناطق کم‌درآمد، فعالیت‌هایی انجام شود تا خانواده‌های نیازمند به کمک مشخص شوند. همچنین لازم است احساس مسئولیت همسایگان در قبال هم تقویت شود. آنان می‌توانند در موضوعات بهداشتی و سلامت روانی، حمایت‌کنندگان غیررسمی خوبی برای هم باشند. برای اتصال خانواده‌ها به مراکز بهداشتی و خدماتی، لازم است اطلاعات خوبی از مراکز حمایت‌کننده و راهنمایی‌کننده دولتی و غیردولتی در اختیار آنان گذاشته شود. از طریق برنامه‌هایی، مؤسسات و موقعیت‌های در دسترس به مردم معرفی شود تا آنان به‌آسانی بتوانند از مراکز خدماتی استفاده کنند.

گسترش مراکز مشاوره و فراهم کردن امکاناتی برای مراجعه خانواده‌ها به این مراکز از جمله تأمین هزینه‌های اقتصادی آنان، می‌تواند به حل مشکلاتی از خانواده‌ها که زمینه بروز خشونت‌اند، کمک کند. هدایت و سازمان‌دهی خدمات اجتماعی از طریق سازمان‌دهی رهبران فکری و اجرایی در درون جامعه صورت می‌گیرد؛ این رهبران مردم را به فعالیت‌هایی جدید برای پیشگیری برمی‌انگیزند. آنان با سازمان‌دهی مناسب، لازم است به همه مراکز و اقشار جامعه مراجعه کرده، درباره مسائل رفاهی و سلامت با مردم صحبت کنند. رهبران باید گروه‌هایی را هدایت کنند که گفت‌وگو و روش‌های حل مشکل را در بین مردم ترویج کنند و به دنبال تغییر هنجارهای خشونت‌زا بروند. از این‌رو، رهبران و مراقبان اجتماعی، لازم است از خشونت خانگی



و مهارت‌های لازم برای رویارویی با آن، به حد کافی آگاه باشند. در چنین زمینه‌ای مردم می‌توانند به واریسی واقعیات زندگی خود و سپس تفکر نقدی و طرح‌ریزی برای انجام فعالیت پیش‌گیرانه بپردازند.

### و) توانمندسازی زنان

توانمندسازی زنان که به ارتقای موقعیت اجتماعی آنان می‌انجامد، یکی از راه‌های پیشگیری از خشونت خانگی شمرده شده است. توانمندسازی یک زن به این معناست که او برای انجام برخی کارها توانایی جمعی پیدا می‌کند و این امر به رفع تبعیض میان زنان و مردان می‌انجامد یا در رویارویی با تبعیض‌های جنسیتی در جامعه مؤثر می‌افتد. معیارهای توانمندسازی زنان از این قرارند: ۱. رفاه؛ ۲. دسترسی به منابع؛ ۳. آگاهی؛ ۴. مشارکت؛ ۵. کنترل.

رفاه به منزله نخستین مرحله، مسائل رفاه مادی زنان مانند تغذیه و درآمد خانوار را در مقایسه با مردان کانون توجه قرار می‌دهد. مثلاً همسر یک مرد معتاد، با به‌دست آوردن یک منبع مالی مستقل، به درجه‌ای از توانمندی می‌رسد که با تکیه بر رفاه مادی از همسر اصلاح‌ناپذیرش جدا می‌شود و زندگی مستقلی را آغاز می‌کند. در واقع بین درآمد ماهانه زنان، با خشونت در خانواده، رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هر چه درآمد زن بیشتر باشد، خشونت نسبت به او کم‌تر است. بدین ترتیب درآمد ماهانه یا استقلال مالی زن می‌تواند مانع

خشونت شوهر علیه وی شود.

دسترسی به منابع در مرحله دوم، کسب جایگاه‌های قدرت در جامعه را در نظر دارد. به اعتقاد برخی، کسب جایگاه‌های سیاسی، مانند پست‌هایی در شوراهای شهر، مجلس قانون‌گذاری، مناصب اجرایی و هیئت دولت، راهی برای دفاع از حقوق زنان در جایگاه‌های تصمیم‌گیری در هر جامعه است.

در مرحله سوم، آگاهی برای توانمندسازی زنان مطرح شده است. افزایش آگاهی زنان و گسترش پوشش تحصیلی آنان، به‌ویژه در مقاطع عمومی (ابتدایی و راهنمایی) و به‌خصوص در مناطق محروم، عاملی برای پیشگیری از خشونت خانگی با زنان خوانده شده است. همین‌طور آموزش در مقاطع بالاتر دانشگاهی، کانون توجه بسیار است. پژوهش‌ها نشان داده است که میانگین خشونت در زنان بی‌سواد از همه بیشتر و در میان افراد دارای سطح تحصیلات کارشناسی از همه کم‌تر است. برابری در مشارکت در مرحله چهارم به معنای شرکت دادن زنان در طرح‌هایی است که زنان به‌نوعی در آن ذی‌نفع هستند. به‌طور کلی، افزایش حضور زنان در جامعه، عامل بالقوه مشارکت و افزایش سطح تواناسازی زنان است. کنترل نیز در مرحله پنجم به معنای افزایش سهم زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و اجتماعی است که از این رهگذر کنترل آنان بر شرایط محیطی بیشتر می‌شود و همین امر عاملی بازدارنده در برابر خشونت نسبت به آنان است.

**خانواده‌ها می‌توانند با پرورش همدلی در کودکان خود، به پیشگیری از خشونت کمک کنند؛ به‌عبارت دیگر پرورش همدلی می‌تواند حالتی مخالف خشونت را در کودکی و بزرگسالی پدید آورد. همدلی، فرآیندی است که شخص، احساس دیگران را در موقعیت‌های گوناگون درک می‌کند و سپس قادر می‌شود به شیوه‌ای دلسوزانه به آن پاسخ دهد. همدلی نیازمند آن است که عواطف و احساسات خود را بشناسیم و بفهمیم که چگونه احساسات، برداشت فرد را از تجربه‌هایش نشان می‌دهند.**

### ۲) مواجهه با خشونت و و درمان آن

یکی از راه‌های درمان خشونت خانگی، ناظر به مردان خشونت‌ورز و درمان آنان است. تغییر در رفتار مردان، یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های پیشگیری و مهار خشونت خانگی است و شامل مواردی مانند درمان‌های شناختی و درمان‌های رفتاری، درمان‌های فردی و درمان‌های گروهی، مشاوره دادن به افراد ارجاعی از دادگاه و مشاوره دادن به مشارکت‌کنندگان داوطلب می‌شود.

در این بخش به معرفی راهکارهای گوناگونی در این زمینه می‌پردازیم:<sup>۱</sup>

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک به: سالاری فرد، خشونت خانگی علیه زنان، ص ۲۱۳-۲۱۴.

چهره‌ای و کلامی که پیش‌تر شاخص تهدید به خشونت بود، مقتضی صرف زمان از سوی مرد بدرفتار است. این وظیفه مستلزم آن است که مرد در مرحله نخست بیاموزد حالات عاطفی نشان‌دهنده ناکامی و خشم را به‌طور صحیح، معین کند و سپس باید از ابزارهای بدنی و بیرونی چنین افکار و احساساتی آگاهی یابد.

#### • استفاده از فن محروم کردن

مرد بدرفتار باید هر زمان که ضروری بود، فن خودکنترلی «محروم کردن» را به‌کار گیرد. در این روش، هر وقت خشم فرد به سطوح مهارناپذیر و غیرقابل مدیریت می‌خواهد برسد و یا رسیده است، از موقعیت تحریک‌کننده به‌جای دیگری می‌رود تا خشم‌اش فرونشیند.

#### (دو) آموزش‌های شناختی

در یک برنامه آموزش شناختی گروهی، فنون زیر به‌کار می‌رود: آموزش ساختارمند، تفکر جانبی، تفکر انتقادی، آموزش ارزش‌ها، آموزش شیوه اظهار خود، آموزش مهارت‌های مذاکره، راه‌حل شناختی مشکل میان‌فردی، آموزش چشم‌انداز اجتماعی، بازی نقش و الگوگیری.

#### (ب) کمک‌های مشاوره‌ای و روان‌شناختی

##### قربانیان

یکی از فرآیندهای مهم مقابله با خشونت و درمان آن، مواجهه مناسب با زنان قربانی خشونت خانگی و درک وضعیت آنان است؛ زیرا زنان



توقف خشونت خویش است و از او انتظار می‌رود که پس از این در هر موقعیت و زمان، از هرگونه خشونت بدنی بپرهیزد.

#### • فرونشانی علائم بدنی تهدیدکننده

برای مهار پرخاش‌گری آشکار بدنی، از مرد همسرآزار انتظار می‌رود که همه علائم و حالات بدنی تهدیدکننده را فروکش و سرکوب کند. برای این کار، به مردان سفارش می‌شود به اثر طولانی‌مدت خشونت بر خانواده توجه کنند و بفهمند که زمانی طولانی باید صرف کرد تا همسر و دیگر اعضای خانواده به گفته‌های جدید مردم مبنی بر مصالحه و توافق غیر خشونت‌آمیز اعتماد کنند. افزون بر این، بازشناسی و مهار بسیاری از علائم بدنی،

#### (الف) مواجهه رفتاری و شناختی

نخستین امیدها برای تغییر و درمان مردان همسرآزار را می‌توان در دو بخش تغییرات رفتاری و شناختی مطرح کرد:

#### (یک) تغییرهای رفتاری

تغییرهای رفتاری را می‌توان اهداف درمانی ساده‌تری دانست که در بیشتر روش‌های درمانی، مشترک‌اند. این تغییرات عبارت‌اند از:

#### • توقف سریع خشونت بدنی

همه درمان‌گران توافق دارند که خشونت بدنی باید به‌سرعت متوقف شود. به مرد بدرفتار باید فهماند که به‌طور قطع مسئول



در خشونت خانگی متحمل آسیب‌های روانی و جسمانی می‌شوند و کمک به بازسازی روانی و بهبود جسمانی آنان بسیار مهم است. شاید نخستین کمک، شناسایی زنانی باشد که قربانی خشونت می‌شوند و راهی برای دفع آن ندارند. از این‌روی، برنامه‌هایی برای غربال‌گری خشونت در درمانگاه‌ها و مراکز بحران و واکنش سریع، اجرا شده است. زنان، گاه سال‌ها منتظرند کسی از آنان درباره خشونت در زندگی زناشویی سؤال کند. مراقبان بهداشتی باید به زنان تأکید کنند که هیچ‌کس سزاوار کتک خوردن و خشونت دیدن نیست. به زنان باید کمک کرد تا درباره راه‌های حفاظت از خود بیندیشند؛ حتی در

موقعیتی که هیچ حمایت بیرونی‌ای در کار نیست، داشتن یک فرد هم‌دل مؤثر است؛ زیرا زن را از انزوا و سرزنش خود می‌رهاند.

همچنین لازم است درباره خطر‌ها و پیامدهای خشونت برای زن و فرزندانش، به زنان آموزش داده شود. نکته مهم در این مرحله آن است که بسیاری از زنان نمی‌خواهند یا نمی‌توانند از پلیس یا دیگر مراکز دولتی کمک بخواهند. در همین وضعیت اگر یک متخصص بهداشتی به‌آرامی و به‌طور خصوصی از آنان سؤال کند، ایشان به خشونت اذعان می‌کنند. پژوهش‌ها نشان داده است که سه تا چهار پرسش ساده از زنان، برای غربال‌گری خشونت بدنی کافی

است. البته پرسش‌ها نباید در موقعیت قضایی باشد. افزون بر این، پرسش‌گر باید به زنان اطمینان دهد که آزاردهنده، باخبر نخواهد شد تا آنان را آماج خشونت بیشتر قرار دهد.

### ج) مددکاری اجتماعی

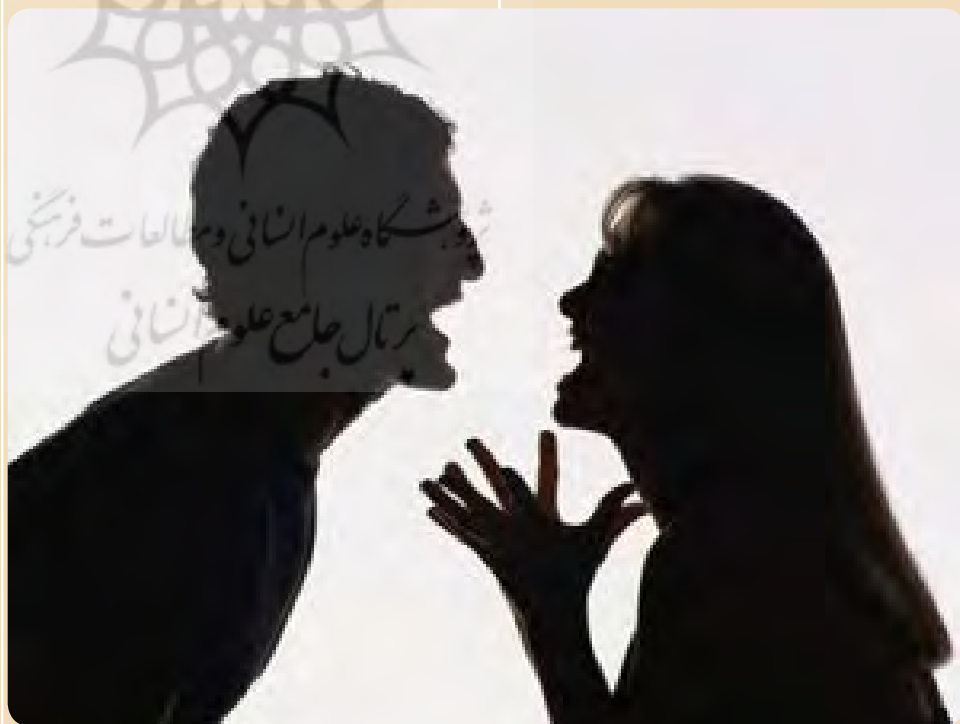
از مراحل مهم رویارویی با خشونت خانگی، مددکاری اجتماعی خانواده‌های دچار خشونت است. حمایت مادی و روانی زن خشونت‌دیده و کمک به اصلاح مرد خشونت‌ورز از طریق از بین بردن زمینه‌ها و عوامل خشونت، وظیفه همه مردم، به‌ویژه خویشاوندان، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است. در این بخش به اقداماتی می‌پردازیم که لازم است در حوزه مددکاری اجتماعی برای خانواده‌های دچار خشونت انجام شود.

### یک) کمک‌های اقتصادی: لازم است

تدبیری اندیشیده شود تا زن بدون پرداخت هزینه بتواند به پیگیری حقوق انسانی خود بپردازد و قربانیان خشونت خانگی، بدون پرداخت هرگونه هزینه و بدون مشکل، درمان شوند. بی‌تردید زن خشونت‌دیده در شرایطی که به‌دنبال بازگرفتن حقوق خویش است، از طرف شوهر تحت فشار اقتصادی قرار می‌گیرد. افزون بر کمک اولیه به زن، در وضعیتی که او نیازمند شغل است، مددکار می‌باید در کارهایی برای او بکوشد تا تنگناهای اقتصادی، مشکلات بیشتری را بر او تحمیل نکند.

### دو) آموزش حقوقی: وقتی زنی آماج

خشونت همسرش قرار می‌گیرد و معمولاً در حالت اضطرار و سختی به پیگیری حقوقی



روی می‌آورد، نیازمند آگاهی از مقررات حقوقی است. اگر بسته‌های آموزشی به زبان ساده در اختیار این زنان قرار گیرد، از سرگردانی رهایی می‌یابند و بهتر می‌توانند به استیفای حقوق خویش بپردازند. مواد آموزشی می‌تواند پاسخی به پرسش‌های زیر باشد:

حقوق زن در موقعیت‌هایی که مورد خشونت همسر قرار می‌گیرد، چیست؟ نیروهای انتظامی پس از اطلاع از مشکل زن چه وظایفی دارند؟

در مواقع ضروری و حد چگونه باید عمل کرد؟

استفاده از وکیل مدافع چگونه و در چه وضعیتی لازم است؟

پس از طرح شکایت برای تأمین امنیت خود چه باید کرد؟

وقایع دادگاه چیست و به چه نکاتی باید توجه کرد؟

اگر حکم دادگاه بر ضد مرد صادر شد، زن چگونه رفتار کند؟

مددکاری اجتماعی در کنار دادگاه‌های خانواده می‌تواند در مهار خشونت خانگی و ریشه‌یابی آن بسیار مؤثر باشد.

**سه) حمایت اقتصادی:** همان‌گونه که گذشت، مسائل اقتصادی از علل مهم بروز خشونت خانگی‌اند. همچنین پیگیری حقوقی زن در این زمینه، ممکن است بر مشکلات خانوادگی بیافزاید. در اینجا نه‌تنها لازم است حمایت‌های اقتصادی از کل خانواده صورت گیرد، بلکه باید کوشید با استمرار شغل برای مرد و حتی کارپایی برای او، منبع درآمد خانواده را تقویت کرد. مددکار

اجتماعی لازم است با ارائه مشاوره شغلی به مرد، او را در یافتن کار مناسب کمک کند.

**چهار) اسکان موقت قربانیان:** گاه اوضاعی پدید می‌آید که زن خشونت‌دیده، امنیت جانی ندارد. اگر مرد از پیگیری قضایی زن باخبر شود ممکن است او را تحت فشار بیشتر قرار دهد و حتی خشونت را تا کشتن او پیش ببرد. در این وضعیت، حفظ امنیت زن از هر چیز مهم‌تر است. جنبش خانه‌های امن، به‌منظور تأسیس پناهگاه‌ها و مکان‌های امن برای زنانی صورت گرفت که دچار خشونت شده بودند. نخستین پناهگاه برای زنان کتک‌خورده در آمریکا به سال ۱۹۷۴ دایر شد. اکنون در بیشتر شهرهای بزرگ و بسیاری از شهرهای کوچک، پناهگاه‌هایی وجود دارد، در این پناهگاه‌ها، به‌طور عمده، با کوشش‌های غیردولتی، برای زنان امکاناتی از قبیل اسکان موقت و فوری، حمایت عاطفی و اطلاعاتی در زمینه خدمات اجتماعی و حقوقی فراهم می‌آید. زنان اغلب این پناهگاه‌ها را بهترین یاری‌دهنده هنگام بدرفتاری می‌دانند.

#### د) مواجهه قضایی و امنیتی

امروزه قانون، ابزاری مهم برای پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان و مقابله با این پدیده در اغلب کشورهای دنیا تلقی می‌شود. قانون می‌تواند ابزاری تنبیهی تلقی شود که با اهرم‌هایی از قبیل جریمه نقدی، حبس و گونه‌های شدیدتر مجازات، در کاهش خشونت نسبت به زنان اثرگذار باشد یا اینکه اساساً درگیری خانوادگی جرم تلقی شود و

همانند سایر جرائم نیازمند برخورد باشد. در هر صورت، قانون کیفری، ضامن تأمین امنیت فوری قربانی و بازپروری مجرمان و در نتیجه کاهش تکرار جرم از سوی آنان است. برخی شواهد نیز نشان می‌دهند که بدون برخورد قانونی، خشونت و بدرفتاری با زنان افزایش می‌یابد. بررسی‌ها نشان می‌دهند ضاربانی که دستگیر و محکوم شده‌اند، در مقایسه با مردانی که هزینه‌های قانونی را متحمل نشده‌اند، بدرفتاری کم‌تری داشته‌اند.

#### یک) رفع مشکلات و خلاءهای قانونی

مفاهیم فرهنگی و حقوقی و مسؤلیت‌های زن و مرد در خانواده و جامعه، نیازمند بازخوانی و اصلاح است و باید تعریفی صحیح و جامع و مورد توافق از خشونت خانگی و مصادیق آن در زندگی امروز و روابط زوجین در خانواده ارائه شود و به افراد، خانواده‌ها، تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران اطلاع‌رسانی شود. به‌عنوان مثال، در تعیین حدود مسئله تمکین، در روابط زناشویی و جنسی زن و مرد، از جمله مواردی است که باید در قوانین کشور، تعریفی روشنی از آن بیان شود تا دستمایه خشونت خانگی و مصادیق آن نشود. از آنجا که خشونت خانگی ویژگی‌های خاص خود را دارد، قانون‌گذار باید با نگاه ویژه‌ای نسبت به خشونت خانگی واکنش نشان دهد و با توجه به پیامدهای منفی اجتماعی و خانوادگی آن، خلأهای قانونی را رفع و به شفاف‌سازی برخی قوانین آن و تقویت ضمانت اجرایی قوانین موجود، اقدام کند. نمونه‌هایی از

اگر مردم ندانند خشونت خانگی در جامعه آن‌ها وجود دارد؛ اگر پیامدهای آن را نشناسند و ندانند در چه موقعیت‌هایی کمک لازم است، خود را درگیر این فعالیت نخواهند کرد؛ از این‌رو نمی‌توان نامقبول بودن خشونت را به آنان تفهیم کرد و چه بسا خشونت را امری طبیعی و حتی ضروری بدانند. در این مسیر، نخستین گام، آموزش به افراد در زمینه حقوق انسانی و اجتماعی آنان است. خشونت، گونه‌ای محروم‌سازی زن از حقوق انسانی اوست و باید به او تفهیم شود که عامل خشونت، مرتکب عملی خلاف شده است؛ این نکته از این جهت اهمیت دارد که در موارد بسیاری، قربانیان خود را مقصر و گناهکار می‌دانند نه طرف مقابل را.

جسمی و روحی قربانیان خشونت ضروری است. مطالعات نشان می‌دهد که آمار قابل توجهی از فعالیت‌های پلیسی به انجام وظایفی مربوط می‌شود که به کنترل پدیده مجرمانه ارتباطی ندارد؛ به‌عنوان نمونه، میانجی‌گری و واکنش به درخواست‌های فوری از جمله این مواردند. پاسخ‌گویی به برخی از درخواست‌های کمک در موارد خشونت خانگی نیز در این گروه از واکنش‌های پلیسی قرار می‌گیرد. از آن‌جا که در جوامع امروزی، پلیس به یکی از ارکان کاهش خطر تبدیل شده است، می‌توان

مضروب قرار دارد. می‌گویند در غالب کشورها، نیروهای پلیس در برابر مردان بدرفتار به‌قدر کافی از زنان حمایت نمی‌کنند. آنان غالباً معتقدند در منازعات خانوادگی نباید مداخله کنند و می‌باید بیشتر نقش میانجی‌گری و آرامش بخشیدن به اوضاع را ایفا کنند. البته بخشی از مشکل به ابهام نقش پلیس بازمی‌گردد. بسیاری معتقدند برای پیشگیری از خشونت نسبت به زنان، بهترین وسیله، بازداشت فرد خاطی و حفظ سلامت و امنیت فوری قربانی از این طریق است. اساساً طبق تعریف، «پلیس، سازمانی است دولتی که مأموریتش حمایت از قانون اساسی، جلوگیری از تخطی، تأمین نظم عمومی و حفظ مال و جان اشخاص است».<sup>۲</sup> از منظر جامعه، پلیس سازمانی است برای حل مشکلات بشری، حراست و نگهداری از امنیت، برقراری نظم و مجازات متخلفان. دستگیری متخلفان و قانون شکنان، ارائه خدمات اجتماعی و امنیتی مانند برقراری نظم در رفت و آمد شهری و حضور به موقع در مواقع بروز خطر در سطح شهر نیز اجزای تعریف جرم‌شناسان از پلیس را تشکیل می‌دهد.

بنابراین توجه به محیط و تلاش در راه اصلاح آن در امر پیشگیری، مهم است و باید از وظایف پلیس به‌شمار رود و سعی شود با همکاری سایر سازمان‌های دولتی و غیر دولتی مؤثرترین نوع پیشگیری به‌کار رود. روشن است که گزینش صحیح، آموزش کافی، تخصصی کردن پلیس و به‌کارگیری واحدهای پلیس جهت کاهش آلام

۲. ر.ک: میرزایی، «خشونت علیه زنان و نقش پلیس در پیشگیری از بروز آن»، ص ۵۲-۵۷.

قوانین کشور که اصلاح آن‌ها نیازمند عزم سیاسی و ملی است عبارت‌اند از:  
- قوانین مربوط به سن ازدواج و عدم تطبیق سن بلوغ شرعی با رشد قانونی، اجازه پدر در ازدواج دختران.  
- قوانین مربوط به ازدواج موقت، ازدواج‌های تحمیلی، اجباری و مصلحتی، تعدد زوجات.  
- حق حضانت زن، حق طلاق و قانون ارجاع به داور، مصادیق عسر و حرج زن، درخواست طلاق، فسخ نکاح.  
- تعارض حق مالکیت و استقلال مالی زنان با مسئله ریاست مرد در خانواده و اجازه شوهر.  
با اصلاح قوانین خانواده در جهت رفع نابرابری زن و مرد در خانواده و جامعه، تعیین شروط ضمن عقد و ضمانت‌های اجرایی لازم برای آن و نیز معقول کردن مهریه، می‌توان تا حدودی از بروز خشونت خانگی علیه زنان پیشگیری کرد. برنامه‌ریزی و مقابله با این معضل اجتماعی و نیاز به داشتن آمار و اطلاعات دقیق و استفاده از نتایج پژوهش‌های علمی، ضرورت فراهم ساختن امکانات لازم برای ثبت موارد خشونت خانگی و ایجاد یک نظام آماری و اطلاعاتی مناسب و ثبت صحیح و رسمی آن از طریق پرسشنامه‌های استاندارد را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

### دو) نقش نیروی انتظامی

شاید پلیس تنها نهادی است که در همه مدت شبانه‌روز و طول هفته در دسترس زنان

۱. ر.ک: احمدی، پیشین.



خشونت، نقش آموزشی و در نهایت پیش‌گیرانه پلیس را تقویت می‌کند و تعامل سازنده میان نیروی انتظامی و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز به افزایش سهم تأثیرگذاری پلیس کمک می‌کند. در اینجا تشکل‌های مردمی می‌توانند به‌عنوان گروه‌های واسط هم به زنان قربانی و هم به پلیس کمک کنند.<sup>۱</sup>

۱. در بخش نقش پلیس در مواجهه با خشونت، علاوه بر سالاری، فر، خشونت خانگی علیه زنان، ص ۱۹۹-۲۱۲، ر.ک: میرزایی، پیشین، ص ۵۲-۵۷.

را بخشی از زندگی عادی خانوادگی یا مشکل خصوصی دیگران تلقی می‌کنند که مداخله پلیس نمی‌تواند به حل آن کمکی کند. ارائه آموزش‌های تخصصی نیز در خصوص روش‌های مناسب رسیدگی به درخواست‌های ویژه حوادث ضرب و شتم نیز ضروری است. همچنین مواردی از قبیل کارت «مداد زنان قربانی ضرب و شتم» می‌تواند به تسریع برخورد با چنین حوادثی کمک کند. همچنین ارائه آموزش مداخله عمومی «مداخله در بحران» به نیروهای پلیس به نحوه عمل مؤثری می‌انجامد. پیام پلیس مشاور به اعضای خانواده‌ها با تأکید بر پرهیز از

از پلیس انتظار داشت که با عملکرد صحیح خود، خطر وقوع خشونت خانگی نسبت به زنان را نیز تا حدودی کاهش دهد. یکی از اقدامات ابتکاری در این زمینه ایجاد قرارگاه پلیس ویژه زنان با وظیفه برخورد با مشکلات مربوط به خشونت خانوادگی است. ایجاد گروه‌های پلیس زنان نیز اقدامی مشابه است؛ زیرا بی‌تردید پلیس‌های زن بهتر مسائل زنان کتک‌خورده را درک می‌کنند. آموزش نیروهای پلیس و تغییر نگرش آنان دربارهٔ منازعات خانوادگی به برخورد بهتر با مشکل کمک می‌کند. گاه آنان خشونت خانوادگی

## خشونت خانگی علیه زنان از دیدگاه اسلامی: پیشگیری، مقابله

اسلام و اولیای بزرگ آن، به روابط انسانی میان افراد بسیار اهمیت می‌دهند. عدالت و احسان در روابط همهٔ افراد، توصیهٔ اساسی و مهم خداوند است. ظلم و آزار و تعدی نیز به شدت نهی گردیده و بر بازخواست شدید دنیوی و اخروی دربارهٔ آن تأکید شده است. در میان نهادهای اجتماعی، نهاد خانواده از دیدگاه اسلام بنای مقدس، بزرگ و مطلوبی نزد خداوند است. روابط اعضای خانواده، موضوع سفارش‌های اخلاقی و الزامی بسیاری در متون اسلامی است که توجه ویژهٔ این دین را به آن نشان می‌دهد. تعبیرهای عدالت و احسان و معروف، به منزلهٔ معیارهای اساسی در روابط اعضای خانواده، به‌ویژه زن و شوهر بیان شده است و از ظلم و تعدی، بد رفتاری و اجبار در این روابط نهی شده است. خشونت خانگی و هرگونه تعدی بی‌جهت به زنان و آزار آنان در خانواده در آیات قرآن کریم و کلمات اولیای دین (علیهم‌السلام) به‌روشنی نهی شده است. به‌عنوان نمونه خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد به شما اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید.» (نحل: ۹۰) و رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است: «هر مردی که به همسرش آسیب زند، خداوند به نهبان آتش دستور می‌دهد

که بر گونهٔ او هفتاد صدمه در آتش دوزخ وارد سازد.»<sup>۱</sup> به زودی به برخی دیگر از آن‌ها اشاره می‌کنیم.<sup>۲</sup>

### ۱) خشونت از نگاه اسلام

متون اسلامی پدیدهٔ خشونت در روابط اجتماعی را کانون توجه قرار داده و معمولاً آن را به شدت زشت شمرده و منع کرده‌اند. موضوع خشونت علیه زنان، به‌ویژه در خانواده، در متون اسلامی (قرآن و سخنان اولیاء دین)، بارها مورد توجه قرار گرفته است و به طرق گوناگون سعی شده از آن پیشگیری شود. در نگاهی کلی می‌توان گفت که دین اسلام در همهٔ روابط اجتماعی به شدت با خشونت مخالف بوده است و اساساً اسلام دینی است مبتنی بر اساس رحمت و رأفت.

### الف) خشونت کلامی

خشونت کلامی از نظر اسلام به‌هیچ‌وجه جایز نیست. در فهرست رفتارهای کلامی که از نظر اسلام گناه و ناپسند تلقی می‌شود، این موارد به چشم می‌خورد: بیان عیوب و نواقص شخص در غیاب او (غیبت)، نسبت دادن رفتار یا گفتار یا حالتی زشت و ناپسند به کسی که از آن زشتی به دور باشد (تهمت و بهتان)، اشکال گرفتن از گفتار دیگران برای آشکار کردن نقص آنان که نوعی برتری‌جویی

و عیب‌جویی از دیگران است (مراء)، گفت‌وگو و مبادله‌های پی‌درپی کلامی برای چیره شدن بر دیگری (جدال)، درگیری لفظی با دیگران (خصومت)، درخواست دور شدن فرد از رحمت خدا و آرزو و درخواست بدی از خداوند برای دیگران (لعن و نفرین در شرایطی که فرد استحقاق آن را ندارد)، ابراز شادی به سبب مشکلات و گرفتاری دیگران (شماتت و سرزنش)، گفتن کلمات ناسزا و بیهوده به دیگران (فحش که با بداء و سبب معنای نزدیک دارد)، استفاده از عیوب یا صفات دیگران برای خندانن مردم که نوعی تحقیر و اهانت به شمار می‌آید (استهزا)، بیان گفته‌های فردی در مورد دیگری به وی که برای برهم زدن رابطهٔ دو نفر انجام می‌شود (سخن‌چینی)، ارتکاب این رفتارها از نظر اسلام حرام است و این امر شامل همهٔ رابطه‌های اجتماعی از جمله روابط درون خانواده می‌شود.

داد کشیدن نوعی خشونت کلامی است که از نظر اسلام ناپسند است. قرآن برای بازداشتن افراد از این عمل فرموده است: «آواز خویش را فرود آر که زشت‌ترین بانگ‌ها بانگ خران است.» (لقمان: ۱۹) این سفارش، در خانواده اهمیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا روابط کلامی اعضای خانواده به‌ویژه زن و شوهر از نظر کمی و کیفی بیش از رابطه‌های کلامی آنان با دیگران است.

از دیگر آزارهای کلامی، تحقیر افراد است. متون اسلامی این رفتار را به شدت نهی

۱. ر. ک: نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰، ح ۴.

۲. برای آگاهی بیشتر ر. ک: سالاری، فر، خشونت خانگی علیه زنان، ص ۲۴۳-۳۰۷.



کرده‌اند. در کلمات معصومان آمده است که خداوند از چنین فردی خوشمگین است و وی را تحقیر خواهد کرد.<sup>۱</sup> در مجموع آموزه‌های اسلام بر ملایمت کلامی بسیار تأکید می‌ورزند؛ به عبارت دیگر، هم محتوای گفتار باید زیبا و نیکو باشد و هم نحوه و آهنگ آن و این امر یکی از جنبه‌های مهم حسن خلق در نظر گرفته شده است.<sup>۲</sup>

### ب) خشونت غیر کلامی

یکی دیگر از انواع خشونت روانی، خشونت در روابط غیر کلامی مانند حالات چهره‌حاکمی از خشم، بی‌اعتنایی، تنفر و تمسخر، حالت بدنی هجوم برنده یا مسلط، تماس چشمی غضبناک، تندخویی، ترساندن، قهر کردن و امثال این موارد است. در متون اسلامی برخی از این موارد تحت عنوان بدخلقی (سوء خلق)، مورد توجه قرار گرفته است. آموزه‌های اسلام بر حسن خلق تأکید می‌ورزند. از جمله رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت در میزان عمل فرد، چیزی بالاتر از حسن خلق نیست.»<sup>۳</sup>

اسلام حسن خلق را در روابط اجتماعی لازم می‌شمارد و در مقابل، سوء خلق را موجب تنزل درجه اجتماعی و ایمان فرد می‌داند تا حدی که وجود آن در فرد، وی را فاقد شرایط لازم یک همسر مناسب می‌سازد. ترساندن

۱. ر.ک: کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۲، ح ۴.  
۲. ر.ک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ابواب حسن خلق.  
۳. ر.ک: مجلسی، پیشین، ج ۷، ص ۲۴۹.

افراد با حالات چهره یا چشم یا وضعیت بدنی در هیچ صورت تأیید نشده است. بر این اساس درباره کسی که به مؤمنی نگاهی ترس‌آور کند در کلمات معصومان (علیه السلام) آمده است: «کسی که نگاه ترس‌آوری به مؤمنی کند، خداوند او را در روزی که سایه و پناهی جز او نیست خواهد ترساند.»<sup>۴</sup>

### ج) خشونت فیزیکی

خشونت بدنی در روابط اجتماعی از دیدگاه اسلام پذیرفته نیست؛ مگر در مقام دفاع از خود.<sup>۵</sup> یکی از شرایط مسلمانی، آزار نرساندن به دیگران است. در بسیاری از سخنان اولیای دین این عبارت تکرار شده است که مسلمان کسی است که مردم از آزار زبانی و بدنی او ایمن باشند.<sup>۶</sup> هرگونه ستم به دیگران از جمله آزار بدنی در اسلام حرام است.<sup>۷</sup>

### د) شیوه‌های مجاز برای تنبیه همسر

قهر کردن، گونه‌ای خشونت روانی است که در متون اسلامی با واژه «هجر» به آن اشاره می‌شود. قطع رابطه کلامی و غیر کلامی دو نفر از دیدگاه اسلام پذیرفته نیست؛ هرچند برای بازداشتن دیگران از زشتی و گناه، روی گرداندن و قطع روابط کلامی لازم است؛ البته در حدی که فرد را از گناه بازدارد، نه بیشتر.<sup>۸</sup>

۴. ر.ک: همان، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۱.  
۵. ر.ک: همان، ج ۱۰۳، ص ۲۴۴.  
۶. ر.ک: همان، ج ۳۲، ص ۴۰.  
۷. ر.ک: همان، ج ۷۱، ص ۲۵۹.  
۸. ر.ک: نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۷، ص ۶۸۵.

**متون اسلامی پدیده خشونت در روابط اجتماعی را کانون توجه قرار داده و معمولاً آن را به شدت زشت شمرده و منع کرده‌اند. موضوع خشونت علیه زنان، به‌ویژه در خانواده، در متون اسلامی (قرآن و سخنان اولیاء دین)، بارها مورد توجه قرار گرفته است و به طرق گوناگون سعی شده از آن پیشگیری شود. در نگاهی کلی می‌توان گفت که دین اسلام در همه روابط اجتماعی به شدت با خشونت مخالف بوده است و اساساً اسلام دینی است مبتنی بر اساس رحمت و رأفت.**

حداکثر قطع رابطه دو نفر، سه روز اعلام شده و بیش از آن به حدی نکوهش شده است که گویا هر دو فرد خارج از آیین اسلام‌اند.<sup>۹</sup>

قطع ارتباط کلامی و غیر کلامی در روابط زن و شوهر در شرایط خاصی برای حل اختلافات مجاز شمرده شده است. در آیه ۳۴ سوره نساء آمده است: «زنانی را که از سرکشی و مخالفت‌شان بیم دارید (نخست) پندشان دهید و (سپس) در بسترهای خواب از ایشان دوری کنید و اگر تأثیر نکرد آنان را بزنید. پس اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنان نجوید که خدا والای

۹. ر.ک: کلینی، پیشین، باب مجلسه اهل المعاصی، ج ۴، ص ۳۴۶، ح ۵.



بزرگ است.» (نساء: ۳۴) این آیه به ارائه راه‌حل‌هایی برای یکی از مشکلات خانوادگی یعنی «نشوز زن» می‌پردازد. نشوز زن عبارت است از ترک وظایف لازم در قبال همسر که شامل مواردی از این قبیل می‌شود: خودداری از برآوردن نیازهای عاطفی و جنسی مرد، آماده نکردن زمینه مناسب برای روابط

عاطفی و جنسی مرد، آماده نکردن زمینه مناسب برای روابط عاطفی لذت‌بخش مانند رها کردن آرایش، خروج از منزل بدون اجازه همسر، تغییر در گفتار و رفتار، مانند واکنش تند و خشونت‌آمیز، چهره در هم کشیدن و بدزبانی. به سخن دیگر، ناسازگاری با مرد در امور زندگی از نشانه‌های نشوز زن

است.<sup>۱</sup> البته صرف خودداری از اداره خانه و فعالیت‌های آن نشوز به‌شمار نمی‌آید.<sup>۲</sup> قرآن کریم در این موقعیت، برای حل مشکل و جهت دادن زن به‌سوی زندگی

۱. ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ص ۶۹.

۲. ر.ک: اصفهانی، وسیله النجاة، ص ۷۵۵؛ نجفی، پیشین، ج ۳۱، ص ۲۰۱.

متداول خانوادگی و ایفای وظایف همسری، شیوه‌های سه مرحله‌ای ارائه کرده است: ۱. نصیحت زن؛ ۲. دوری از او در بستر و ۳. باز تنبیه. روشن است که در بیشتر موارد، اگر مرد با صمیمیت و صداقت رفتار کند و در پی مدارا با همسرش باشد، چنین مشکلی از جانب زن رخ نمی‌دهد. اگر با وجود چنین وضعیتی که مرد در بیشتر جنبه‌های زندگی سعی در خشنود ساختن همسر داشته باشد، باز زن به نشوز روی آورد، این شیوه می‌تواند در بیشتر موارد مشکل را برطرف سازد.

البته از این راه‌حل، برداشت‌های نامناسبی در میان خانواده‌های مسلمان دیده می‌شود که تبیین این شیوه، نادرستی آن برداشت‌ها را روشن خواهد کرد. پیش از بررسی مراحل سه‌گانه این شیوه، به لزوم ترتیب‌بندی بین این مراحل می‌پردازیم.

دانشمندان مسلمان، دیدگاه‌های مختلفی درباره چگونگی به‌کارگیری این سه مرحله دارند. با وجود این، بر اساس کلمات اهل‌بیت و تفاسیر قرآن، بیشتر صاحب‌نظران علوم اسلامی، لزوم رعایت ترتیب در این امور را مناسب‌ترین دیدگاه می‌دانند و آن را بر اساس لزوم ترتیب در مراتب نهی از منکر تبیین می‌کنند.<sup>۱</sup> اینک، به بررسی این سه مرحله می‌پردازیم:

### یک) نصیحت: این مرحله با تعبیر

۱. ر.ک: نجفی، پیشین، ج ۳۱، ص ۲۰۲-۲۰۳ و سبحانی، نظام‌النکاح، ج ۲، ص ۳۰۱.

«عظوهن» در قرآن آمده است. در این مقام، مرد از راه ارتباط کلامی که شامل نصیحت‌های دلسوزانه و راهنمایی مشفقانه است، از زن می‌خواهد که به وظایف خود عمل کند. نصیحت با کلام محبت‌آمیز همراه با هدیه یا هر کار تشویق‌کننده، بسیار مؤثر است؛ چون زنان به روابط کلامی حساس‌ترند و بیشتر مایل‌اند مسائل خود را از طریق روابط کلامی مطرح کنند. استفاده از روابط کلامی در روشن شدن مسائل و حل اختلافات، بی‌تردید بیشتر تأثیر دارد؛ زیرا هر فرد می‌فهمد که طرف مقابل چه توقعاتی از او دارد. برای حل مشکلات، مرد می‌تواند با زبانی شیرین و لحنی دل‌نشین به بیان تأثیرات نامطلوب نشوز بر زندگی دنیوی و سعادت اخروی زن بپردازد. موعظه‌کننده باید ثابت کند که دلسوز، امین و خیرخواه است و تسلیم‌هوای نفس و اغراض و مقاصد شیطانی نیست.<sup>۲</sup>

### دو) دوری کردن در بستر: در صورت

سودمند نبودن این روش، قرآن به مرحله دوم که دوری از زن در بستر است، اشاره می‌کند. پشت کردن در بستر، ترک روابط جنسی و قطع روابط کلامی و معاشرت، از شیوه‌هایی است که از آن در این مرحله استفاده می‌شود. بر اساس ظاهر قرآن، اشتراک بستر خواب باید ادامه یابد، ولی مرد می‌باید در بستر با او قهر کند؛ مثلاً در بستر به او پشت کند و

۲. ر.ک: بهشتی، خانواده در قرآن، ص ۸۹.

به‌گونه‌ای ناخشنودی خود را به او بفهماند.<sup>۳</sup> **سه) تنبیه بدنی:** خشونت بدنی با همسر نیز از نظر اسلام در هیچ وضعیتی پذیرفته نیست. البته در شرایط نشوز زن و زمانی که دو مرحله نصیحت و دوری در بستر مؤثر نیافتد، قرآن روش تنبیه را برای حل این مشکل سفارش می‌کند. برای روشن شدن دیدگاه اسلام در این باره، باید به مسائل اساسی زیر پاسخ دهیم:

۱. در چه موقعیتی می‌توان از تنبیه یادشده استفاده کرد؟
۲. ماهیت این تنبیه چیست؟
۳. شدت و کیفیت آن چگونه است؟
۴. چه تبیین‌هایی برای تجویز این شیوه می‌توان ارائه کرد؟
۵. شرایط اجتماعی عصر کنونی، مقتضی چه ملاحظاتی درباره این شیوه است؟
۶. آیا این تنبیه بدنی را می‌توان خشونت به‌شمار آورد؟

در پاسخ به پرسش اول باید گفت، بر اساس آیه قرآن، این روش تنها پس از نصیحت کردن زن و دوری از بستر قابل اجرا است. به نظر می‌رسد در صورتی که مرد در رویارویی با مشکل رفتاری همسر از شیوه اول استفاده کند، مشکل حل خواهد شد و درصد بسیار کمی از زنان به این شیوه‌ها پاسخ نداده و کار را به مرحله سوم می‌کشاند. در هر صورت،

۳. ر.ک: طبرسی، پیشین، ج ۴، ص ۹۵.

**اسلام حُسن خلق را در روابط اجتماعی لازم می‌شمارد و در مقابل، سوء خلق را موجب تنزل درجه اجتماعی و ایمان فرد می‌داند تا حدی که وجود آن در فرد، وی را فاقد شرایط لازم یک همسر مناسب می‌سازد. ترساندن افراد با حالات چهره یا چشم یا وضعیت بدنی در هیچ صورت تأیید نشده است. بر این اساس درباره کسی که به مؤمنی نگاهی ترس‌آور کند در کلمات معصومان آمده است: «کسی که نگاه ترس‌آوری به مؤمنی کند، خداوند او را در روزی که سایه و پناهی جز او نیست خواهد ترساند.»**

دارند که گاه بیش از گفتار و هر شیوه عملی‌ای مؤثر می‌افتد.<sup>۸</sup> سوم اینکه دادن چنین حقی به زنان در کنار مردان، به تشدید اختلافها و تنازعها در خانواده خواهد انجامید و محیط خانواده را به میدان درگیری بدل می‌سازد که جز افراد و نهادهای بیرون از خانواده قادر به رفع مشکل آن نخواهند بود.

در پاسخ به پرسش پنجم باید گفت به طور کلی کاربست این شیوه الزامی نیست، بلکه این روش راه‌حلی است که خداوند به منزله ارشاد و رهنمود پیشنهاد داده است.

۸. علامه طباطبایی تعبیر «کید» (یوسف: ۲۸) را به شیوه‌های عاطفی و رفتاری بسیار قوی زنان برای جذب مردان و نفوذ عمیق در آنان تفسیر کرده است، ر.ک: طباطبایی، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۲۵.

است و مرد در صورت هرگونه آسیب روانی و بدنی شدید به زن، نه تنها مرتکب حرام شده، بلکه باید به او دیه بپردازد<sup>۵</sup>

رسول اکرم ﷺ فرموده است: «هر مردی که به همسرش آسیب زند، خداوند به نگهبان آتش دستور می‌دهد که بر گونه او هفتاد صدمه در آتش دوزخ وارد سازد.»<sup>۶</sup>

در پاسخ به پرسش چهارم که به چرایی این تنبیه بازمی‌گردد، دانشمندان مسلمان نظراتی دارند. مهم‌ترین تبیین آن است که این تنبیه ضربه عاطفی محکمی است که مانند شوکی زن را از مشکل خانوادگی آگاه می‌کند. در غیر این صورت ممکن است زن با بی‌توجهی، به ناسازگاری ادامه دهد و خانواده را به فروپاشی کشاند.

در این باره نیز که چرا شیوه مزبور را فقط مرد می‌تواند به کار گیرد دلیل‌هایی بیان شده است. مهم‌ترین نکته، لزوم اقتدار مثبت مرد در خانواده است. تجویز به‌کارگیری این شیوه برای مرد، اقتداری را برای او در خانواده تثبیت می‌کند که می‌تواند به بسیاری از اختلافها پایان دهد. از سوی دیگر، تجویز این شیوه برای زن به عللی مناسب نیست: نخست اینکه غالب زنان، توانایی اعمال این شیوه را ندارند.<sup>۷</sup> دوم اینکه زنان شیوه‌های عاطفی قوی‌تری برای اصلاح رفتار مردان و جلب آنان به سوی خود

۵. ر.ک: نجفی، پیشین، ج ۳، ص ۲۰۶.

۶. ر.ک: نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰، ح ۴.

۷. ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۴.

مرد حق ندارد پیش از کار بست دو شیوه اول، از تنبیه بدنی استفاده کند. افزون بر آن، این شیوه تنها در مورد عدم همراهی زن در وظایف همسری، سفارش شده است و در هیچ مشکل خانوادگی دیگری نمی‌توان آن را به کار برد. شرط دیگر استفاده از این روش، ناکارآمدی راه‌های مسالمت‌آمیز دیگر و احتمال اثرگذاری آن است.

در پاسخ به پرسش دوم باید گفت که همه صاحب‌نظران مسلمان، تنبیه زن را در حدی جایز می‌دانند که هیچ‌گونه آسیبی مانند جراحت، سیاهی، کبودی و حتی قرمزی به بدن او وارد نشود.<sup>۱</sup> بر این اساس، این تنبیه، بدنی و درعین حال خفیف و بازدارنده و در واقع تنبیه و یادآوری است نه کتک‌زدن و آزار رسانی.

در پاسخ به پرسش سوم باید گفت لازم است این تنبیه سبک و خفیف باشد و مرد نباید به قصد تشقی و انتقام‌گیری بدان روی آورد.<sup>۲</sup> قصد اصلاح رفتار زن، از شرطهای اساسی این شیوه شمرده شده است.<sup>۳</sup> حد دیگری که برای تنبیه در قرآن بیان شده، بازگشت زن به روش معمول خویش و انجام وظایف همسری است. در این صورت، حتی همین تنبیه خفیف، ستم و تعدی به زن به شمار می‌آید.<sup>۴</sup> بنابراین هرگونه تنبیهی فراتر از این قیود از لحاظ دینی بسیار نامناسب

۱. ر.ک: نجفی، پیشین، ج ۳۱، ص ۲۰۶.

۲. ر.ک: همان، ج ۳۱، ص ۲۰۷.

۳. ر.ک: همان.

۴. فَإِنْ أَطَعْتُمْ فَلَا تَجْعُوا عَلَيْهِمْ سِيلاً، نساء، ۳۴.

در پاسخ به پرسش ششم می‌توان گفت که این نوع تنبیه با توجه به شرایط و محدودیت‌هایی که برای آن تعیین شده، خشونت به‌شمار نمی‌آید. در مرتبه اول این تنبیه حالت انتقام‌جویی، شدت و حمله ندارد و در غیر این صورت از نظر شرع اسلام تجویز نشده و حرام است. نکته دوم لزوم نبود قصد آسیب‌رسانی جسمانی و روانی شدید در این تنبیه است، بلکه اگر قصد تشقی و انتقام در کار باشد، اقدام به آن جایز نیست. همین قصد اصلاح، این تنبیه را لزوماً از حالت تعرض، تندی و حمله در می‌آورد. نکته سوم، عدم تحقق آزار و آسیب جسمانی شدید است؛ زیرا همان‌گونه که پیش‌تر گذشت، این تنبیه باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که آسیب جسمانی و روانی شدید به زن وارد نشود؛ هر چند مقتضای این تنبیه وارد آمدن آسیب جزئی بدنی و روانی به زن است که البته برای پیشگیری از تشدید اختلاف‌ها و کشانده شدن آنان به افراد دیگر و مراجع قانونی، این مقدار ضربه روانی می‌تواند مؤثر باشد. در مجموع، تنبیه سفارش شده در قرآن، شرایط و قیودی دارد که آن را از دایره خشونت خارج می‌سازد.

## ۲) پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان

زمینه‌ها و علل گوناگونی به بروز خشونت در خانواده می‌انجامد. برخی از این زمینه‌ها به دوران کودکی فرد خشونت‌ورز بازمی‌گردد.

همچنین است تجربه‌های دیگر فرد در خانواده، دوره نوجوانی و جوانی و نیز رابطه‌های اجتماعی او، رسانه‌ها و عوامل پرشمار دیگر که مربوط به دوره‌های پیش از ازدواج است. فرآیند انتخاب همسر و مراحل آغازین ازدواج نیز بخشی از علل را در بر می‌گیرد. پیشگیری، شامل همه فرآیندهایی است که تا پیش از بروز رفتار خشونت‌آمیز می‌توانند از بروز آن جلوگیری کنند. وقتی زمینه‌ها و علل مشرف به این رفتار پدید آمد، باید از راه‌های مقابله با آن بهره جست. اسلام برای همه مراحل فوق توصیه‌هایی دارد که بسیاری از زمینه‌های بروز خشونت را برطرف می‌کند. جهت‌گیری مهم این توصیه‌ها، علاج واقعه پیش از بروز آن است. در این بخش با مروری بر این توصیه‌ها، به نقش مستقیم و پیش‌گیرانه آن‌ها در جلوگیری از خشونت خانگی می‌پردازیم.

### الف) ترویج همسرگزینی مناسب

آگاهی لازم افراد در آستانه ازدواج، به‌ویژه دختران، از روش درست انتخاب همسر و ویژگی‌های همسر مناسب و دقت در این باره، زمینه بسیاری از موارد خشونت خانگی را از بین می‌برد. از دید اسلام، رعایت چند اصل مهم در انتخاب همسر، می‌تواند زندگی آرام و دور از تنش را برای زن و شوهر فراهم سازد.

### یک) برخورداری زن و شوهر از ایمان

و دین‌داری. هیچ مهار کننده درونی و بیرونی‌ای مانند ایمان به خدا، تقوا و

دین‌داری نمی‌تواند از رفتارهای ناپه‌نجاهار پیشگیری کند. امام حسن علیه السلام فرموده‌اند: «دخترت را به ازدواج مردی در آور که از خدا پروا دارد؛ زیرا اگر او را دوست داشت، اکرامش می‌کند و اگر از او بدش آمد، بر وی ستم نمی‌کند.»<sup>۱</sup>

عمل به این آموزه ارزشمند، از ستم به زن در خانواده که خشونت از موارد برجسته آن است از طریق ازدواج با فرد پرهیزکار پیشگیری می‌کند.

### دو) توجه به ملاک حسن خلق در فرد مورد نظر برای ازدواج، به‌ویژه مرد.

حسن خلق به ملایمت در برخوردها، رابطه کلامی مناسب و حالات چهره خوش‌آیند تعریف شده است. در کلمات اولیاء دین علیهم السلام ازدواج با افراد بدخلق، به‌صراحت، نهی شده است.<sup>۲</sup> بدخلقی نموده‌های گوناگونی دارد که خشونت کلامی، روانی و بدنی از موارد آن است. بدین سبب، آموزه‌های اسلامی توصیه می‌کنند که برای پیشگیری از خشونت و آزار خانگی در انتخاب همسر مناسب و دارای حسن اخلاق و سازگاری، بسیار دقت شود.

### سه) توجه به همسانی زن و شوهر

یا کفو بودن آنان.<sup>۳</sup> همسانی در جنبه‌های مختلف روانی مانند هوش، مسائل شخصیتی و ابعاد فرهنگی-اجتماعی، موجب درک و تفاهم بیشتر زن و مرد می‌شود و زمینه‌های اختلاف

۱. ر.ک: طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۰۴.

۲. ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۴.

۳. ر.ک: همان، ص ۲۹.



و بروز خشونت خانگی را از بین می‌برد. در کنار این اصول، بر مواردی مانند دوری از شرب خمر تأکید شده است. ادله شرعی، بر حرمت شرب خمر، مانند حرمت استفاده از بسیاری از مواد مخدر، تأکید کرده‌اند. امام رضا علیه السلام فرموده است: «با شراب‌خوار ازدواج نشود. هر کس چنین کرد گویا دخترش را به‌سوی زنا سوق داده است.»<sup>۱</sup>

مصرف بسیاری از مواد مخدر و اعتیاد به آن‌ها، به فرد، خانواده و جامعه زیان‌هایی جبران‌ناپذیر وارد می‌کند. بر اساس ادله شرعی حرمت ضرر نیز می‌توان حرمت مصرف و اعتیاد به چنین موادی را ثابت کرد. عده‌ای از فقهای دو قرن اخیر نیز مصرف مواد مخدر و اعتیاد به آن را حرام دانسته‌اند.<sup>۲</sup> از علل مهم خشونت خانگی در ایران اعتیاد به مواد مخدر و در کشورهای غربی نوشیدن الکل است. توصیه اسلام این است که برای پیشگیری از خشونت از ابتدا با چنین افرادی ازدواج صورت نگیرد.

### ب) آموزش دینی و اخلاقی

آموزه‌های اعتقادی اسلام مانند ایمان به خدا، پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای دین علیهم السلام و باور به زندگی پس از مرگ، نقش مهمی در برقراری روابط مطلوب و رضایت‌بخش در خانواده دارد. هرچه اعتقادات دینی فرد استحکام و عمق بیشتری یابد، قدرت مهار او

۱. ر.ک: مجلسی، پیشین، ج ۷۹، ص ۱۴۲.  
۲. ر.ک: داوری، پیشگیری و کنترل اعتیاد، ص ۱۳۸ - ۱۶۲.

بر رفتارهای ناپه‌نجان از جمله خشونت بیشتر خواهد شد. پای‌بندی به باورهای دینی، زندگی آرام‌تر و کم‌تنش‌تری را برای افراد در پی دارد. افزون بر این، باورهای دینی، مانند رضایت به مقدرات الهی و توکل بر خدا، از منجر شدن زمینه‌های بد اقتصادی به خشونت در خانواده پیشگیری می‌کند. علاقه به اولیای دین علیهم السلام و الگوگیری از آنان در مسائل زندگی، خانواده را به فضای دوستی و صمیمیت نزدیک می‌کند.<sup>۳</sup> باور به معاد نیز آثار بسیاری در زندگی خانوادگی دارد که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد؛ مثلاً مرد یا زنی که بداند عامل مهم فشار قبر، ناسازگاری در خانواده است،<sup>۴</sup> برای سازگاری بیشتر در خانواده خواهد کوشید و همین امر از بروز خشونت در خانه پیشگیری خواهد کرد. فضایل اخلاقی‌ای مانند صداقت، قناعت، صبر و ایثار نقش مؤثری در روابط مطلوب اعضای خانواده و پیشگیری از خشونت دارند. در متون اخلاق اسلامی حالاتی مانند تکبر و خودبرتربینی، بخل و دنیا دوستی، از عوامل مهم خشونت دانسته شده‌اند.<sup>۵</sup> ترویج تواضع در روابط خانوادگی روحیه فرد را به همدلی و درک دیگران نزدیک می‌کند. در مرتبه نخست، متون اسلامی بر رعایت تواضع زن در برابر شوهر بسیار تأکید کرده‌اند و بهترین زنان

۳. ر.ک: سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۸۴ - ۱۹۴.  
۴. ر.ک: حر عاملی، پیشین، ج ۲۱، ص ۳۴۵.  
۵. ر.ک: نراقی، مهدی، علم اخلاق اسلامی (جامع السعادات)، ج ۱، ص ۳۵۵.

را متواضعان در برابر شوهر اعلام کرده‌اند.<sup>۶</sup> درباره مردان نیز تواضع در همه روابط اجتماعی، از جمله خانواده، سفارش شده است.<sup>۷</sup> اقتدار و سرپرستی مرد در خانواده، با منش تکبر و خودخواهی تفاوت دارد. برای نمونه، عمل کردن بر اساس ذوق و سلیقه اعضای خانواده که به مردان سفارش شده است،<sup>۸</sup> با روحیه تواضع، امکان‌پذیر است نه تکبر و خودخواهی. در مجموع، پرورش حالت تواضع در زن و شوهر، خودمحوری و خودخواهی را در آن‌ها کاهش می‌دهد و زمینه بروز اختلاف و خشونت را از میان می‌برد.

سخت‌و گشاده‌دستی از ویژگی‌های اخلاقی مهم برای برقراری روابط مطلوب و رضایت‌بخش در خانواده است. وجود این صفت در شوهر بسیار تأکید شده و بدترین مردان، بخل‌ورزان خوانده شده‌اند.<sup>۹</sup> سخت‌و مرد سبب می‌شود، او در حد توان و با روحیه باز به نیازهای اقتصادی خانواده پاسخ دهد. در برابر، بخل، خانواده را در شرایط دشواری قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که گاه اعضای خانواده آرزوی مرگ پدر خانواده را در دل می‌پرورند.<sup>۱۰</sup> همین امر، زمینه ناسازگاری و سرانجام بروز خشونت را در خانواده فراهم می‌سازد. متون اسلامی بخل را در بردارنده

۶. ر.ک: حر عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۲۹.  
۷. ر.ک: کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۲۱، باب التواضع.  
۸. ر.ک: همان، ج ۴، ص ۱۲.  
۹. ر.ک: حر عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۴.  
۱۰. ر.ک: همان، ج ۱۵، ص ۲۴۹.



دیدگاه اسلام می‌پردازیم که می‌تواند در تأمین هدف فوق کارگشا باشد.

### **یک) توجه به تفاوت‌های روانی زن و مرد**

با ازدواج، عمیق‌ترین و از لحاظ کمی، گسترده‌ترین و طولانی‌ترین روابط بین دو فرد از جنس مخالف آغاز می‌شود. سازگاری زن و

بسیاری از موارد، پیامد ناآگاهی از شیوه برقراری روابط مطلوب بین زن و شوهر و کوتاهی در تأمین نیازها و انتظارات طرف مقابل است. برای پیشگیری از این امور، آموزش زن و شوهر در مراحل پیش از ازدواج، دوره نامزدی و اوائل ازدواج و حتی گاه سال‌ها پس از ازدواج، بسیار مؤثر است. اکنون به شش اصل مهم در روابط زن و شوهر از

همه عیب‌ها شمرده‌اند<sup>۱</sup>، چنان‌که جوان سخاوتمند ولی آلوده به گناه از پیرمرد عابد بخل‌ورز نزد خدا محبوب‌تر است.<sup>۲</sup>

### **ج) آموزش روابط مناسب در خانواده**

بروز اختلاف و خشونت در خانواده، در

۱. ر.ک: شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت ۳۷۸.

۲. ر.ک: حر عاملی، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۵۳.

شوهر که در واقع تقویت و تثبیت جنبه‌های مشترک و مشابه، اصلاح عیوب و نقایص و نیز تکمیل شخصیت یکدیگر است، فقط با توجه به تفاوت‌ها امکان‌پذیر است. شناخت این تفاوت‌ها که جنبه شخصیتی، فرهنگی، خانوادگی و به‌ویژه جنسیتی دارند، بسیار حیاتی است. پذیرش تفاوت‌ها موجب می‌شود زن و مرد به‌طور متقابل شخصیت یکدیگر را بپذیرند و همین امر زمینه‌ای برای بهره‌مندی از مزایای یکدیگر در زندگی خانوادگی است. اگر هر یک از این‌دو، به‌ویژه شوهر، بخواهد، همسرش را مطابق حالات روانی و رفتاری خود تغییر دهد، شخصیت او را تخریب خواهد کرد.<sup>۱</sup> آموزه‌های اسلام بر همین اساس، تمایز نقش‌ها را در خانواده تأیید می‌کند. آثار این امر پیش‌تر بررسی شد. در روند سازگاری، زن و مرد با شناخت روحیات یکدیگر به تثبیت جنبه‌های مثبت هم می‌پردازند؛ برخی تفاوت‌ها را می‌پذیرند و به‌جای برجسته کردن نقایص و ضعف‌ها، به اصلاح تدریجی آن‌ها در گذر زمان پردازند.

### (دو) معاشرت معروف

از دیدگاه قرآن، ملاک مطلوبیت روابط اعضای خانواده به‌ویژه زوج، معاشرت به معروف است. در قرآن بیش از بیست بار واژه «معروف» برای جنبه‌های مختلف روابط خانوادگی، از جمله مناسبات زن و شوهر، به کار رفته است. معروف را آداب و شیوه‌های رفتاری

۱. ر.ک: کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۱-۲.

مناسب در هر جامعه دانسته‌اند که عقلای آن به رسمیت می‌شناسند، یا هر عملی که افکار عمومی آن را شناخته‌شده و مأنوس بداند و با ذائقه اهل هر اجتماعی سازگار باشد.<sup>۲</sup> در کلمات اولیای دین علیهم‌السلام نیز معروف در معانی گوناگونی همچون احسان، حسن مصاحبت با خانواده و مردم و به‌طور کلی هر عمل نیکو و امر موافق دستورهای الهی به کار رفته است. در مجموع می‌توان گفت معروف رفتاری است که مردم یک جامعه می‌پسندند و با شریعت و طبع و ذوق انسان مخالفت نداشته باشد. بنا بر توصیه قرآن<sup>۳</sup> وظایف زن و شوهر در خانواده باید بر اساس شرایط اجتماعی آن‌ها و اصل معروف تنظیم شود. نیازهای اقتصادی، نیازهای عاطفی، شیوه احترام و بزرگداشت زن، نحوه روابط با خویشان زن و شوهر، روش تصمیم‌گیری‌ها و حل اختلافات و حتی طرز صحبت کردن با هم مشمول ملاک معروف می‌شوند. همه این امور در چارچوب قوانین شرع و مطابق با فرهنگ و آداب و رسوم هر جامعه تنظیم می‌گردند. بی‌تردید رفتار زن و شوهر بر پایه معروف، بسیاری از زمینه‌های اختلاف را در خانواده برمی‌چیند و کم‌تر دلیلی برای بروز خشونت خانگی در کار خواهد بود.

### (سه) عدالت در مناسبات خانوادگی

از ملاک‌های مهم روابط زن و شوهر و نیز

۲. ر.ک: طباطبایی، پیشین، ج ۲، ص ۲۳۲.

۳. ر.ک: بقره، ۲۲۸.

دیگر روابط خانوادگی، رعایت عدالت است. اگر زوجین، به‌ویژه مرد، عدالت را رعایت نکنند، از هرگونه ظلم از جمله خشونت جلوگیری می‌شود.

### (چهار) مدارا

در متون اسلامی، مدارا در روابط اجتماعی بسیار سفارش شده است؛ به حدی که پیامبران همان‌گونه که به دیگر واجبات امر شده‌اند، به مدارا با مردم نیز مأمور شده‌اند<sup>۴</sup> مدارا در خانواده به زن و مرد، به‌ویژه به شوهر بسیار سفارش شده است. برای نمونه امام علی علیه‌السلام به فرزندش محمد بن حنفیه می‌فرماید: «در هر وضعیتی با همسرت مدارا کن و با او مصاحبت نیکو داشته باش تا زندگی‌ات گوارا شود.»<sup>۵</sup>

مدارا به معنای برخورد ملایم و آرام، مصاحبت نیکو و دوری از تندوی و شدت در روابط است. مدارا شامل گونه‌های گذشت از طرف مقابل و چشم‌پوشی از کوتاهی‌ها و اشتباه‌های او می‌شود. رفق، مفهومی نزدیک به مدارا دارد و به معنای سهل و آسان‌گیری در روابط است. ملایمت در برخورد، شامل گفتار مناسب و متین همراه با آهنگ ملایم و حالت بدنی و چهره‌ای مناسب می‌شود. بردباری نیز در مفهوم مدارا نهفته است و مرد در هر وضعیتی لازم است با همسرش برخوردی متین، صبورانه و باگذشت داشته باشد. در کلام امام صادق علیه‌السلام آمده است: «کسی که در واکنش به اخلاق بد همسرش

۴. ر.ک: مجلسی، پیشین، ج ۲۲، ص ۵۳.

۵. ر.ک: ابن بابویه (صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۸۰.

بردباری پیشه سازد، خدا ثواب شکرگزاران را به او عطا می‌کند.<sup>۱</sup>

سعه صدر و انعطاف در برخورد با زن، گذشت و عفو در قبال رفتارهای نامناسب او، اجبار نکردن وی به کاری و او را به ناخشنودی و خشم نکشاندن از سفارش‌های معصومان (علیهم‌السلام) به مردان است. در مجموع، خوش‌رفتاری و برخورد مناسب با همسر به حدی توسط جبرئیل به پیامبر اکرم (ص) سفارش شد که ایشان فرمود: «گمان کردم طلاق دادن زن سزاوار نیست مگر آنکه او به گناه جنسی بزرگ و آشکاری دست زده باشد.»<sup>۲</sup>

به زنان نیز درباره رفتار مناسب با شوهر سفارش‌های فراوانی شده است. مدارای زن با شوهر به‌ملايمت در برخورد، آسان‌گیری، عدم تکلف و مرافقت با مرد و تحمیل نکردن اموری بیش از حد توان او بازمی‌گردد. بردباری در برابر غیرت مرد، پذیرش عذرهای او و حتی گاه گذشت از آزارهای جزئی او در زندگی از توصیه‌های اکید اولیای دین به زنان است.<sup>۳</sup>

در متون اسلامی برای زنان پس از انجام وظایف الهی و دینی، مسئولیتی بالاتر از وظایف آنان در قبال همسر، نهاده نشده است. جالب اینکه شوهرداری نیکو، در ردیف سخت‌ترین تکالیف دینی، یعنی جهاد در راه خدا، عنوان شده است. بی‌تردید جریان روحیه مدارا در

۱. ر.ک: حر عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۷۴.

۲. ر.ک: همان، ج ۲۰، ص ۱۷۰.

۳. ر.ک: حر عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۵۷.

**قرآن کریم در این موقعیت، برای حل مشکل و جهت دادن زن به سوی زندگی متداول خانوادگی و ایفای وظایف همسری، شیوه‌ای سه مرحله‌ای ارائه کرده است: ۱. نصیحت زن؛ ۲. دوری از او در بستر و ۳. باز تنبیه. روشن است که در بیشتر موارد، اگر مرد با صمیمیت و صداقت رفتار کند و در پی مدارا با همسرش باشد، چنین مشکلی از جانب زن رخ نمی‌دهد. اگر با وجود چنین وضعیتی که مرد در بیشتر جنبه‌های زندگی سعی در خشنود ساختن همسر داشته باشد، باز زن به نشوز روی آورد، این شیوه می‌تواند در بیشتر موارد مشکل را برطرف سازد.**

زن و شوهر بسیاری از تنش‌ها و اختلاف‌های خانوادگی را می‌گاهد و زمینه‌ای برای بروز خشونت باقی نمی‌گذارد.

### **پنج سرپرستی مرد در خانواده**

سرپرستی خانواده از دیدگاه اسلام بر عهده مرد است. قرآن و روایات با تأکید بر سرپرستی مردان در خانواده زنان شایسته را پیرو همسر می‌داند. «مردان سرپرست زنان‌اند، به سبب برتری‌هایی که خداوند برای بعضی بر بعضی قرار داده است و به دلیل آنکه عهده‌دار معیشت خانواده‌اند. پس زنان درستکار فرمان‌بردارند...» (نساء: ۳۴)

اگر زنان در خانواده اقتدار و لزوم سرپرستی شوهر را بپذیرند، بسیاری از اختلاف‌ها برطرف خواهد شد. در موارد پرشماری از خشونت مردان در خانواده، مخالفت و ناسازگاری زنان اوضاع و احوال را به خشونت سوق داده است. هرچند خشونت با زنان در خانواده روا نیست، برخی مردان به علت ظرفیت روانی اندک و رشدنیافتگی به این عمل دست می‌یازند که البته در بسیاری موارد پیشگیری از این اوضاع به دست زنان است. با پذیرش تصمیم‌گیری‌های شوهر (مگر در تصمیمات فاجعه‌آمیز و بسیار غلط) می‌توان از بروز خشونت جلوگیری کرد و در نهایت مرد را از اشتباهات آگاه ساخت. بر مرد نیز لازم است بر اساس توافق همسرش عمل کرده، امور خانواده را با مشورت او اداره کند.<sup>۴</sup>

### **شش همکاری در خانواده**

از سفارش‌های مهم اسلام، همکاری زن و شوهر در اداره خانواده است. همان‌گونه که همکاری در هر مسئله نیک و پرهیزکارانه‌ای لازم است، مسائل خانه و پرورش فرزند نیز همکاری زن و شوهر را می‌طلبد. آموزه‌های اسلام، با ارزش دآوری بسیار بالا از کار زنان در خانواده، آن را موجب بسته شدن درب‌های جهنم به روی زن و گشوده شدن درب‌های بهشت در برابر او دانسته است.<sup>۵</sup> اگر زن و شوهر در خانه، بر پایه ملاک‌های دینی، انگیزه‌ها و

۴. ر.ک: نساء، ۱۹.

۵. ر.ک: حر عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۷۲.





با عنوان غیرت، امری لازم شمرده شده است: «خداوند غیور است و هر غیرتمندی را دوست دارد و حرام کردن گناه‌های جنسی ظاهری و باطنی به دلیل غیرت خداست.»<sup>۱</sup> در برابر، حساسیت نداشتن مرد درباره روابط همسرش با نامحرمان به شدت نکوهش شده

۱. ر.ک: همان، ج ۲۰، ص ۱۵۳.

و زمینه‌ها و علل اختلاف و خشونت بسیار کاهش خواهند یافت.

#### **د) رعایت حدود شرعی**

یکی از زمینه‌های بروز اختلاف و خشونت در خانواده‌های مسلمان، حساسیت زن و مرد، به ویژه شوهر درباره روابط همسر با نامحرمان است. در متون اسلامی، این حساسیت مرد

رفتار خود را جهت دهند، برای تلاش خود در خانه ارزش معنوی والایی قائل خواهند بود. این امر انگیزه‌های آنان را تقویت خواهد کرد و در محیط خانه به جای رقابت و شانه خالی کردن از وظایف، صمیمیت و یاری هم‌دیگر را حکم‌فرما خواهد ساخت. در این وضعیت، توقعات از یکدیگر تعدیل خواهند شد



است. البته حساسیت و غیرت‌ورزی بی‌دلیل و نامناسب پذیرفته نشده و عامل انحراف زنان سالم به وضعیت ناسالم به‌شمار می‌آید.

مبنای تأیید این حساسیت مردان، آموزه‌های اسلام در زمینه حدود روابط زن و مرد نامحرم است. اسلام برای روابط کلامی و غیرکلامی زن و مرد نامحرم، مانند نگاه، تماس بدنی، ارتباط چهره‌ای، فاصله زن و مرد و پوشش آنان، به‌ویژه زنان، چارچوب‌هایی در نظر گرفته است. دین اسلام رابطه عاطفی جنسی زن و مرد، حتی به‌صورت جزئی را فقط در چارچوب ازدواج می‌پذیرد. نگاه لذت‌آور مرد و زن نامحرم به یکدیگر در آیات قرآن نهی شده است.<sup>۱</sup> همچنین رابطه کلامی و آهنگ صدای معنادار عاطفی و جنسی، تماس بدنی و خلوت کردن زن و مرد نامحرم و به عبارتی فاصله نزدیک و بدون مرز آنان منع شده است. پوشیدگی همه بدن زنان در برابر مردان نامحرم لازم است و فقط صورت و دست‌ها تا مچ استثنا شده است. در تحلیل‌های روان‌شناختی این حدود شرعی با عنوان مرزها تبیین شده‌اند<sup>۲</sup> و آثار فردی آن‌ها بر سلامت روان زن و مرد، تقویت بنیان خانواده و حفظ جامعه از ناهنجاری‌های جنسی توضیح داده شده است.

رعایت حدود شرعی در روابط زن و مرد نامحرم که در متون اسلامی با عنوان حیا و عفاف از آن یاد شده، در صمیمیت زن و

۱. ر.ک: نور، ۳۰-۳۲.

۲. ر.ک: سالاری فر، پیشین، ص ۱۰۴.

شوهر تأثیری شگرف دارند. پژوهش‌های روان‌شناختی نشان داده‌اند که حتی نگاه به زنان زیبا موجب می‌شود مردان، همسر خود را کم‌تر دوست داشته باشند. حال اگر رابطه مرد با زنان دیگر جنبه‌های کلامی، عاطفی و بدنی را نیز در برگیرد، رابطه زن و شوهر به‌شدت به خطر خواهد افتاد. همچنین اگر زنان با مردان نامحرم رابطه عاطفی و جنسی برقرار کنند، بی‌شک به رابطه با شوهر بی‌میل خواهند شد. بسیاری از خشونت‌های شدید خانوادگی در ایران که مرد بر همسرش روا می‌دارد یا به‌عکس و معمولاً به قتل زن یا شوهر می‌انجامد، معلول روابط نامشروع جنسی زن یا شوهر است.<sup>۳</sup> به جهات فوق، رعایت حدود شرعی در روابط زن و مرد نامحرم نه‌تنها موجب استحکام بنیاد خانواده می‌شود، بلکه از بسیاری خشونت‌های عادی و شدید خانگی پیشگیری می‌کند.

### ۵) آموزش شیوه‌های مقابله با استرس

یکی از علل مهم خشونت خانگی، استرس‌هایی است که در خانواده و بیرون از آن بر زن و شوهر وارد می‌شود. مشکلات شغلی، درآمد کم، بیکاری و فشارهای ناشی از مسائل کاری، مردها را دچار تنیدگی می‌کند. اداره منزل، رسیدگی به فرزندان و مسائل جسمی و روانی نیز تنیدگی زنان را در پی می‌آورد. مقابله مناسب با این تنیدگی‌ها به

۳. ر.ک: شهلا معظمی، «جرم‌شناسی خشونت خانگی و همسرکشی در سیستان و بلوچستان»، ص ۴۶.

آرامش زن و شوهر، تقویت روابط عاطفی و همکاری بیشتر آنان در خانه کمک می‌کند. در این‌باره، درک علائم تنیدگی، عوامل تنیدگی‌زا، انواع تنیدگی‌ها، به‌ویژه در خانه و روابط خانوادگی، تنیدگی‌های ویژه زنان و مردان و راه‌های مقابله با تنیدگی، باید به زن و شوهر آموزش داده شود. در روش‌های شناختی مقابله، ایمان به خدا و توکل به او، شناخت ضعف‌ها و محدودیت‌های خود، مثبت‌نگری در زندگی، نگاه منسجم به زندگی و مسائل آن و بهره‌گیری از روش‌های حل مسئله می‌باید کانون توجه قرار گیرد.<sup>۴</sup>

راه‌های عاطفی مقابله، شامل مواردی چون تنظیم عواطف، برون‌ریزی، دعا و مناجات با خدا و توسل به اولیای دین و کمک خواستن از آنان است. حمایت اجتماعی، ورزش، فنون آرمیدگی، حساسیت‌زدایی منظم، برنامه غذایی سالم و خواب کافی، از جمله روش‌های رفتاری است. بی‌تردید راه‌های رویارویی با تنیدگی باید شامل مجموعه‌ای از روش‌های شناختی، عاطفی، معنوی و رفتاری باشد؛ در چارچوب دستورات دینی قرار گیرد و جهت‌گیری دینی و الهی داشته باشد. در غیر این‌صورت، تنیدگی‌ها به گونه مناسب و مؤثر، مهار و با آن‌ها مقابله نخواهد شد. در مجموع هرچه مقابله با تنیدگی‌ها مؤثرتر باشد، تنش‌ها در خانواده کم‌تر خواهد شد و زمینه‌های بروز اختلاف و خشونت کاهش

۴. ر.ک: دیماتسو، روان‌شناسی سلامت، ترجمه محمد کاویانی و دیگران، ج ۲، ص ۵۹۰ و ۷۵۲.

خواهد یافت.

### ۳) مقابله و درمان

در این بخش به راه‌های برخورد با خشونت خانگی و درمان آن با استفاده از آموزه‌های اسلامی می‌پردازیم. پس از بیان راه‌های درمان مردان خشونت‌ورز در دو بخش اصلاحات نگرشی و درمان‌های رفتاری، به شیوه‌هایی که زنان باید در پیشگیری از خشونت همسران و رویارویی با آن به کار برند، خواهیم پرداخت:

#### الف) اصلاحات نگرشی

هر رفتار خشونت‌آمیز انسان، ریشه‌ها و مبانی شناختی و عاطفی دارد. بدون اصلاح و تغییر این مبانی، کاهش و حذف خشونت مقدور نبوده و یا موقتی است. مردان خشونت‌ورز، طی سال‌ها، برداشت خاصی از زنان، خانواده، راه‌حل‌های مشکلات و شیوه‌های رسیدن به اهداف به‌دست آورده‌اند. از این‌رو، اصلاح نگرش‌ها باید ناظر به این مناسبات انسانی باشد.

#### یک) اصلاح نگرش‌ها دربارهٔ زنان

در گذر تاریخ، به عللی از جمله تفاوت‌های زیستی زن و مرد، برداشت‌های منفی دربارهٔ زنان رایج بوده است. در روان‌شناسی اجتماعی، این پدیده با عنوان تصورات قالبی و تبعیض جنسیتی بررسی شده است. امروزه نیز برخی مردان تصور قالبی منفی دربارهٔ زنان دارند.

یکی از این تصورات، برتر شمردن مردان و تحقیر جنس زن است که گاه جنبه‌های بسیار افراطی آن در دیدگاه‌های اندیشمندان نیز به چشم می‌خورد. تصور منفی دیگر، برداشت جسمی و جنسی از زن است که متأسفانه در جوامع مدرن کنونی غلبه دارد؛ به‌گونه‌ای که جسم زن ابزار تبلیغات و ارضای افراطی نیازهای جنسی محسوب می‌شود. این برداشت نگاهی غیرانسانی به زن دارد و با غفلت از همهٔ ابعاد عاطفی، احساسی و شناختی زن، او را وسیله‌ای برای ارضای امیال پست حیوانی خود می‌بیند. مردانی که بر اثر اوضاع خانوادگی، برخی جنبه‌های عاطفی و موقعیت‌های محیطی به چنین برداشت‌هایی رسیده‌اند، زمینهٔ بیشتری برای ابراز خشونت به زن در خانه و بیرون دارند. استفاده از آموزه‌های اسلام برای تغییر نگرش این مردان می‌تواند مؤثر باشد. در متون اسلامی شواهد پرشماری برای تساوی ارزشی زن و مرد دیده می‌شود. در برخی آیات قرآن، زنان و مردان در کسب فضایل انسانی و دینی در ردیف هم آورده شده‌اند:

«مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان باایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیب‌ا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.» (احزاب: ۳۵)

در این آیه ده فضیلت بیان و تأکید شده است که کسب این فضایل چه برای مردان و چه برای زنان آمرزش و پاداشی عظیم در پی دارد. امور اعتقادی، عبادات و صفات اخلاقی بدون تفاوت دربارهٔ زن و مرد مطرح شده است. این آیه نشان می‌دهد که زن همانند مرد ماهیتی انسانی دارد و در فضایل، دوشادوش مرد قرار می‌گیرد. آیهٔ دیگر به همسانی زن و مرد در کسب سعادت تصریح می‌کند: «هرکس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.» (نحل: ۹۷)

اکنون با توجه به تساوی زن و مرد در خلقت و کسب فضایل، چرا جنس زن را تحقیر کنیم و به جنبه‌های انسانی او توجه نکنیم؟ وقتی زن در کنار مرد می‌تواند به

**اقتدار و سرپرستی مرد در خانواده، با منش تکبر و خودخواهی تفاوت دارد. برای نمونه، عمل کردن بر اساس ذوق و سلیقهٔ اعضای خانواده که به مردان سفارش شده است با روحیهٔ تواضع، امکان‌پذیر است نه تکبر و خودخواهی. در مجموع، پرورش حالت تواضع در زن و شوهر، خودمحوری و خودخواهی را در آن‌ها کاهش می‌دهد و زمینهٔ بروز اختلاف و خشونت را از میان می‌برد.**

فضایل دینی و اخلاقی برسد، چرا نگاه و تصور جسمانی و جنسی از زن داشته باشیم؟ توصیه به مردان درباره مطالعه و تأمل در چنین آیاتی، بی‌تردید به تغییر برداشت منفی مردان از زن می‌انجامد. افزون بر این، اولیای دین اسلام به‌خصوص پیامبر ﷺ عنایت ویژه‌ای به زنان داشتند و منش آنان ارج نهادن و احترام به زن بود.

ملاک ارزش و فضیلت انسان‌ها در اسلام، در درجه نخست تقواست. علم در کنار ایمان نیز ملاک دیگری برای برتری افراد است. حال اگر زنی در این ملاک‌ها از مردان گوی سبقت را ربود، به چه دلیلی می‌توان این زن یا جنس زن را پایین‌تر از مرد شمرد؟

### دو) اصلاح نگرش درباره همسر

آموزه‌های اسلامی در پی ترویج دیدگاه‌هایی در مردان هستند که بر رفتار آنان با همسران‌شان بسیار تأثیر می‌گذارند. نخستین نکته آن است که زن در آغاز ازدواج، پیمان محکمی از شوهر گرفته است. این پیمان، همان قراردادی است که بین زن و مرد با عنوان زوجیت برقرار می‌شود و مرد باید از این پس، همه وظایف مقرر درباره زن را انجام دهد که یکی از آن‌ها همان معاشرت مناسب و پسندیده است. این پیمان بسیار محکم است. افزون بر این، مرد خود پای‌بندی به حقوق همسر را تعهد و اعلام کرده است و بر این اساس اجبار همسر، کوتاهی در ادای حقوق او و هرگونه برخورد

نامناسب با او روا نیست.

نکته دوم توجه به لطافت‌های روانی و عاطفی زنان است. حضرت علی علیه السلام فرمود: «زن ریحانه است و قهرمان نیست.»<sup>۱</sup> ریحانه به‌نوعی لطافت و ظرافت اشاره دارد؛ چنان‌که در وصف فرزند دختر آمده است: «دختر ریحانه‌ای است که آن را می‌بویی.»<sup>۲</sup> این واژه به معنای هر سبزی خوشبو آمده است.<sup>۳</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «آیا زن جز گیاه خوشبویی است که همسرش او را می‌بوید؟»<sup>۴</sup> این واژه به لطافت روحی و جنبه زیبایی زنان اشاره دارد. در برابر، قهرمان که به معنای مدیر، وکیل و محافظ آمده، از زن نفی شده است. مرد نباید از زن انتظار سخت‌روی و روحیه مردانه داشته باشد. افزون بر این، واکنش روانی و رفتاری‌ای که با روحیه زن متناسب نیست، به او آسیب می‌رساند. در هر وضعیتی لازم است مرد ظرافت، حساسیت و آسیب‌پذیری روانی زن را در نظر گیرد. همسر، تنها فردی است که مرد با او رابطه عاطفی و بدنی بسیار صمیمی دارد و از این‌رو، باید از هر رفتاری که متناسب با این حال نیست، بپرهیزد. عبارات زیر از معصومان علیهم السلام به همین واقعیت اشاره دارند: «همسر شما باعث نشاط شماست؛ هر کس ازدواج کرد نباید زن خود را ضایع سازد.»<sup>۵</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا فردی از شما

۱. ر.ک: کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۱۰.

۲. ر.ک: همان، ج ۶، ص ۵.

۳. ر.ک: کتاب العین.

۴. ر.ک: ابن بابویه، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۳.

۵. ر.ک: حر عاملی، پیشین، ج ۵، ص ۶۱.

همسر خود را می‌زند، سپس او را در آغوش می‌کشد؟!»<sup>۶</sup>

نکته سوم متوجه ساختن مرد به ضعف بودن زن از برخی جنبه‌های روانی و جسمانی در مقایسه با خود است. در روایات معصومان علیهم السلام آمده است: «از خدا بترسید درباره دو ضعیف: یتیمان و زنان.»<sup>۷</sup> درباره ضعف جسمانی زنان در مقایسه با مردان همین شاهد کافی است که در همه دنیا، ورزش زنان و مردان جداگانه برگزار می‌شود و در هیچ فرهنگی به‌دنبال رقابت جسمانی زن و مرد با هم نیستند. در تاریخ بشر همیشه جنگ‌ها و مسئولیت‌های سخت اجتماعی بر عهده مردان بوده است. اگر مرد در خانه متوجه این امر باشد، با ملایمت و به دور از تند و اجبار و آزار بدنی با همسرش رفتار می‌کند.

نکته چهارم امانت بودن زن از هنگام ازدواج در دست مرد است که متون اسلامی بر این نکته تأکید کرده‌اند. امام علی علیه السلام همسرش را امانتی نزد خود اعلام کرد.<sup>۸</sup> اگر مرد همسرش را به چشم امانتی در دست خود ببیند و به اهمیت امانت‌داری نزد همه مردم جهان و نیز ادیان الهی توجه کند، با او برخوردی معقول و مناسب خواهد داشت. نکته آخر نیز توجه به نقش مادری همسر در خانواده است. از آنجا که دین اسلام برای مادری و احترام به مادر اهمیت بسیاری قائل

۶. ر.ک: کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۰۹.

۷. ر.ک: همان، ج ۵، ص ۵۱۱.

۸. ر.ک: مجلسی، پیشین، ج ۴۳، ص ۱۹۳.



### **سه) تغییر نگرش مردان دربارهٔ مسئولیت‌های زن در خانه**

بسیاری از مردان تصورات نادرستی دربارهٔ وظایف زن در خانه و خانواده دارند. آنان غذا

اجتماعی عمیقی با آنان دارد، فرزندان را نیز به احترام به مادر برمی‌انگیزد. در مقابل، بدرفتاری مرد، فرزندان را به برخورد نامناسب با مادر و گاه همسران آیندهٔ خویش خواهد کشاند.

است، شیوهٔ برخورد مرد با همسرش در تلقی فرزندان از مادر تأثیر دارد. شأن و احترام و رفتار مناسب مرد با همسرش، به منزلهٔ یک مادر، به‌ویژه مادر فرزندان خود او که رابطهٔ عاطفی و



پختن، خدمات مربوط به آن تا پایان کار، نظافت و اداره خانه، رسیدگی به فرزندان و در یک کلام، همه مسئولیت‌های درون خانه را بر عهده زن می‌دانند. بسیاری از مردان، مسئولیت خود را فقط کار بیرون از خانه می‌دانند و زن را خدمتگزار خویش در درون خانه می‌شمارند. وقتی مرد زندگی مشترک را با چنین برداشتی آغاز می‌کند، توقعات او از همسرش بسیار بالاست و همین امر زمینه اختلاف و گاه خشونت را در خانه فراهم می‌سازد.

این نگرش طی سال‌ها در بسیاری از مردان شکل گرفته است و تغییر آن زمانی طولانی می‌طلبد. دیدگاه اسلام با این نگرش درباره زنان سازگار نیست. از نظر اسلام، مسئولیت‌های اصلی زن در خانواده عبارت‌اند از: ۱. همراهی در روابط جنسی ۲. پذیرش مدیریت و سرپرستی مرد در خانواده؛ ۳. معاشرت و رفتار مناسب در خانواده؛ ۴. همکاری با شوهر در تقویت مبانی خانواده و تربیت فرزندان. آموزه‌های اسلام، در کنار این امور از زنان می‌خواهند تا عفت خویش را با رعایت چارچوب‌های شرعی و عفت شوهرشان را با فراهم آوردن زمینه مناسب برقراری روابط عاطفی جنسی در محدوده خانواده تأمین کنند. اداره خانه و خانواده و سرپرستی و تربیت فرزندان فقط بر عهده زن نیست، بلکه زن می‌تواند برای انجام برخی کارهای خانه و امور فرزندان از مرد دست‌مزد طلب کند. درباره شیر دادن در قرآن آمده است که: «و اگر برای شما [بچه] شیر می‌دهند، مزدشان

را به ایشان بدهید.» (طلاق: ۶) مشهور فقها معتقدند که حضانت، تکلیف مادر نیست<sup>۱</sup> و برخی معتقدند مادر می‌تواند بابت آن از پدر فرزند دست‌مزد مطالبه کند. در ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی آمده است که مادر مجبور نیست به طفل خود شیر بدهد. به همین دلیل مادر می‌تواند در اوضاع عادی برای شیر دادن بچه، تقاضای اجرت کند.

از دیدگاه اسلامی، روا نیست که مردان با فشار از زنان بخواهند به تنهایی اداره خانه و فرزندان را بر عهده بگیرند. هر چند زندگی خانوادگی بر اساس همکاری متقابل اداره می‌شود و اگر زنان بخواهند برای هر فعالیت خود در خانه از مرد مزد بخواهند، خانواده به فروپاشی نزدیک می‌شود. آنچه در این زمینه اهمیت دارد، تغییر نگرش طلبکارانه و متوقعانه مردان درباره مسئولیت‌های زن در خانه است. امر دیگر در تغییر نگرش مردان، ایجاد زمینه برای درک فعالیت‌های همسر در خانه و ارزش زیاد آن است. همسران در خانه، نیازهای عاطفی و جنسی شوهران را تأمین می‌کنند؛ همواره خانه را منظم و تمیز نگاه می‌دارند؛ به بهترین نحو غذا می‌پزند و با تلاش خود، زمینه صرف غذا و سپس جمع‌آوری ظروف و تمیز کردن آن‌ها را بر عهده می‌گیرند؛ با عاطفه عمیق و احساس تعهد، به تربیت فرزندان می‌پردازند؛ امانت‌داران خوبی برای اموال شوهران‌اند؛ و هنگام بیماری، سختی

و پیری، بهترین یاور مردان‌اند. آیا می‌توان ارزش اقتصادی دقیقی برای این کارها در نظر گرفت؟ چه تعداد از مردان مفهوم این روایت را به درستی درک کرده‌اند که ارزش زنان درستکار، از طلا و نقره بیشتر است؟<sup>۲</sup> برای روشن شدن این موضوع به چند تحقیق درباره کار خانگی زنان اشاره می‌کنیم.

پژوهشی در سال ۱۳۷۳ نشان داد که ارزش افزوده طبخ غذا به منزله یک فعالیت رایج خانه‌داری، پانزده هزار میلیارد ریال در تولید ناخالص ملی بوده است.<sup>۳</sup> همچنین تحقیقاتی در کانادا، انگلستان و دیگر کشورها درباره محاسبه ارزش کار زنان خانه‌دار در منزل، صورت گرفت که نشان می‌دهند در این کشورها میزان ساعات فعالیت‌های زنان بارها بیش از مردان است؛ زیرا بسیاری از زنان افزون بر سهم برابر در تلاش‌های اقتصادی بیرون از خانه، به امور خانه‌داری نیز می‌پردازند.<sup>۴</sup>

### چهار) تغییر نگرش مردان درباره سرپرستی و مدیریت خانواده

همان‌گونه که گذشت، از دیدگاه اسلام، مدیریت و سرپرستی همسر و فرزندان بر عهده شوهر است؛ اما تصورات و برداشت‌های نادرست از مدیریت مرد، موجب پاره‌ای مشکلات شده است. نمونه‌هایی از این تصورات نادرست عبارت‌اند از: برخورد تند

۲. ر.ک: حر عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۳.

۳. ر.ک: روزنامه همشهری دوشنبه، ۷ مرداد، ۱۳۸۰.

۴. ر.ک: جزئی، ارزش کار خانگی زن، ص ۹-۶ و ۱۸-۲۵.

۱. ر.ک: نجفی، پیشین، ج ۳۱، ص ۲۸۳-۲۸۴.

با همسر در آغاز ازدواج (گرچه را دم در حجله کشتن)؛ اجبار زن به انجام امور خانه و دیگر امور؛ دخالت ندادن زن در تصمیم‌گیری‌ها و خودرأیی در همه امور کلی و جزئی زندگی؛ پنهان کاری و ندادن اطلاعات خانواده به زن؛ داد و فریاد کشیدن؛ فرمان دادن؛ کمک نکردن به زن در اداره خانه؛ عمل کردن به گونه‌ای که در خانه زن خدمت‌گزار او باشد و همه چیز برای وی فراهم بوده، او در خانه کاری انجام ندهد؛ کتک زدن و آزار زن؛ جلوگیری از اظهار نظر دیگران در امور خانواده و ندادن حق دفاع از حقوق زن به هیچ کس، همه این امور گاه تحت عنوان مردسالاری یا پدرسالاری خلاصه می‌شوند. بی‌تردید، پیش گرفتن این شیوه، موجب بی‌اراده شدن، تضعیف اعتماد به نفس و از بین رفتن فرصت‌های رشد و شکوفایی زن می‌شود. آموزه‌های اسلام و روش زندگی اولیای دین علیهم‌السلام چنین برداشتی از مدیریت و سرپرستی مرد در خانواده را تأیید نمی‌کند.<sup>۱</sup> برای اصلاح چنین برداشتهایی در مردان، دو موضوع را باید برای آنان روشن کرد: محدوده مدیریت شوهر در خانواده و شیوه مدیریت او. از نظر شرعی و قانونی، مدیریت مرد مستلزم این امور است: همراهی در روابط جنسی و آمادگی کامل زن در این زمینه، هماهنگی زن با مرد در خروج از منزل، تصمیم‌گیری مرد درباره انتخاب مسکن و سرپرستی و اداره فرزندان.<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: سالاری فره، پیشین، ص ۱۸۴.

۲. ر.ک: کاتوزیان، حقوق مدنی خانواده، ص ۲۲۶-۲۴۳.

در دیگر مسائل خانواده، توافق و هماهنگی شوهر با همسر و بلکه رفتار مطابق علاقه و سلیقه او سفارش شده است. در مجموع می‌توان گفت، بر مدیریت شوهر در امور کلی و اساسی خانواده تأکید شده ولی در امور جزئی، جلب توافق زن و حتی پذیرش نظر او توصیه شده است. بر این اساس، مردان را باید برانگیخت که در امور جزئی مانند غذا پختن، خریدن و پوشیدن لباس، زینت و آرایش اعضای خانواده و وسائل منزل، خود را درگیر نساخته، سعی در اعمال مدیریت نکنند. درباره روش مدیریت نیز، شیوه‌های غیرمستقیم و غیرکلامی مؤثرترند. روش کلامی نیز، بیان تصمیم با آرامی و متانت است. اجبار زن و روش‌های تند، هرچند در کوتاه‌مدت مؤثر می‌افتد و مدیریت مرد را تثبیت می‌کند، در درازمدت به سرخوردگی همسر و اعضای خانواده می‌انجامد. روش مشورت در مدیریت، بسیار مؤثر است؛ چنان‌که خداوند به رسول خود فرمود که با مردم مشورت کند؛ زیرا اگر تند و شدید رفتار کند، مردم از اطرافش پراکنده می‌شوند.<sup>۳</sup>

### پنج تغییر نگرش مردان درباره شیوه حل اختلافات زناشویی

مردان خشونت‌ورز، به شیوه حل اختلافات زناشویی نگاهی ویژه دارند. آنان معمولاً شیوه‌هایی را برمی‌گزینند که با

۳. ر.ک: آل عمران، ۱۵۹.

اعمال آن‌ها، غلبه و پیروزی ظاهری خود را در خانواده تثبیت کنند، یا به بیانی، همیشه برنده باشند. حل اختلاف از نظر آنان، بر کرسی نشانیدن نظر خود است. روش‌هایی مانند مجادله، بحث و پافشاری بر نظر خود، قطع کلام همسر و اجازه صحبت ندادن به او، غرغر کردن، فاجعه‌آمیز کردن مسائل، پرتوقع بودن، تهدید، توهین و مسخره کردن، انتقاد گزنده<sup>۴</sup> و استفاده از زور، داد کشیدن و خشونت‌های فیزیکی مانند زدن و پرتاب کردن و کوبیدن در این مردان دیده می‌شود. به این مردان، باید روش‌های حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها آموزش داده شود. در وهله نخست باید به این مردان تفهیم کرد که روش‌های فوق به حل مشکل کمک نمی‌کنند و کاربست آن‌ها، اگر هم اختلاف را فرو نشاند، تأثیری کوتاه‌مدت دارد و زندگی خانوادگی بر این اساس دوام نمی‌آورد و به فروپاشی و انفجار کشیده می‌شود<sup>۵</sup> یا به علت تسلیم شدن همسر اختلاف‌ها به ظاهر تمام می‌شود و این به معنای تضعیف و تحقیر شخصیت زن است.

افزون بر این، لازم است مهارت‌های ارتباطی به مردان آموزش داده شود. در رابطه زن و شوهر، برخی رفتارهای تسهیل‌کننده ارتباطی از این قرارند: در روابط کلامی، گوش شنوا داشته باشید و به گفته‌های همسر، بدون پیش‌داوری و بی‌توجهی دقت کنید؛

۴. ر.ک: برنشتاین، زناشویی درمانی، ص ۱۶۱.

۵. ر.ک: آدامز، لیندا، فرهنگ تفاهم در ازدواج، ص ۱۳۹.

مثبت‌نگر باشید؛ انعطاف‌پذیر باشید؛ پرگویی نکنید؛ ابراز وجود کنید؛ تدافعی رفتار نکنید؛ شکرگزار باشید و قدرشناسی خود را ابراز کنید؛ مهر و محبت را ابراز کنید؛ درستکاری و صداقت نشان دهید.<sup>۱</sup>

در حل اختلاف‌ها، راه‌حلی را بجویید که بازنده و برنده نداشته باشد. فقط در اوضاع حاد و بحرانی از تنبیه بدنی در چارچوب شرع استفاده کنید. حل آشکار و صادقانه مسئله را همراه با رسیدن هر دو طرف به بخشی از نیازها و اهداف خود، در دستور کار قرار دهید.

### شش) تغییر نگرش مردان درباره زدن زن

برخی مردان خشونت‌ورز، توجیه‌هایی عقلانی و گاه دینی برای ابراز خشونت به همسر دارند؛ هرچند اندکی آشنایی با اصول روابط زن و شوهر در متون علمی و متون اسلامی مردود بودن چنین توجیهاتی را آشکار می‌سازد. پیش از این، به راه‌حل‌های قرآن برای درمان نشوز زنان اشاره شد. اگر به مردان، شرایط استفاده از راه‌حل نشوز زن را بیاموزیم، استفاده از این روش بسیار محدود خواهد شد. در مرتبه نخست، استفاده از روش تنبیه بدنی پس از موعظه و روابط کلامی مؤثر و بعد از دوری در بستر است. در مرتبه دوم، این تنبیه فقط در وضعیت اجتناب زن از روابط عاطفی و جنسی مطلوب با مرد، می‌تواند به کار گرفته شود و در هیچ مشکل دیگر زناشویی قابل استفاده نیست. همچنین، هنگام استفاده از

۱. ر.ک: برنشتاین، پیشین، ص ۱۵۷ و ۱۸۴-۱۹۲ و ۱۶۱.

**از دیدگاه قرآن، ملاک مطلوبیت روابط اعضای خانواده به‌ویژه زوج، معاشرت به معروف است. در قرآن بیش از بیست بار واژه «معروف» برای جنبه‌های مختلف روابط خانوادگی، از جمله مناسبات زن و شوهر، به‌کار رفته است. معروف را آداب و شیوه‌های رفتاری مناسب در هر جامعه دانسته‌اند که عقلای آن به رسمیت می‌شناسند، یا هر عملی که افکار عمومی آن را شناخته‌شده و مأنوس بداند و با ذائقه اهل هر اجتماعی سازگار باشد.**

این روش، قصد مرد فقط باید اصلاح رفتار زن باشد، نه انتقام یا چیز دیگر. افزون بر این، حد مجاز تنبیه مزبور تا آنجاست که به بدن زن آسیب نرزد، جراحی ایجاد نکند و حتی بدن او سرخ یا سیاه نشود؛ بنابراین خارج از محدوده فوق، زدن زن از نظر دینی حرام و از نظر اخلاقی و انسانی، بسیار ناپسند و نشان‌رشد ناپافتگی و درک پایین مرد است.

### ب) تغییر و اصلاح رفتاری

همگام با ایجاد تغییرات نگرشی در مردان خشونت‌ورز، لازم است برای اصلاح رفتار آنان و جلوگیری از خشونت بدنی با همسران‌شان، اقدام‌ها و آموزش‌های ضروری و سریع و نیز درازمدت و مؤثر انجام شود. اکنون لازم است اندکی درباره مهار خشم و خشونت بر پایه

دیدگاه‌های اسلامی پردازیم: بی‌تردید هرگونه خشونت روانی یا بدنی، از حالت هیجان خشم برمی‌خیزد. در این بخش، توصیه‌های رفتاری به مردان خشونت‌ورز را از مراحل آغازین خشم تا پس از رفتار خشونت‌آمیز بررسی می‌کنیم:

### یک) آشنایی با خشم و پیامدهای آن

خشم و غضب نیرویی در انسان است که برای دفاع از خود و ارزش‌های اخلاقی و دینی و دفاع از حقوق دیگران لازم است؛ ولی اگر در جایگاه درست و به اندازه لازم به کار نرود، بسیار نامطلوب است. متون اسلامی خشم را کلید همه بدی‌ها می‌شمارند.<sup>۲</sup>

### دو) آشنایی با موقعیت‌ها و حالات روانی و جسمانی برانگیزاننده خشم

شناخت این موقعیت‌ها به افراد کمک می‌کند که با پیش‌آگاهی از حالات روانی خود، موقعیت‌های برانگیزاننده خشم را شناخته، موفقیت بیشتری در مهار خشم و واکنش مؤثر و مناسب به موقعیت‌های آن داشته باشند. برخی از موقعیت‌های برانگیزاننده خشم عبارت‌اند از گرسنگی و ضعف، خستگی، ناکامی جنسی، بیماری جسمی، بی‌کاری، ناکامی شغلی، فشار کاری زیاد، ستم‌دیدن، مسخره‌شدن، تحقیر شدن، مورد بی‌اعتنایی و بی‌توجهی واقع شدن، صداهای بلند،

۲. ر.ک: کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۳۰۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

### چهار) لزوم یاد خدا هنگام خشم

یکی از سفارش‌های مهم اسلام به افراد خشمگین، یاد خداست. به‌طور کلی یاد خدا در همه شرایط عاطفی و روانی، آرامش‌بخش است. یاد خدا تغییرات شناختی و عاطفی‌ای در فرد پدید می‌آورد و نظام فکری و عاطفی او را از بی‌نظمی و اختلال می‌رهاند.

به آسمان نگاه کردن، خودداری از هرگونه رفتاری نسبت به فردی که سبب خشم او شده است، تغییر وضعیت بدنی از حالت ایستاده به نشسته یا نشسته به خوابیده، تغییر موقعیت مکانی، خوردن آب، وضو گرفتن، غسل کردن.

بی‌نظمی در زندگی خانوادگی و اجتماعی.

### سه) آشنایی با شیوه‌های رفتاری مهار خشم

برخی از راهکارهای بیان شده در آموزه‌های دینی برای غلبه بر خشم عبارت‌اند از: سکوت کردن، تصمیم نگرفتن هنگام خشم،





## پنج) واکنش‌های لازم پس از رفتار خشونت‌آمیز

اگر فرد خشمگین به هر دلیلی نتوانست خشم خود را مهار کند و مرتکب رفتار یا گفتار نادرستی شد برای جبران این حالت و بازگشت روابط خانوادگی به حالت عادی و رضایت‌بخش، می‌باید پس از توبه و عذرخواهی از همسر با مطالعه متون اخلاقی یا روان‌شناسی و در صورت لزوم کمک گرفتن از کارشناسان مذهبی و روان‌شناسی، برنامه‌ای برای آموختن و تمرین مهارت کنترل خشم برای خود تدارک ببیند تا از تکرار چنین رفتارها و گفتارهای نامطلوبی در آینده جلوگیری کند.

## ج) مسئولیت‌های زنان در برابر رفتار خشونت‌آمیز شوهر

متون اسلامی در موارد متعددی زن را به‌طور مستقیم مسئول پیشگیری از خشونت خانگی و برخورد با آن می‌خواند. در این بخش، با تمرکز بر مسئولیت زنان در رابطه با این پدیده، نقش مهم آنان را از دیدگاه اسلام بررسی می‌کنیم.

## یک) نقش پیش‌گیرانه زنان در خشونت خانگی

از منظر اسلام، مدارای زن با شوهر، موافقت با مرد، عدم تکلف و تحمیل نکردن اموری بیش از حد توان بر مرد، بردباری در برابر غیرت‌ورزی مرد، پذیرش سرپرستی مرد در

۱. ر.ک: حر عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۵۸.



خانواده، همکاری در اداره خانه و رعایت حدود و مرزهای شرعی در رابطه با نامحرمان، از وظایف زنان در خانواده است که نقش مهمی در پیشگیری از خشونت همسر دارند. علاوه بر موارد پیش‌گفته به موارد دیگری از مسئولیت‌های زن می‌پردازیم که به برطرف کردن زمینه‌های بروز خشونت مردان در خانواده می‌انجامد.

**یک)** تأمین نیازهای جنسی شوهر در وضعیت‌های مختلف و در حد امکان، نقش مهمی در تقویت روحیه او و برقراری روابط مثبت عاطفی با وی دارد. بر اساس متون اسلامی، زنان باید بکوشند به بهترین شکل خود را در خانه آرایش کنند و آمادگی مطلوبی برای برقراری روابط عاطفی و جنسی با شوهر داشته باشند.<sup>۱</sup> برخی از موارد بروز خشم و رفتار خشونت‌آمیز مردان در خانواده

به علت ناکامی در نیازهای جنسی است. **دو)** برخورد ملایم و مناسب با مرد در خانه، نقش مهمی در پیشگیری از خشم و خشونت او دارد. بی‌تربیتی و زندگی خانوادگی با مشکلات و بحران‌های پرشماری روبه‌روست. از آنجا که زنان از نظر عاطفی توانایی‌های بالایی برای نفوذ در مردان دارند، باید بکوشند با تعامل عاطفی مطلوب، مرد را آرام سازند و در هنگام بروز اختلاف از تندی کلامی و بالا بردن صدا و کاربرد الفاظ نامناسب و توهین‌آمیز و تمسخر همسر خودداری کنند.



چهره تند و نامناسب به‌خود گرفتن و نگاه تند و خشن، نه مشکل را برطرف می‌سازد و نه به آرامش در روابط کمک می‌کند؛ بلکه به احتمال زیاد، خشم مرد را برانگیخته یا تشدید می‌کند. متون اسلامی، زنان را از تندی کلامی و غیرکلامی با همسران به‌شدت بازمی‌دارند:

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «زنی که شوهرش را بیازارد، تا شوهرش را از خود راضی نکند، خدا نماز او و هیچ‌یک از کارهای نیکاش را نمی‌پذیرد؛ گرچه آن زن همه روز گارش را روزه بگیرد و به عبادت پردازد و بردگانی را آزاد سازد و اموال‌اش را در راه خدا ببخشد و این زن (تا چنین باشد) نخستین کسی است که وارد آتش می‌شود.» سپس افزود: «همانند این کیفر برای شوهر نیز وجود دارد، چنانچه همسرش را از روی ستم بیازارد.»<sup>۲</sup>

چنین سفارش‌هایی برای ترغیب زنان به خوش‌رفتاری و پرهیز از هرگونه آزار رساندن به شوهر است. در صورتی که زن به شیوه‌ای نامناسب با همسرش رفتار کند، بر اثر بروز تنش و خشونت، خود وی بیشتر آسیب خواهد دید؛ چنان‌که در پژوهش‌ها روشن شده است در خشونت زناشویی، مردان آسیب شدیدتری به زنان وارد می‌کنند. معمولاً شدت آسیب‌رسانی زنان به شوهران کم‌تر بوده است. در مجموع، رعایت این توصیه‌ها، زنان را در پیشگیری از خشونت بسیار یاری می‌دهد.

۲. ر.ک: مجلسی، پیشین، ج ۷۳، ص ۱۴.



**سه** یکی از سفارش‌های مهم اسلام به زنان، صبر و تحمل در برابر بدخلقی و رفتار نامناسب شوهر است. سفارش به صبر و تحمل به مواردی از بدخلقی مرد بازمی‌گردد که برای غالب زنان تحمل‌پذیر است. در این اوضاع، بهتر است زن به‌جای درخواست طلاق و سعی در آغاز زندگی زناشویی دیگری که معلوم نیست وضعیتی بهتر از این زندگی داشته باشد، با صبر و تحمل، مرد را آرامش داده، تدریجاً او را به سمت سازگاری بکشانند: پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «خداوند به زنی که بر بداخلاقی شوهرش صبر کند، مانند ثواب آسیه (همسر فرعون) عطا می‌کند.»<sup>۱</sup> زن با توجه به چنین پاداش اخروی بزرگی، می‌تواند فضای زندگی خانوادگی را به سازگاری و آرامش سوق دهد.

**چهار** ایجاد نظم و برنامه‌ریزی مناسب در خانه و زندگی خانوادگی موجب آرامش بیشتر افراد، به‌ویژه، شوهر می‌شود و از بروز خشونت او پیشگیری می‌کند. در برابر، بی‌نظمی و آشفتگی، افزون بر ایجاد تنش در افراد، زمینه را برای بروز حوادث پیش‌بینی نشده و بروز خشونت آماده می‌کند. به‌همین سبب زنان می‌باید حتی‌المقدور فضای خانه را مرتب کرده، برنامه‌های زندگی را بر اساس روش پذیرفته شده نظم دهند. در این وضعیت، زمانی که شوهر در خانه است، می‌تواند به امور فرزندان، امور خانه، نیازهای همسر و

۱. ر.ک: مجلسی، پیشین، ج ۱۰۳، ص ۲۴۷.

مسائل شخصی خود، رسیدگی و از زمان به بهترین نحو استفاده کند.

**پنج** درک مشکلات کاری و اقتصادی شوهر و وضعیت اجتماعی او، از مهم‌ترین عوامل پیشگیری‌کننده از خشونت است. بسیاری از خانواده‌ها بر اثر چنین مشکلاتی، دچار اختلاف و خشونت می‌شوند. متون اسلامی بر همدلی و کمک زن به همسر در امور دنیوی و اخروی تأکید کرده‌اند.<sup>۲</sup> از آنجا که تنظیم مسائل اقتصادی خانواده و برنامه‌ریزی برای هزینه‌ها در بیشتر خانواده‌ها بر عهده زنان است، در اوضاع بحرانی و فشار اقتصادی، آنان می‌توانند نقش مهم‌تری ایفا کنند. اولیای دین (علیهم‌الصلوات) صبر و تحمل زن و روحیه دادن او به مرد را هنگام فشارهای روانی بسیار با ارزش شمرده‌اند.<sup>۳</sup> در برابر، درک نکردن مرد و عدم همدلی با وی و تحمیل هزینه‌های بیش از توان به او، نه تنها نتیجه مطلوبی ندارد، بلکه شوهر را بیشتر تحت‌فشار قرار می‌دهد و پیامدهای دنیوی و اخروی ناخوشایندی برای همه اعضای خانواده، به‌ویژه زن دارد که خشونت خانگی یکی از این موارد است.

**شش** برنامه‌ریزی مناسب برای طرح مسائل خانواده و حل مشکلات، نقش مؤثری در پیشگیری از تنش در خانواده دارد. معمولاً طرح مشکلات و درخواست‌ها در زمان نامناسب، مانند نخستین دقایق بازگشت مرد به خانه یا هنگام خستگی، وی را

۲. ر.ک: همان، ج ۶۹، ص ۴۰۴.

۳. ر.ک: حر عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۲۴۷.

**در متون اسلامی برای زنان پس از انجام وظایف الهی و دینی، مسئولیتی بالاتر از وظایف آنان در قبال همسر، نهاده نشده است. جالب اینکه شوهرداری نیکو، در ردیف سخت‌ترین تکالیف دینی، یعنی جهاد در راه خدا، عنوان شده است. بی‌تردید جریان روحیه مدارا در زن و شوهر بسیاری از تنش‌ها و اختلاف‌های خانوادگی را می‌کاهد و زمینه‌ای برای بروز خشونت باقی نمی‌گذارد.**

برانگیخته می‌کند و تنش را افزایش می‌دهد. برای پیشگیری از این امر، لازم است زنان زمان‌های مناسبی را برای طرح مشکلات خانواده و درخواست‌های خود در نظر بگیرند و افزون بر این، برخی مسائل جزئی خانواده را خود حل کنند و مرد را با همه مشکلات جزئی و کلی خانواده درگیر نسازند.

## **(دو) شناخت علل، موقعیت‌ها و علائم خشونت همسر**

یکی از نخستین وظایف زنانی که به خشونت همسر دچار می‌شوند، شناختن و درک علل بروز خشونت همسر است. تا ریشه‌ها و خاستگاه‌های خشم و خشونت همسر روشن نشود، نمی‌توان از آن پیشگیری کرد یا برخورد مؤثری برای روبه‌رو شدن با آن انجام داد.

البته معمولاً زنان تحت خشونت، در نوعی بحران عاطفی و فشار روانی به سر می‌برند. از این‌رو لازم است آنان در صورت نیاز برای کشف علل خشونت، از مشاوران و متخصصان امور خانواده کمک بگیرند. در میان علل بروز خشونت، امور زیر در ایران شایع‌تر است:

ناکامی جنسی، بحران اقتصادی مانند کمی درآمد، بیکاری، فشار شغلی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، تحریک خویشاوندان و برخورد تند کلامی و غیرکلامی زن با مرد.<sup>۱</sup> در وهله دوم، شناخت موقعیت‌ها و زمان‌هایی که خشونت همسر در آن روی می‌دهد، ضروری است؛ از جمله این موارد: نخستین ساعات بازگشت از کار، زمان خستگی، بازگشت از منزل خویشان و هنگام عطش جسمی به مواد اعتیادآور است. در وهله سوم، شناخت علائم خشم بسیار مهم است. در این مرحله لازم است زنان علائم بروز خشم همسر را شناخته، با سرعت و واکنش مناسب، آماده برخورد مؤثر برای پیشگیری از خشم و روبه‌رو شدن با آن باشند. از جمله وظایف زنان، کمک به همسر در درک و فهم علائم خشم وی است. زنان می‌باید در این مرحله، دست‌کم پس از چندبار بروز خشونت همسر، به شناخت مناسبی از این فرآیند دست یابند. متأسفانه برخی زنان در این مرحله، حالت متعادلی برای درک اوضاع ندارند و گاه مدت‌ها پس

۱. ر.ک: سالاری فر، خشونت خانگی علیه زنان، ص ۲۹۳.

از بروز خشونت‌های پیاپی همسر نمی‌توانند درک دقیقی از اوضاع داشته باشند و معمولاً حالتی درمانده، متحیر و ناپخته دارند. زنان باید با حفظ آرامش و تعادل عاطفی، به شناخت نسبتاً مطلوبی از اوضاع دست یابند.

### سه) مسئولیت زن در موقعیت خشم مهارناپذیر همسر

اگر مرد در وضعیتی قرار گرفت که به هر دلیل نمی‌تواند یا نمی‌خواهد خشم خود را مهار کند و در پی آسیب رساندن به همسر است، مهم‌ترین وظیفه زن در این موقعیت، محافظت از سلامت خود و دیگر اعضای خانواده است. در این وضعیت، ترک موقعیت، فاصله گرفتن از همسر خشونت‌ورز و دور ساختن فرزندان از او در صورت قصد آسیب رساندن شوهر به آنان، ضروری است. اگر ترک موقعیت یا دور شدن از عامل خشونت ممکن نبود، دفاع از خود، در موارد بحرانی و حساس، لازم است. این دفاع فقط باید در حدی باشد که به زن یا فرزندان آسیب نرسد یا اعضای حساس بدن آنان آسیب نیندند، نه اینکه او به همسر حمله کند؛ چه، این کار خشونت را شعله‌ور کرده، اوضاع را بدتر می‌سازد.

### چهار) مسئولیت زن پس از رفتار خشونت‌آمیز همسر

پس از رفتار خشونت‌آمیز همسر، معمولاً زنان دچار فشار روانی و آسیب روحی جدی

می‌شوند. همان‌گونه که پیش‌تر گذشت، ممکن است آنان دچار درماندگی شوند و در برابر مسائل بعدی کاملاً منفعل گردند، یا ممکن است به واکنش‌های نامناسب روی آورند و مشکل را با کسانی در میان گذارند که فقط به تشدید آن بیانجامد. گاه اهمیت زندگی خانوادگی یا مشکلات مالی و یا تصور پیامدهای ناگوار جدایی و طلاق، آنان را به پذیرش خشونت می‌کشاند و این امر سبب استمرار خشونت‌ورزی همسر می‌شود. به علل فوق، آگاهی زنان دچار خشونت از وظایف خود، در این اوضاع ضروری است.

نخستین وظیفه زنان پس از رفتار خشونت‌آمیز، بازسازی روانی خود و برنامه‌ریزی برای جبران آسیب‌های ناشی از خشونت همسر است. زن خشونت‌دیده لازم است با بررسی ابعاد گوناگون زندگی خانوادگی، همسر و شخصیت خود، به ترمیم عزت نفس و اعتماد به نفس خویش بپردازد. استفاده از حمایت اجتماعی و متخصصان برای بیشتر زنان در این اوضاع ضروری است.

پس از نیل به آرامش و برقراری تعادل نسبی، وظیفه دوم زنان مذاکره با همسر است. این مذاکره باید در وضعی آرام و دور از تنش صورت گیرد. زن در مذاکره می‌باید خشونت را با هم‌فکری همسر ریشه‌یابی کند. سپس اصل کاربرد این روش را زیر سؤال ببرد و با روش‌های مناسب همسر را قانع سازد که بکوشد از این روش برای حل مسائل زندگی استفاده نکند. در صورت

نپذیرفتن همسر، استفاده از روش‌های تغییر نگرش برای او ضروری است. در این مذاکره انتظارهای زن و شوهر از یکدیگر باید بیان شود و زمینه‌ای فراهم گردد که هر دو با کمک هم روشی برای پیشگیری از بروز دوبارهٔ خشونت در پیش گیرند.

پس از مذاکره با همسر، زن باید با آگاهی از وضعیت همسر و پیش‌بینی اوضاع فراروی، برای آینده برنامه‌ریزی کند. وی می‌باید متناسب با شخصیت همسر و وضعیت روابط، روش‌های مؤثر را برای پیشگیری از خشونت تعیین کند و شیوهٔ به‌کارگیری آن را برای خود روشن سازد. همچنین لازم است وی، زمینه‌های عاطفی و رفتاری خود را که در بروز خشونت همسر مؤثر بوده، شناسایی و برای اصلاح آنان برنامه‌ریزی کند.

استفاده از حمایت اجتماعی خویشان، همسایگان و دوستان، در همهٔ مشکلات زندگی از جمله اختلاف خانوادگی و خشونت همسر، ضروری است و می‌تواند در بازسازی شخصیت زن و اصلاح اوضاع بسیار مؤثر باشد. زنان خشونت‌دیده گاه آسیب روانی و خشم خود را از خشونت همسر، به‌صورت شکایت و انتقاد تند و بدگویی از او، توهین به وی و تحقیر، زشت شمردن و مقصر دانستن او نزد دیگران بروز می‌دهند. هرچند این رفتارها به تخلیهٔ هیجانی زن کمک می‌کند، مشکل را معمولاً حل نکرده، گاه تشدید می‌کند.

متون اسلامی نیز شکایت زن از شوهر را

نمی‌پذیرند و آن را زشت می‌شمارند.<sup>۱</sup> بر این اساس، زن برای کسب حمایت اجتماعی دیگران و برون‌ریزی، باید حل مشکل را کانون توجه قرار دهد و بنای شکایت نداشته باشد؛ بلکه حالت روانی خود را بیان کند و راهنمایی و حمایت عاطفی بخواهد. نکتهٔ مهم در این فرآیند، انتخاب فرد مناسب و دارای ویژگی‌های لازم برای راهنمایی و حمایت از زن است. زن آسیب‌دیده باید فردی را برگزیند که امانت‌دار و رازنگهدار، دلسوز و مهربان باشد؛ ظرفیت روانی کافی برای درک مشکل و همدلی داشته باشد؛ و از درک اجتماعی و دانش کافی برای مواجهه با مشکل برخوردار باشد.

استفاده از مشاورهٔ تخصصی در همهٔ این فرآیندها می‌تواند کمک‌های بسزایی در اختیار زنان قرار دهد. برای تیل به‌سازگاری، حالت تعادل و آرامش و رهایی از تنش و بحران، استفاده از راه‌هایی که مشاوران در اختیار می‌نهند، می‌تواند برای زنان مفید و مؤثر باشد. به سبب اصول مهمی که مشاوران رعایت می‌کنند و امانت‌داری و رازداری از مهم‌ترین آن‌هاست، هم‌فکری و در میان گذاشتن مشکل با آنان بسیار بهتر و مؤثرتر از طرح مشکل برای آشنایان است. اگر خشونت تکرار شود و زن نتواند از آن پیشگیری کند و حقوق‌اش همواره زیر پا گذاشته شود و به او آسیب‌های جدی وارد شود، مراجعه به دستگاه قضایی، راهی

گریزناپذیر است. اینکه در چه شرایطی به زن خشونت‌دیده توصیه شود که به مراجع انتظامی و قضایی مراجعه کند، به شخصیت زن، موقعیت اجتماعی، زندگی خانوادگی وی و اموری دیگر بستگی دارد. میزان تحمل و ظرفیت زن، نیز حد و درجهٔ و میزان تکرار خشونت و درجهٔ آسیب‌دیدگی وی، از عوامل مهم تأثیرگذار بر این فرآیند است.

#### ۴ نقش مردم و نهادهای اجتماعی در برابر خشونت خانگی

یکی از مسئولیت‌های آحاد مردم در قبال یکدیگر، امر به معروف و نهی از منکر است که در آموزه‌های دینی بسیار بر آن تأکید شده است. از موارد معروف، رفتار مناسب و پسندیده در خانواده، به‌ویژه با همسر است و در برابر، بدرفتاری و آزار همسر از موارد منکر به‌شمار می‌آید. بر پایهٔ آیات قرآن، آحاد مردم، نهادها و سازمان‌های اجتماعی وظیفه دارند رفتار مناسب در خانواده را به مردان و زنان سفارش کنند و نیز آنان را از بدرفتاری، خشونت و آزار در خانواده بازدارند و نهی کنند. وظایف آحاد مردم و نهادها در جامعهٔ اسلامی، در زمینهٔ پیشگیری و رویارویی با خشونت خانگی بر پایهٔ اصل امر به معروف و نهی از منکر چنین است:

#### الف) مسئولیت خویشاوندان و همسایگان

هرچند مسئولیت همهٔ مردم، پیشگیری و رویارویی با خشونت خانگی برخی مردان است؛ این مسئولیت، نخست بر عهدهٔ افراد





مناسب او برای پدر و مادرش منافع دنیوی و اخروی به دنبال دارد.<sup>۲</sup> بی‌تردید، والدین بیش از هر فرد دیگری می‌توانند بر رفتار او تأثیر عمیق بگذارند و از این‌رو، لازم است وی را از این کار باز دارند و

۲. و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً و خیر املاً (کهف: ۴۶).

از آزار و بدرفتاری با هم بازدارند. مردی که با همسرش بدرفتاری می‌کند و به بیانی دیگر به او ستم می‌کند و آزارش می‌دهد، پیامدهای بد دنیوی و اخروی‌ای را پیش روی خواهد داشت که چه بسا دامن والدین او را نیز، در صورت عدم واکنش، می‌گیرد؛<sup>۱</sup> همان‌گونه که رفتار

۱. ر.ک: کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۳۳.

نزدیک به خانوادهٔ خشونت‌دیده، مانند خویشان و همسایگان است. البته اگر آنان به این مشکل توجه نکنند، مسئولیت بر عهدهٔ افراد دیگری خواهد بود. در میان خویشان، پدر و مادرِ زوج، به‌ویژه شوهر، نخستین کسانی هستند که باید در رابطهٔ خشونت‌آمیز زن و شوهر دخالت کرده، آنان را

پیامدهای ناخوشایند آن را به او گوشزد کنند. چنان‌که والدین مرد در قبال خشونت خانگی فرزندشان سکوت کنند و واکنش مناسبی نشان ندهند، یا به‌گونه‌ای او را تأیید و ترغیب کنند، پیامدهای بد دنیوی و اخروی ظلم فرزندشان، گریبان آنان را نیز خواهد گرفت. همچنین، سکوت والدین زن و تن دادن به ستم بر فرزندشان و خشونت با او، از نظر اسلام پذیرفته نیست و برخی پیامدهای بد ظلم را شامل آنان نیز خواهد ساخت.

در مرتبه بعد، مسئولیت بازاری مرد از خشونت خانگی بر عهده دیگر خویشان اوست. همان‌گونه که آموزه‌های اسلام در بعد اقتصادی، خویشان را در تکالیف مالی مقدم می‌دارند<sup>۱</sup>، اقوام در بازاری افراد از ستم کردن و خشونت‌ورزی و تأثیرگذاری بر مرد خشونت‌گری که از خویشان است، اولویت دارند. اینکه قرآن برای حل ناسازگاری زن و شوهر توصیه کرده است دو داور از خویشان مرد و زن انتخاب شوند<sup>۲</sup> نشان می‌دهد که خویشان، در حل مشکلات، از جمله خشونت، می‌باید نقش فعال‌تری داشته باشند؛ بنابراین برخی از خویشان که ویژگی‌های لازم را برای حکمیت دارند باید در فرآیند خشونت خانگی دخالت کرده، مرد را از آزار زن بازدارند. همسایگان آگاه از خشونت خانگی نیز، در پیشگیری و مقابله با آن مسئول‌اند. آنان

۱. از جمله این موارد، زکات فطره است. ر.ک: طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۶۵.

۲. ر.ک: نساء: ۳۵

باید بکوشند با هر شیوه منطقی و معتدلی، مرد را از آزار همسرش بازدارند.<sup>۳</sup> از مواردی که ابراز خشم در آن لازم شمرده شده، مشاهده رفتار ناپسند دیگران است.<sup>۴</sup> وقتی مردی با همسرش خشونت‌آمیز و ظالمانه رفتار می‌کند، لازم است دیگران نخست، با نصیحت او را از این شیوه رفتاری باز دارند، سپس رابطه خود را با او قطع کنند؛ و اگر دست از رفتار ناپسندش برنداشت، او را عملاً از اعمال خشونت باز دارند؛ هرچند به آزار جزئی وی بیانجامد.<sup>۵</sup> در سخنان اولیای دین، از مردم خواسته شده است تا در برخورد با فردی که مرتکب رفتار ناپسند که خشونت خانگی نیز از جمله آن‌ها است، شده است، چنین بگویند: ای فرد، یا از ما دوری گزین و منزوی شو یا از این رفتارت دست بردار. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر از رفتار ناپسندش دست برداشت از او دوری کنید.»<sup>۶</sup> و بر این اساس، اهل یک محل، ساکنان یک مجتمع یا امثال آن لازم است در قبال خشونت‌های خانگی که در محدوده آن‌ها روی می‌دهد حساس باشند و بکوشند از آن پیشگیری کنند و در صورت بروز، آن را مرتفع سازند، وگرنه آن ظلم دامان ایشان را نیز خواهد گرفت.

مشکلی که در زمینه مسئولیت همسایگان وجود دارد، دخالت در حریم خصوصی خانواده

۳. ر.ک: حر عاملی، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۴۴، باب وجوب هجر فاعل المنکر و التوصل الی ازالته بکل وجه ممکن.

۴. ر.ک: همان، ص ۱۴۶، باب وجوب الغضب لله.

۵. ر.ک: همان، ص ۱۴۵.

۶. ر.ک: همان، ص ۱۴۶.

دچار خشونت است. هرچند ورود به حریم خصوصی خانواده برای دیگران جایز نیست، اگر دیگران به‌گونه‌ای آگاه شوند که در خانه‌ای خشونت روی می‌دهد، لازم است با خبر دادن به مراجع قانونی مانع تشدید خشونت شوند. افزون بر این، همسایگان می‌توانند مسئولیت خود را در زمینه نهی از منکر (خشونت)، بیرون فضای خانه محل خشونت انجام دهند. در این وضعیت، به مرد خشونت‌ورز تذکر می‌دهند که از انجام چنین رفتاری خودداری کند. البته مسئولیت دیگران در پیشگیری از خشونت، در موقعیت‌هایی که احتمال آسیب بدنی یا روانی آن‌ها وجود دارد، ساقط می‌شود و در این موقعیت‌ها مراجع انتظامی و قضایی باید در موارد حاد و بحرانی از بروز مکرر خشونت جلوگیری کنند.

### ب) مسئولیت نهاد روحانیت

جامعه روحانیت، از علما و مراجع تا طلاب، طی قرن‌ها در ترویج دین‌داری و اخلاق در کشورهای اسلامی و به‌ویژه ایران، نقشی فعال داشته‌اند. معمولاً آنان امین مردم و پناهگاه آنان در حل مشکلات مختلف از جمله امور خانوادگی بوده‌اند.

ارتباط با روحانیان، بسیار آسان است و هرکس با مراجعه به یک مسجد هنگام نماز، می‌تواند آنان را ملاقات کند و مسائل خویش را با ایشان در میان گذارد. روحانیان، با آگاهی از متون اسلامی، به حل و فصل مسائل مردم می‌پردازند. آنان در مشکل

خشونت خانگی نیز می‌توانند مسئولیت‌های بزرگی را بر عهده گیرند. در این مقام، بدون بازخوانی تلاش‌های جامعه روحانیت در حل مشکلات رفتاری و فرهنگی مردم، وظایف آنان را در پیشگیری و مقابله با خشونت خانگی برمی‌شماریم.

نخستین مسئولیت جامعه روحانیت که بر عهده مراجع و مجتهدان است، بررسی دوباره موضوع خشونت خانگی و صدور فتوای ناظر به این رفتارها با توجه به وضعیت زمانی ایران و کشورهای اسلامی است. هرچند حرمت خشونت خانگی و آسیب رساندن به زن را می‌توان از مباحثی مانند حرمت ظلم، آزار دیگران، ضرر رساندن به دیگران به‌طور کلی استنباط کرد، پرداختن به این موضوع به‌گونه‌ای ویژه و صدور فتوا در امور جزئی، می‌تواند موجب روشن ساختن موضوع شود و تکلیف مردان را دقیقاً معین سازد. همچنین محدوده ریاست مرد، نحوه اعمال مدیریت او در خانواده و چارچوب روابط زن و شوهر از اموری است که با توجه به زمان حاضر، تحقیق و بررسی دوباره‌ای را می‌طلبد.

مسئولیت دیگر که بیشتر بر عهده پژوهش‌گران دینی است، گردآوری و تدوین راه‌های پیشگیری از خشونت خانگی بر اساس متون اسلامی است. متون اسلامی از رأفت و رحمت در روابط، حمایت اجتماعی، عدالت میان فردی و دوری از ستم آنان به دیگران، فضایل اخلاقی، مدارا، رفق و امور بسیاری سخن گفته‌اند که می‌توان با استفاده از آن‌ها راهکارهای

**نخستین نکته آن است که زن در آغاز ازدواج، پیمان محکمی از شوهر گرفته است. این پیمان، همان قراردادی است که بین زن و مرد با عنوان زوجیت برقرار می‌شود و مرد باید از این پس، همه وظایف مقرر درباره زن را انجام دهد که یکی از آن‌ها همان معاشرت مناسب و پسندیده است. این پیمان بسیار محکم است. افزون بر این، مرد خود پای‌بندی به حقوق همسر را تعهد و اعلام کرده است و بر این اساس اجبار همسر، کوتاهی در ادای حقوق او و هرگونه برخورد نامناسب با او روا نیست.**

مؤثری برای برقراری روابط رضایت‌بخش و پیشگیری از آن خشونت خانگی تدوین کرد. این پژوهش‌گامی کوچک در همین راه است. مسئولیت سوم که بیشتر بر دوش مبلغان دینی است، کوشش برای تغییر نگرش‌ها درباره زن، روابط خانوادگی و مسئولیت‌های همسران در خانواده است. روحانیان مبلغ، با توجه به گستردگی ارتباطات با مردم و نفوذ کلامشان در میان آنان و نیز با نظر به اینکه در اغلب شهرها و روستاها حضور دارند، می‌توانند در جهت تغییر نگرش مردان به مدد سخنان پیامبر ﷺ و اولیای دین گام‌های بلندی بردارند. مسئولیت چهارم روحانیان، آموزش راه‌های نیل به سازگاری و حل مؤثر اختلاف‌های خانوادگی است. مبلغان می‌توانند بخش

مهمی از مباحث خود را به این امور اختصاص دهند و با ارائه راهکارهای عینی و رفتاری، آداب و اخلاق زندگی خانوادگی را به مردم بیاموزند. هرچه مردم در این زمینه رشد کنند، خشونت خانگی کم‌تر خواهد شد. مسئولیت پنجم روحانیان در این زمینه، ترویج دین‌داری و اخلاق نیکو در خانواده است. فضای معنوی و جایگاه مناسبی که روحانیون در اختیار دارند، زمینه بسیار مناسبی برای تأثیرگذاری بر خانواده‌ها و آموزش دین‌داری و اخلاق به آن‌هاست. مردم در بهترین وضعیت معنوی و روانی و با آمادگی نسبتاً بالا در

ماه‌های رمضان، محرم، صفر و برخی ماه‌های دیگر، خود را در معرض نصیحت و آموزش مبلغان اسلامی قرار می‌دهند. روحانیان نیز می‌توانند با برنامه‌ریزی مناسب و آگاهی کافی از متون اسلامی و شیوه زندگی پیامبر ﷺ و اولیای دین، مردم را در زمینه اخلاق و دین‌داری تقویت کنند. هرچه اخلاق و دین‌داری مردم تقویت شود، اختلاف‌ها و خشونت‌های خانگی کاهش خواهد یافت. دیگر مسئولیت روحانیان، ارائه کمک‌های مشاوره‌ای به‌صورت تلفنی یا حضوری به خانواده‌های دچار خشونت است. اگر روحانی با مهارت‌های مشاوره آشنا باشد، می‌تواند با نفوذ معنوی و دینی خود، افزون بر ایجاد آرامش و تعادل در افراد، در پیشگیری از آن، نقش مهمی ایفا کند. موقعیت دینی و معنوی یک روحانی، در پرتو اتکا و استناد به متون اسلامی، به او در مقایسه با یک مشاور مزبیتی می‌بخشد که



اسلامی در پیشگیری از آن اساسی است. برخورد با موارد شدیدتر خشونت خانگی، به احکام اسلامی در محدوده دیات و قصاص که در چارچوب وظایف دولت اسلامی است، نیاز دارد و از این رو، دخالت دولت اسلامی در آن ضروری است. افزون بر این، در شیوه حکومتی امام علی علیه السلام برخورد با خشونت

می‌باید توان خویش را مصروف پیشگیری از آن و دفاع از خشونت‌دیدگان کنند. خشونت خانگی غالباً در محدوده خصوصی خانه روی می‌دهد؛ اما از آنجا که یک رفتار نامناسب شخصی به‌شمار نمی‌آید و بر اثر آن، حقوق فردی دیگر یعنی همسر پایمال می‌شود، نقش همه مردم از جمله دولت

می‌تواند اثرگذاری وی را عمیق‌تر و فراگیر سازد.

### ج) مسئولیت‌های دولت اسلامی

دولت‌مردان اسلامی باید مردم را از رفتارهای ناپسند باز دارند و خشونت خانگی به منزله یکی از مصداق‌های ستم و آزار، باید کانون توجه دولت اسلامی قرار گیرد و مسئولان



خانگی در حق زنان اهمیت داشت؛ به گونه‌ای که ایشان در هوای بسیار گرم شهر کوفه به دادخواهی زنی می‌پردازد که آماج خشونت و آزار همسرش قرار گرفته بود.<sup>۱</sup>

بر این اساس، مسئولیت حکومت اسلامی نیز در زمینه خشونت خانگی ثابت و قطعی می‌شود. اکنون با روشن شدن مسئولیت دولت اسلامی، به وظایف حکومت در پیشگیری از خشونت خانگی و مقابله با آن می‌پردازیم:

**یک) قانون‌گذاری:** در زمینه خشونت خانگی لازم است قوانینی متناسب با اوضاع و مقتضیات زمان تدوین شود. در این قوانین باید با تعریف دقیق خشونت خانگی و بیان گونه‌های آن، محدوده خشونت مجرمانه معین شود. در مرحله بعد، با تفسیر قوانین موجود، زمینه سوءتعبیرها و تفسیر بد از آن‌ها برطرف شود. بدیهی است تفسیر غلط از برخی قوانین در حقوق خانواده، موجب ایجاد برخی از موارد خشونت خانگی یا استمرار آن‌ها می‌شود. در مرحله سوم، لازم است قوانینی برای بازداري از خشونت وضع گردد؛ مثلاً قانونی که از ازدواج‌های اجباری به شدت جلوگیری کند. در مرحله چهارم نیز لازم است حمایت‌های ویژه‌ای از زنان، به‌ویژه زنان تحت خشونت خانگی در قانون مقرر شود. از آنجا که زنان در خانواده از نظر بدنی و روانی در مقایسه با مردان در موضع پایین‌تری قرار دارند، لزوم حمایت قانونی ویژه از آنان، کمی وضعیت را به حالت تعادل سوق می‌دهد.

۱. ر.ک: مجلسی، پیشین، ج ۴۱، ص ۵۷.

**دو) آموزشی:** از آنجا که بخش مهمی از نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی، تحت نظارت مستقیم دولت است و بخش دیگر نیز باید برنامه‌های حکومت را دنبال کند، می‌توان از این فرآیند برای آموزش، بسیار بهره برد. قرار دادن موضوع خشونت خانگی در برنامه‌های آموزشی از دبیرستان برای دختران و پسران، سپس استمرار آن‌ها در مراکز آموزش عالی، برنامه‌ریزی برای کمک به غربال‌گری موارد خشونت و گزارش‌گیری از مدارس در این خصوص، آموزش اولیا و مربیان در زمینه خشونت و ارجاع قربانیان به مراکز ذی‌ربط، از مسئولیت‌های نهاد آموزش کشور در زمینه خشونت خانگی است. وزارت بهداشت و درمان نیز باید در برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی در مراکز مختلف از جمله ادارات، کارخانه‌ها و دیگر مراکز اداری و صنعتی نقشی فعال داشته باشد.

**سه) فرهنگی:** از آنجا که هدایت همه فعالیت‌های فرهنگی در حکومت اسلامی بر عهده دولت است، برنامه‌ریزی و ایفای نقش فعال در این زمینه ضرورت دارد. صدا و سیما و برنامه‌ریزان صنعت فیلم و نمایش در وهله نخست باید از تهیه و پخش صحنه‌های مروج خشونت خانگی پیشگیری کنند و در مرحله بعد با تولید برنامه‌های مختلف، پیشگیری از خشونت خانگی و مقابله با آن را آموزش دهند. صدا و سیما باید برنامه‌های آموزشی مؤثری با بهره‌گیری از متخصصان مختلف از جمله کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی

ترتیب دهد. آموزش روابط خانوادگی مؤثر و رفع سوءتفاهم‌ها در حدود وظایف زن و شوهر در خانواده، می‌تواند در فرهنگ‌سازی مقابله با خشونت بسیار مفید باشد.

**چهار) اقتصادی:** حمایت اقتصادی از همه مراکز دولتی و خصوصی‌ای که در زمینه پیشگیری از خشونت و مقابله با آن فعالیت می‌کنند از وظایف دولت است. افزون بر حمایت اقتصادی از فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی، تأمین هزینه‌های پژوهش‌ها در زمینه خشونت خانگی، از جمله طرح‌های شناسایی موارد خشونت و طرح‌های تدوین بسته‌های آموزشی در این زمینه، از وظایف دولت اسلامی است. همچنین پرورش نیروهای متخصص در زمینه خشونت خانگی و حمایت از مراکز مشاوره بسیار مهم است؛ زیرا در صورت عدم تأمین بودجه کافی، این امور پیگیری نخواهند شد.

**پنج) حمایت همه‌جانبه از نهاد خانواده:** با توجه به اهمیت و اصالت نهاد خانواده که پیش از این، بارها از آن سخن گفتیم، لازم است دولت اسلامی به تقویت بنیه اقتصادی خانواده‌ها و افزایش سلامت روانی و جسمی اعضای خانواده اهتمام بسیار ورزد. دولت اسلامی باید در زمینه ترویج ازدواج‌ها و کاهش اختلافات خانوادگی و طلاق‌ها، سرمایه‌گذاری ویژه‌ای کند. تأمین امکانات مراکز آموزش و مشاوره خانواده و تأمین بخشی از هزینه‌های آن، در این فرآیند اهمیت فراوان دارد.

زن بسیار آسان‌تر از پلیس مرد است. زن باید احساس کند که با مراجعه به نیروی انتظامی در نظام اسلامی، همدردی، توجه، حساسیت و حمایت را برای خود تأمین می‌کند. تأمین امنیت زن خشونت‌دیده، نخستین وظیفه پلیس است. سپس انجام مقدمات احقاق حق و رفع ستم از او، باید با قاطعیت و درستی صورت گیرد. به این جهت، در صورت احتمال خشونت بیشتر همسر و آسیب بدنی و جانی زن، نظام اسلامی وظیفه دارد به هر شکل، محل امنی برای زن فراهم کند.

در مدت اسکان موقت زنان تحت خشونت، ارائه خدمات مشاوره‌ای و حقوقی، برقراری ارتباط با بستگان آنان، ارائه خدمات رفاهی و بهداشتی و آموزش مهارت‌های شغلی، می‌باید در دستور کار قرار گیرد. در صورتی که مشکل این زنان استمرار یابد و احتمال آسیب دیدن دوباره آنان وجود داشته باشد، کمک‌های مالی بلاعوض برای تأمین نیازمندی‌های زندگی و حتی تأمین مسکن ایشان لازم است. همه تلاش‌ها در راستای بازگشت زنان خشونت‌دیده به خانواده و تأمین سلامت آنان در آن چارچوب است.

در مراحل بعد، دادگاه‌ها و قضات باید با تسریع روند دادرسی به رفع ستم از زن خشونت‌دیده بپردازند. آموزه‌های اسلامی که پیش از این بیان شد، روا نمی‌دارند که زن تحت خشونت در رفع ستم از خود با موانع و مشکلات متعدد روبه‌رو باشد و روند دادرسی به‌قدری طولانی شود که او را از احقاق حق خود منصرف سازد.

دست‌کم بخشی از هزینه‌های این امور را بپردازد. نکته با اهمیت در این حمایت‌ها، توجه به اصالت خانواده و حمایت اولیه از آن است؛ بنابراین حمایت اقتصادی از زنان تحت خشونت و مردان خشونت‌ورز باید با هدف تقویت خانواده‌های آنان و برقراری روابط سازنده بین اعضای‌شان صورت گیرد. دیدگاه اسلامی و نگرش‌های فمینیستی در این زمینه تفاوت اساسی دارند. محور فعالیت‌های نظام اسلامی در موضوع خشونت خانگی، فرد فرد انسان‌ها و خانواده‌ها هستند و حمایت از زن یا مرد در حکومت اسلامی به اعتبار انسانیت آنان است نه برتری یکی بر دیگری. در این نظام، اهتمام اصلی، معطوف به خانواده است؛ زیرا زن و مرد فقط در چارچوب خانواده سالم به رشد و تعالی می‌رسند.

#### هفت) قضایی و امنیتی: اگر چه بعد

قضایی یافتن خشونت‌های خانگی باید به موارد حاد که از طرق مسالمت‌جویانه قابل حل نیست، تقلیل یابد؛ اما در صورت مراجعه زن به قوای انتظامی، لازم است پلیس آمادگی لازم برای مداخله ثمربخش را داشته باشد. بدین منظور لازم است نیروهای پلیس در زمینه خشونت خانگی و شیوه برخورد با قربانیان و عاملان آن، به‌خوبی آموزش ببینند. اقتدار، حساسیت و دلسوزی در کنار آشنایی با برخورد دقیق قانونی با زن خشونت‌دیده و مرد خشونت‌ورز از شرایط لازم برای پلیس است. در این زمینه وجود پلیس زن می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد. درک مشکل زنان، برای پلیس

بسیاری از مردان تصورات نادرستی درباره وظایف زن در خانه و خانواده دارند. آنان غذا پختن، خدمات مربوط به آن تا پایان کار، نظافت و اداره خانه، رسیدگی به فرزندان و در یک‌کلام، همه مسئولیت‌های درون خانه را بر عهده زن می‌دانند. بسیاری از مردان، مسئولیت خود را فقط کار بیرون از خانه می‌دانند و زن را خدمتگزار خویش در درون خانه می‌شمارند. وقتی مرد زندگی مشترک را با چنین برداشتی آغاز می‌کند، توقعات او از همسرش بسیار بالاست و همین امر زمینه اختلاف و گاه خشونت را در خانه فراهم می‌سازد.

#### شش) حمایت از خانواده‌های آسیب‌پذیر و زنان

تحت خشونت. دولت باید بودجه ویژه‌ای برای رفع مشکلات خانواده‌های در معرض خشونت و رفع مشکلات زنان آسیب‌دیده اختصاص دهد. زنان تحت خشونت باید بتوانند هزینه‌های حقوقی تأمین حق خود و رفع ستم و آزار از خود را به‌راحتی تأمین کنند. آنان برای بازسازی روانی خود به مشاوره‌های تخصصی نیاز دارند. بیشتر این زنان و خانواده‌ها، برای گذران امور روزمره خود درآمد کافی ندارند، چه رسد به اینکه هزینه‌های مشاوره و اصلاح رفتار و آموزش مهارت‌های زندگی را بپردازند. مردان خشونت‌ورز باید مشاوره و درمان شوند و در این زمینه لازم است دولت

## مدل‌های مداخلاتی مطرح در جهان در زمینه همسرآزاری

در ذیل به برخی از مدل‌های مداخلاتی مطرح در جهان در زمینه همسرآزاری اشاره می‌کنیم. روشن است که می‌توان از تجربه‌های دیگر کشورها در این موضوع مشترک برای روزآمد و اثربخش کردن شیوه‌های مقابله با این پدیده در ایران بهره گرفت.<sup>۱</sup>

### ۱) حمایت از قربانیان

در کشورهای توسعه یافته، مراکز بحران و پناهگاه‌های زنان آزر دیده، سنگ بنای برنامه‌های قربانیان خشونت خانگی است. این مراکز، خدماتی مانند گروه‌های حمایتی، مشاوره فردی، آموزش شغلی، برنامه‌هایی برای کودکان، کمک برای اخذ حمایت‌های اجتماعی و حقوقی و ارجاع جهت ترک سوء مصرف الکل و مواد را فراهم می‌کنند. بیشتر این مراکز در اروپا و آمریکا توسط فعالان زنان پی‌ریزی شده‌اند؛ اما اکنون بیشتر توسط افراد حرفه‌ای اداره می‌شوند و کمک‌های دولتی دریافت می‌کنند. برخی از کشورها از تعداد معدودی از این مراکز برخوردارند و برخی بیشتر. با این حال، اداره این مراکز بسیار هزینه‌بر است و بیشتر کشورهای در حال توسعه، ایجاد مراکز بحران غیراقامتی و خطوط بحران را که همان خدمات را ارائه می‌دهند، ترجیح می‌دهند. استفاده از خانه‌های امن در محله‌ها که قربانیان بتوانند نزد همسایگان خود به‌طور موقت ساکن شوند و یا استفاده از مراکز مذهبی برای پناه دادن به قربانیان و فرزندان‌شان از دیگر اقدامات از این نوع بوده است.

### ۲) راهکارهای قانونی و اصلاحات قضایی

در دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۰ موجی از اصلاحات قانونی مربوط به آزار جنسی و جسمی همسران رخ داد. در سال‌های بعد، بر شمار کشورهای که این قوانین را وضع کردند، افزوده شد و همچنان در حال افزایش است. بیشتر این اصلاحات شامل جرم تلقی کردن سوء استفاده جسمی، جنسی و روان‌شناختی از سوی همسران است که یا از راه وضع قوانین جدید و یا

بازنگری در قوانین پیشین صورت گرفته است. تأسیس دادگاه‌های خشونت خانگی (خانواده)، آموزش پلیس، متصدیان قضایی و وکلا و نیز تربیت افرادی که بتوانند در این زمینه مشاوره‌های حقوقی ساده ارائه کنند، از اقدام‌های الحاقی این دست از مداخلات است.

### ۳) مداخلات مربوط به خدمات بهداشتی

در سال‌های اخیر، نگاه به برنامه‌های مداخلاتی تغییر کرده است و به سمت بازنگری در پاسخ‌گویی تأمین‌کنندگان مراقبت بهداشتی متمایل شده است. بسیاری از زنان در دوره‌هایی از زندگی خود، مثلاً برای پیشگیری از بارداری یا رفع مشکلات فرزند، با سیستم بهداشتی تماس پیدا می‌کنند. این مسئله، سیستم بهداشتی را به جایگاه مهمی برای شناسایی سوء رفتار با زنان، فراهم کردن حمایت و در صورت نیاز، ارجاع به خدمات تخصصی تبدیل می‌کند. کشورهای بسیاری مانند برزیل، ایرلند، مالزی، مکزیک، نیکاراگوئه، فیلیپین و آفریقای جنوبی، برای آموزش کارکنان سلامت برای شناسایی و پاسخ‌گویی به خشونت علیه زنان، پروژه‌های مقدماتی اجرا کرده‌اند. البته باید گفت که آموزش بیشتر برای افزایش سطح آگاهی و ظرفیت گروه‌های گوناگون کارکنان حوزه بهداشت روان شامل روان‌پزشک، پزشک، روان‌شناس، مشاور، روان‌پرستار و مددکار، برای کمک به قربانیان خشونت ضروری به نظر می‌رسد.

### ۴) مدل دولوت - مینه‌سوتا

«پروژه مداخله در همسرآزاری دولوت- مینه‌سوتا»<sup>۲</sup> که به نام مدل دولوت هم شناخته می‌شود، اولین طرحی بود که با هماهنگی و همکاری فعالیت‌های مداخله‌ای در دفتر عدالت کیفری انجام شد. این مدل بر این پیش‌فرض مبتنی است که خشونت نوعی کنترل است و برای تغییر الگوهای خشونت باید نیاز به کنترل و کاربردهای آن را شناخت. طبق این مدل، جامعه در قبال زنانی که از همسران‌شان خشونت می‌بینند، مسئول است و لازم است برنامه‌های مداخلاتی مربوط به مردان خشونت‌گر در

۲. Duluth Minnesota domestic abuse intervention project

۱. محتوای این بخش برگرفته شده است از: رسولیان، مریم و دیگران، پیشین، ص ۴-۷.



گرفته‌اند. گونه‌های رایج مداخله در بحران عبارت‌اند از مداخلات اولیه توسط گروه‌های پلیسی و واحدهای کمک به قربانی، ارزیابی و تشخیص در بخش اورژانس بیمارستان، فناوری الکترونیک برای حمایت از زنان آسیب‌دیده و در معرض خطر قریب‌الوقوع، مداخلات خاصی که توسط خطوط بحران و پناهگاه‌های زنان کتک خورده انجام می‌شود و درمان کوتاه‌مدت کودکان قربانیان. در بین مداخلات کوتاه‌مدت در مورد همسرآزاری، امیدبخش‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: خطوط بحران ۲۴ ساعته، گروه‌های حمایتی، پناهگاه‌های زنان خشونت‌دیده و روان‌درمانی بویژه با رویکرد شناختی- رفتاری است.

شبکه‌ای گسترده‌تر خدمات خشونت خانگی ارائه شود. فکر حمایت از زندانی کردن ممکن است در پیوند با راهبرد مبتنی بر مشاوره و مداخله، در مورد خشونت‌گران مؤثر واقع شود. آموزش، هیچ‌گاه خنثی نبوده و نباید خنثی باشد. به‌طور خلاصه، این مدل، مدلی میان‌بخشی است که با هدف حمایت از قربانیان آزار در جامعه، مداخلات قانونی و خدمات مشاوره‌ای و مداخلاتی را با هم ترکیب می‌کند.

#### ۵) سایر مداخلات کوتاه‌مدت

گروهی از مداخله‌ها در مورد همسرآزاری، «مداخله در بحران»<sup>۱</sup> نام

1. crisis intervention



## تدابیر و شیوه‌های مداخلاتی در زمینه همسرآزاری در ایران

در ایران تدابیر و اقداماتی برای حمایت از زنان آزاردیده اجرا می‌شود و مراکزی در این زمینه فعال هستند که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### منابع اجتماعی

منابع اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی به کلیه ظرفیت‌های دولتی و غیردولتی موجود در جامعه اشاره دارد که با اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های تخصصی مرتبط با گروه هدف و موضوعات مربوطه به ارتقاء کیفیت زندگی مردم و توسعه شاخص‌های سلامت اجتماعی در حوزه‌های مربوطه می‌پردازند. در این بخش کلیه سازمان‌ها، وزارت‌خانه‌ها، دستگاه‌های موجود در سطوح مختلف کشور (استان، شهرستان، شهر، بخش و روستاها) مدنظر قرار گرفته شده است. منابع اجتماعی فعال در موضوع همسرآزاری، شامل معرفی سازمان‌ها، انجمن‌ها و ارگان‌هایی است که در زمینه مبارزه و کنترل همسرآزاری در کشورمان تلاش می‌کنند.

### الف) منابع اجتماعی غیردولتی فعال در موضوع همسرآزاری

یک) انجمن حمایت و یاری به آسیب‌دیدگان اجتماعی (احیاء)  
دو) موسسه تحقیقاتی بهبود زندگی زنان  
سه) سازمان دفاع از قربانیان خشونت

### ب) مراکز علمی و تحقیقاتی فعال در موضوع همسرآزاری

یک) پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء  
دو) مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران  
سه) پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

### ۲) ساختارهای مرتبط با موضوع همسرآزاری الف) وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

وظایف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در خصوص همسرآزاری:  
یک) هماهنگی سیاست‌گذاری و نظارت در حوزه زنان

دو) پیشنهاد اصلاح یا اجرای قوانین مرتبط با حوزه خشونت خانگی به خصوص همسرآزاری  
سه) توسعه، تقویت و ساماندهی بیمه‌های اجتماعی، سلامت و خدمات حمایتی در حوزه زنان  
چهار) صلاح روش‌ها و سازوکارهای شناسایی و حمایت از زنان در معرض آسیب

پنج) حمایت از زنان آسیب‌دیده و در معرض خشونت شش) هماهنگی بخش‌های مختلف دولت در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در حوزه زنان  
هفت) حمایت از افراد جامعه در برابر رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و پیامدهای خصوصاً در زمینه بی‌سرپرستی.

### ب) سازمان بهزیستی کشور

وظایف سازمان بهزیستی در خصوص همسرآزاری:  
یک) پیشگیری از خشونت علیه زنان در سه سطح پیشگیری اول، دوم و سوم

دو) پذیرش زنان در معرض آزار و آزار دیده در قالب تیم‌های تخصصی سیار اورژانس اجتماعی  
سه) حمایت از زنان در معرض خشونت از طریق:  
\* همکاری با قوه قضائیه، دادگستری و پزشکی قانونی  
چهار) پذیرش و نگهداری از زنان در معرض خشونت و خشونت‌دیده فاقد سرپرست یا سرپرست مؤثر

پنج) مداخله در موارد وقوع همسرآزاری  
شش) حمایت مستمر از زنان آزاردیده در صورتی که شرایط برای بازگشت زن به محیط خانواده یا محیط امن وجود نداشته باشد.  
هفت) بسترسازی برای بازگشت زنان به محیط خانواده  
هشت) پذیرش زنان در معرض آزار و آزاردیده معرفی شده از سایر مراجع با هماهنگی قوه قضائیه

نه) جمع‌آوری و ثبت آمار و اطلاعات مربوط به خشونت خانگی در سازمان بهزیستی با توجه به چارت سازمانی سه دفتر مسئولیت

حمایت از زنان را برعهده دارند:

یک) حوزه معاونت امور اجتماعی شامل دفتر امور زنان و خانواده (دو) دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی مرکز توسعه پیشگیری که خود شامل حوزه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی (سه) دفتر خدمات، مشاوره و روان‌شناختی و نیز بخش مشارکت‌های مردمی می‌شود.

### ج) نیروی انتظامی

وظایف نیروی انتظامی در خصوص همسرآزاری:

یک) شناسایی زنان در معرض آزار در موارد مراجعه یا معرفی از سایر ارگان‌ها و یا مواجهه با موارد خشونت خانگی در حین انجام وظیفه و ارجاع به مراجع مرتبط از جمله واحدهای تابعه قوه قضائیه (دو) رسیدگی به شکایات با موضوع خشونت خانگی و ارجاع به مراکز مربوطه (سه) همکاری با سازمان‌های مختلف به منظور پیشگیری از خشونت خانگی (چهار) همکاری با سازمان‌های مسئول با هدف جمع‌آوری اطلاعات مربوط به خشونت خانگی و گزارش‌دهی جرائم و افزایش آگاهی مردم (پنج) اقدامات قانونی جهت تأمین امنیت زنان خشونت‌دیده شناسایی‌شده

### د) وزارت بهداشت

وظایف وزارت بهداشت در خصوص همسرآزاری:

یک) شناسایی زنان آزاردیده و ارائه خدمات درمانی (در صورت لزوم) و ارجاع به مراجع مرتبط (دو) همکاری با سایر سازمان‌های مرتبط با موضوع خشونت خانگی

### ه) قوه قضائیه:

وظایف قوه قضائیه در خصوص همسرآزاری:

یک) شناسایی و حمایت از زنان در معرض خشونت و خشونت‌دیده

دو) مداخله قضایی و حمایت قضایی از زنان در معرض خشونت و خشونت‌دیده فاقد سرپرست یا بد سرپرست به مراجع ذی‌ربط (سه) ارائه مشاوره و معاضدت‌های حقوقی و تشکیل پرونده برای زنان در معرض خشونت و خشونت‌دیده

چهار) اجرای قوانین مرتبط با حمایت از زنان

پنج) بررسی دعاوی مربوط به زنان در معرض خشونت و خشونت‌دیده

شش) تهیه و ارائه گزارش از وضعیت زنان و اتخاذ اقدامات حمایتی - قضایی از مراجع قضایی صالح

هفت) تدوین لوایح مرتبط در جهت حمایت از زنان در معرض خشونت و خشونت‌دیده

هشت) نظارت بر حسن اجرای آرا و تصمیمات مرتبط با زنان

### و) پزشکی قانونی

وظایف پزشکی قانونی در خصوص همسرآزاری:

بررسی وضعیت زنان خشونت‌دیده و پاسخ استعلام مراکز و نهادهای مرتبط

معمولاً زنان تحت خشونت، در نوعی بحران عاطفی و فشار

روانی به سر می‌برند. از این‌رو لازم است آنان در صورت

نیاز برای کشف علل خشونت، از مشاوران و متخصصان امور

خانواده کمک بگیرند. در میان علل بروز خشونت، امور زیر در

ایران شایع‌تر است:

ناکامی جنسی، بحران اقتصادی مانند کمی در آمد، بیکاری،

فشار شغلی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، تحریک خویشاوندان

و برخورد تند کلامی و غیرکلامی زن با مرد.

## ز) وزارت دادگستری

وظایف وزارت دادگستری در خصوص همسرآزاری:  
یک) رسیدگی قضایی و حمایت قضایی  
دو) تهیه گزارش کشوری در حوزه زنان  
سه) حمایت از زنان از طریق دفاتر حمایت از زنان و کودکان

## ح) وزارت کشور

وظایف وزارت کشور در خصوص همسرآزاری:  
یک) پیگیری موضوع خشونت خانگی در شورای اجتماعی کشور  
دو) هماهنگی با استانداری‌ها در خصوص خشونت خانگی در کارگروه امور فرهنگی-اجتماعی شورای برنامه‌ریزی استان  
سه) هماهنگی دستگاه‌های استانی در راستای کنترل و کاهش خشونت خانگی

## ط) صدا و سیما

وظایف صدا و سیما در خصوص خشونت خانگی به‌ویژه همسرآزاری:  
یک) انجام اقدامات مؤثر در قالب پیشگیری سطح اول و اطلاع‌رسانی در خصوص عواقب و آثار خشونت‌های خانگی بر افراد جامعه  
دو) افزایش آگاهی خانواده‌ها در خصوص محترم شمردن حقوق کلیه افراد خانواده

سه) نهادینه کردن فرهنگ تکریم زنان در جامعه  
چهار) تولید رسانه‌های تصویری هدف حمایت از

و شنیداری با حقوق زنان در جامعه



## ک) سایر دستگاه‌های مسئول در

### موضوع خشونت خانگی:

- یک) کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی
- \* بررسی موضوع خشونت علیه زنان از جنبه اجتماعی
- \* بررسی لوایح و موضوعات مرتبط با حوزه زنان
- \* ارائه طرح یا طرح‌های حمایت از زنان در معرض خشونت و خشونت‌دیده

### دو) کمیسیون قضایی - حقوقی:

- \* بررسی لوایح مربوط به حوزه خشونت علیه

فعالیت‌های این مرکز در چهار شکل مرکز مداخله در بحران فردی، اجتماعی خانوادگی با مراکز مستقر ثابت، خط تلفن ۱۲۳، خودروهایی سیار و پایگاه خدمات اجتماعی انجام می‌شود. مراکز ثابت در مناطق آسیب‌زا و عمدتاً حاشیه‌نشین است که حداقل یک روان‌شناس و یک مددکار در آن مستقر بوده و با فعالیت مددکاری اجتماع محور برای کمک به حل مشکلات مردم اقدام می‌کند. در حال حاضر در سراسر کشور ۱۷۸ مرکز پایگاه خدمات اجتماعی و ۲۹۸ خودروی خدمات سیار وجود دارد.<sup>۱</sup>

#### ۴) خانه‌های امن

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور اعلام کرد که در حال حاضر ۱۸ خانه امن برای زنان در معرض خشونت در کشور مشغول فعالیت هستند. وی گفت: در صددم تعداد خانه‌های امن را در ۳۳ استان کشور تعمیم دهیم. زنانی که دچار مشکلات خانوادگی شده‌اند، می‌توانند سه ماه در این خانه‌های امن اقامت کنند. تمایل نداریم کودک یا زنی که دچار مشکل است مجدداً به خانواده برگردد تا بازهم آزار ببیند. سعی می‌کنیم خانواده‌ها را مکان امنی برای این افراد کنیم تا مشکل آنان حل شود. هرچند ما در نهایت به قضات مشاوره می‌دهیم و نمی‌توانیم در این زمینه تصمیم‌گیری کنیم.

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با بیان اینکه در تلاش‌ایم تا اواسط سال آینده، خانه‌های امن را در ۱۵ استان باقی‌مانده راه‌اندازی کنیم گفت: در استان‌هایی که خانه‌های امن نداریم، مراکز مداخله بحران، افراد را اسکان می‌دهند. سال گذشته ۱۲۰۰ نفر را در ۱۸ خانه امنی که در کشور داریم پذیرش کردیم و در سال جاری نیز تاکنون ۸۰۰ مراجعه‌کننده به ثبت رسیده است.<sup>۲</sup>

#### کتابنامه

نکته:

فراهم آوردن و سامان دادن به این پرونده، بیش از هر منبع دیگری، مدیون کتاب

۱. ر.ک: خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۴/۲/۲۴.

۲. الف، ۱۳۹۴/۹/۱.

یکی از سفارش‌های مهم اسلام به زنان، صبر و تحمل در برابر بدخلقی و رفتار نامناسب شوهر است. سفارش به صبر و تحمل به مواردی از بدخلقی مرد باز می‌گردد که برای غالب زنان تحمل‌پذیر است. در این اوضاع، بهتر است زن به جای درخواست طلاق و سعی در آغاز زندگی زناشویی دیگری که معلوم نیست وضعیتی بهتر از این زندگی داشته باشد، با صبر و تحمل، مرد را آرامش داده، تدریجاً او را به سمت سازگاری بکشاند

\* زنان از منظر حقوقی و قضایی

\* ارائه طرح‌های قضایی در حمایت از زنان

سه) معاونت برنامه ریزی و راهبردی ریاست جمهوری:

\* تخصیص بودجه مناسب به دستگاه‌های مسئول جهت حمایت از زنان

چهار) وزارت علوم، تحقیقات و فناوری:

\* تربیت نیروی متخصص در حوزه زنان و امور اجتماعی

#### ۳) اورژانس اجتماعی

اورژانس اجتماعی، یکی از برنامه‌هایی است که برای حل مشکلات مردم توسط دفتر امور آسیب‌دیدگان سازمان بهزیستی در حال اجراست. این برنامه تلفیقی از مداخله در بحران فردی، خانوادگی و اجتماعی (مرکز اورژانس اجتماعی)، خط تلفن ۱۲۳، تیم سیار اورژانس و پایگاه خدمات اجتماعی است که در مرحله اول با هدف توانمندسازی اجتماع‌محور در سکونت‌گاه‌های غیررسمی تدوین شده است. گروه‌های هدف این برنامه نیز زوجین متقاضی طلاق و افراد دارای اختلاف خانوادگی حاد، زنان و دختران آسیب‌دیده اجتماعی، کودکان کار و خیابان، همسران و کودکان آزاردیده، دختران و پسران فراری از منزل و سایر افرادی هستند که به هر دلیل در شرایط بحرانی قرار گرفته‌اند. خدمات تخصصی این برنامه نیز خدمات مددکاری، روان‌شناسی، تربیتی، حقوقی، فرهنگی، آموزشی است.



ارزشمند «خشونت خانگی علیه زنان: بررسی، علل و درمان با نگرش به منابع اسلامی نوشته محمد رضا سالاری فر» است که توسط حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، مرکز نشر هاجر، در سال ۱۳۸۹ منتشر شده است.

۱. آدامز، لیندا، فرهنگ تفاهم در ازدواج، تهران، ترجمه پریچهر فرجادی، نشر آیین تفاهم، ۱۳۸۱ ش.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، من لایحضره الفقیه، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ ق.

۳. احمدی، بتول و دیگران، «دیدگاه زنان و مردان تهرانی و صاحب‌نظران درباره خشونت خانگی علیه زنان در ایران: یک پژوهش کیفی»، فصلنامه دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، سال ۶، شماره ۲، پیاپی ۲۲، تابستان ۱۳۸۷، ص ۶۷-۸۱.

۴. اصفهانی، سید ابوالحسن، وسیله النجاة، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قزوین، ۱۳۸۰ ش.

۵. برنشتاین، ف. اچ، زناشویی درمانی، ترجمه حسن پورعابدی نائینی و غلامرضا منشئی، تهران، رشد، ۱۳۸۰ ش.

۶. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم، نشر طریق القدس، ۱۳۶۱ ش.

۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، گردآورنده و مترجم علی شیروانی، کلمات قصار پیامبر اعظم ۲، دار الفکر، تهران، ۱۳۸۵ ش.

۸. جزنی، نسرین، ارزش کار خانگی زن، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۳ ش.

۹. جامعه خبری-تحلیلی الف.

۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، و سائل الشیعة، تهران، المكتبة الاسلامیة، بی تا.

۱۱. خبرگزاری فارس.

۱۲. خبرگزاری تسنیم.

۱۳. داوری، محمد، پیشگیری و کنترل اعتیاد با نگرش اسلامی، قم، نشر کلک، ۱۳۸۱ ش.

۱۴. رسولیان، مریم و جعفر بوالهری، مرضیه نجومی، سپیده حبیب، صلح میرزایی خوشالانی، «همسرآزاری، بررسی نظریه‌ها و مدل‌های مداخلاتی: ارائه مدل مداخلاتی مبتنی بر نظام مراقبت‌های اولیه بهداشتی در ایران»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، بهار ۱۳۹۴، سال بیست و یکم، شماره ۱، (ص ۳-۱۶).

۱۵. سالاری فر، محمد رضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۵ ش.

۱۶. سالاری فر، محمد رضا، خشونت خانگی علیه زنان: بررسی، علل و درمان با نگرش به منابع اسلامی، قم، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، مرکز نشر هاجر

۱۷. سبحانی تبریزی، جعفر، نظام النکاح فی الشریعة الاسلامیة الغراء، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۳۷۴ ش.

۱۸. سلامت نیوز

۱۹. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمدجعفر امامی و محمد رضا آشتیانی، قم، مدرسه امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۵ ش.

۲۰. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی

۲۱. طباطبائی یزدی، محمد کاظم، عروة الوثقی، مکتبه الداوری، قم، بی تا.

۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۸۸ م.

۲۳. \_\_\_\_\_، مکارم الاخلاق، بیروت، دار الحوراء، ۱۴۰۸ ق.

۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، مهدی مخزومی، قم، اسوه، ۱۴۱۴ ق.

۲۵. قاسمی روشن، ابراهیم، همسرآزاری، رفتارشناسی آزار علیه شوهر، مطالعات راهبردی زنان، تابستان ۱۳۸۲، شماره ۲۰، (ص ۴۳-۶۸).

۲۶. کاپلان، اچ. سادوک بی، خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری ترجمه نصرت‌الله پور افکاری، نشر شهر آب، تهران، ۱۳۷۹ ش.

۲۷. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، تهران، نشر ایران، ۱۳۷۰ ش.

۲۸. کلامی، فریناز، بررسی عوامل مؤثر بر زن‌آزاری در همسران ۱۰۰ زن مراجعه‌کننده به مرکز پزشکی قانونی تبریز، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ۱۳۷۸ ش.

۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الاضواء، بیروت، ۱۹۹۲ م.

۳۰. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منصور صبوری، تهران، انتشارات نی، ۱۳۷۶ ش.

۳۱. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، ترجمه حمی رضا شیخی، دار الحدیث، قم، ۱۳۷۹ ش.

۳۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۳۳. مرتوس، جولی، آموزش حقوق انسانی زنان و دختران ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، دنیای مادر، ۱۳۸۲.

۳۴. معظمی، شهلا، «جرم‌شناسی خشونت خانگی و همسرکشی در سیستان و بلوچستان»، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳، (ص ۳۹-۵۳).

۳۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ ش.

۳۶. میرزایی، رحمت، «خشونت علیه زنان و نقش پلیس در پیشگیری از بروز آن»، پژوهش‌های انتظام اجتماعی، دوره هفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴.

۳۷. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۲ ش.

۳۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البتیت لإحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.